



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



رشد

معلم

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای معلمان، دانشجویان معلمان، استادان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره سی و نهم ■ شماره ۱۳۹۹ ■ شماره پستی ۳۳۳۵ ■ صفحه ۴۸ ■ ۳۵۰۰۰ ریال



بازخورد
موثر



مدارس آینده
چه شکلی است؟



گاهی به آسمان
نگاه کن



معلم تعالی هویت

The background features a central emblem within a gold, ornate frame. The emblem depicts a stylized building with a central archway and a lattice pattern. The entire scene is set against a light beige background with radiating lines and scattered confetti in red, blue, yellow, and purple.

استقلال، آزادی جمهوری اسلامی

۴۲ سال پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران مبارک



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

مدیرمسئول: محمدابراهیم محمدی
سردبیر: دکتر عظیم محبی
اعضای شورای برنامه‌ریزی:
احمد اسمعیلی
اکبر شیرزادی
اشرف فاطمی
مدیر داخلی: شهلا فهیمی
ویراستار: کبری محمودی
مدیر هنری: کوروش پارسائزاد
طراح گرافیک: سیدجعفر ذهنی
دبیر عکس: پرویز قراگوزلی

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۲
نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸
پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۲۰
roshdmag: 
وبگاه: www.roshdmag.ir
رایانامه: moallem@roshdmag.ir
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۲۱
امور مشترکین:
۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
فکس: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳
چاپ و توزیع: شرکت افست

عکاس جلد: اعظم لاریجانی
(عکس آرشیوی است.)

- ۲ **تعالی هویت / دکتر عظیم محبی**
- ۳ **تدریس تأملی / معصومه بدری، دکتر بهمن حوریزاد**
- ۶ **مدارس آینده، چه شکلی است؟ / هوشنگ غلامی**
- ۱۵ **با یار مهربان در «ماخونیک» / علی مرادی**
- ۱۲ **معلمان قرن ۲۱ / ملیحه بدیچی**
- ۱۴ **فعالیت‌های یادگیری / روح اله رضاعلی**
- ۱۶ **شادی شادی / منیره اسلامی نصرت‌آبادی**
- ۱۸ **معلم مقتدر / محمدرضا توحیدی**
- ۲۰ **شایستگی حرفه‌ای / اعظم لاریجانی**
- ۲۲ **پرسش، پرسشگری پویا / محبوبه اسپیدکار**
- ۲۴ **گاهی به آسمان نگاه کن / وحید راغب**
- ۲۶ **نظارت آگاهانه / ابراهیم آرزو**
- ۲۹ **کلاس شفاف؛ کلاس ناپیدا / محمد تابش**
- ۳۲ **عاشقان را شد مدرس حُسن دوست / دکتر یاسر ملکی**
- ۳۵ **منطق بومی / دکتر عظیم محبی**
- ۳۶ **باز خورد موثر / دکتر سمیه لیاقت**
- ۳۸ **آثار پنهان روش‌های تدریس / دکتر محمد نیرو**
- ۳۰ **ویرایش / حسین حسینی‌نژاد**
- ۳۲ **معلم تراز سند تحول / معصومه شاهی**
- ۳۴ **معلم مشاور / فاطمه عبداللهی‌نیا**
- ۳۶ **اجازه بده شکست بخورم! / زهرا عرب سلمانی**
- ۳۸ **معرفی کتاب /**

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند.
- مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
- حجم مطالب ارسالی حداکثر ۱۰۰۰ کلمه باشد. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
- محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● شماره تماس و نشانی الکترونیکی نویسنده حتماً نوشته شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



تعالی هویت

دکتر عظیم محبی

تکوین و تعالی هویت دانش‌آموزان، یکی از اهداف کلی نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود که از طریق تعامل در فضای کلاس و مدرسه شکل می‌گیرد.

هویت لایه‌های متعدد دارد؛ انسانی، دینی، ملی، قومی، علمی، جنسیتی، حرفه‌ای، خانوادگی، انقلابی و ... شکل‌گیری این هویت‌ها در بسته‌تر اهداف شش‌ساحت تعلیم و تربیت، از طریق برنامه‌های درسی و پرورشی مدرسه‌ها، با محوریت معلمان و مربیان، به صورت درهم‌تنیده زمینه‌سازی می‌شود.

شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان به صورت درهم‌تنیده، نشانگر تربیت مطلوب در نظام آموزش و پرورش است. در کنار مدرسه‌ها، رهبران دینی و اجتماعی در شکل‌گیری هویت در جامعه نقش تأثیرگذار دارند؛ به‌ویژه هویت انقلابی. به گونه‌ای که می‌توان اذعان داشت، پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ مرهون هویت‌سازی امام بزرگوار و دیگر یاران ایشان، چون مقام معظم رهبری، بوده است.

تربیت‌یافتگان مکتب امام خمینی (ره) توانستند در سال ۵۷ انقلاب اسلامی را به‌وجود آورند و در طول این چهل سال از آن پاسداری کنند. تعدادی از دانش‌آموزان و معلمان در جریان انقلاب شهید شده‌اند و در جریان دفاع مقدس نیز نقش‌آفرین بودند.

برنامه‌های دهه فجر در هر سال یادآور تعلیم و تربیت هویت‌ساز است (هویت دینی، ملی و انقلابی در کنار هویت علمی). در عین حال، به نظر می‌رسد ادامه مسیر انقلاب بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، همچنان نیازمند نقش‌آفرینی مدرسه‌ها (معلم و ...) در تکوین و تعالی پیوسته و همه‌جانبه هویت دانش‌آموزان است.

در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری چند توصیه مهم فرموده‌اند که می‌تواند با برنامه‌های درسی و پرورشی مدرسه‌ها، به صورت درهم‌تنیده، دنبال شود. این توصیه‌ها عبارت‌اند از:

- علم و پژوهش
- معنویت و اخلاق
- اقتصاد مقاومتی
- سبک زندگی اسلامی - ایرانی
- عدالت و ...

به نظر می‌رسد، برنامه‌های درسی و پرورشی مدرسه‌ها باید به گونه‌ای بازطراحی شوند که تقویت انواع هویت، به‌ویژه هویت انقلابی، همواره در رأس برنامه‌ها باشد.



تدریس تأملی

© معصومه بدری، دکتر بهمن حوریزاد، بازنشسته آموزش و پرورش (پژوهشگر)

← تدریس تأملی چیست و چگونه می‌تواند در تدریس مجازی اثربخش و جذاب، هم به معلم و هم به دانش‌آموز، لذت یادگیری را بچشاند و فضای عاطفی و روانی همگان را به آرامش و دل‌آرامی تبدیل کند؟ این روزها آموزش‌های مجازی با چالش‌هایی مواجه شده‌اند و آموزگاران فکور و علاقه‌مند در جست‌وجوی راه‌حلی برای حل برخی از چالش‌هایی هستند که در محدوده اختیار عمل آن‌هاست. در واقع، از خود سؤال می‌کنند من چه کاری می‌توانم انجام دهم؟ نه اینکه دیگران باید این کار و آن کار را بکنند؛ چون آن‌ها در اختیار من نیستند! انتخاب هریک از این راه‌ها نتایج متفاوتی در بر خواهد داشت. به یقین اولی به من اعتماد به نفس و خودباوری می‌دهد و دومی مرا خسته و خسته‌تر می‌کند.

تدریس در محیط مجازی باید بر سه اصل «فعال بودن یادگیرنده، تعامل و مشارکت، و راهنمایی معلم» استوار باشد. برای اجرای تدریس اثربخش، معلم باید محتوای درس خود را به شکل خودآموز، ساده و چندرسانه‌ای تهیه و به دانش‌آموزان ارائه کند. سپس با طراحی تکالیف یادگیری مناسب، دانش‌آموزان را با موضوع درس درگیر کند و در کنار آن موضوعات مهم و چالش‌برانگیز را برای ایجاد بحث ارائه دهد. سپس به صورت فردی یا گروهی، به دانش‌آموزان راهنمایی و بازخورد ارائه دهد و در انتهای درس ارزشیابی به عمل آورد.

چگونه از راهبرد تدریس تأملی کمک بگیریم؟

تدریس تأملی راهبردی است که به دسته اولی‌ها کمک می‌کند تغییر را از خود شروع کنند، لذت آن را بچشند و به دانش‌آموزانشان هم بچشانند. تدریس تأملی فرایندی است که طی آن معلم درباره آنچه انجام داده است، تفکر می‌کند:

من چگونه عمل کردم؟ این فرایند از بازنگری آنچه انجام شده (از طریق بازبینی ویدیوی تدریس مجازی خود)، شروع می‌شود. آنچه در کلاس مجازی تدریس شده و کنش و واکنش‌ها، تعامل‌ها، و هر آنچه به تغییر و بهبود نیاز دارد، تجزیه و تحلیل می‌شود. تدریس خلاق به معنای جست‌وجو و یافتن مسائل و چاره‌اندیشی

برای حل خلاقانه آن‌هاست؛ فعالیتی که در بازبینی و خوداندیشی خود معلم، به شناخت مسائل و ایده‌یابی و ایده‌پردازی کمک می‌کند و معلم یاد می‌گیرد ابتدا یاد بگیرد و بعد یاد بدهد. تفکر درباره اینکه چه چیزی موجب عملکرد خوب من می‌شود، مهم و مبتنی بر واقعیتی برآمده از کلاس است؟

در فرایند بازبینی تدریس و تفکر توسط خود معلم، چند سؤال نیاز به تأمل دارند و به همین مناسبت این رویکرد «تدریس تأملی» نام گرفته است. سؤالات عبارت‌اند از:

✓ در تدریس چه کاری انجام شده و من در حین تدریس داشتم چه می‌کردم؟
✓ چرا فعالیت خاصی را انجام می‌دهم؟
✓ آیا دانش‌آموزانم به خوبی یاد می‌گیرند؟
✓ چه چیزی موجب عملکرد خوب یا بد من و دانش‌آموزانم می‌شود؟

در رویکرد تدریس تأملی، بسیار بجا خواهد بود که از فن‌بدیعه‌پردازی و مرحله قیاس مستقیم استفاده کنید و سؤال «شباهت‌های سالاد با کلاس مجازی» را از خود بپرسید. شباهت‌ها را یادداشت کنید و بعد از خود سؤال کنید چه چیز سالاد را خوشمزه و جذاب می‌کند؟ به همین قیاس، چه چیزی تدریس مرا خوشمزه و جذاب می‌کند؟

✓ در تدریس چه تغییراتی بدهم تا جذاب شود؟
✓ چه چیزی را کم و یا زیاد کنم تا نتیجه بهتری عاید شود؟
✓ در طراحی تدریس مجازی چه تغییراتی لازم است؟
✓ در سطوح یادگیری چه تغییری صورت دهم تا یادگیری را عمیق‌تر کند؟

✓ برای تعامل بیشتر دانش‌آموزان با یکدیگر و با خودم، چه تغییراتی ایجاد کنم؟

✓ سازمان‌دهی خلاقانه عناصر و مؤلفه‌های تدریس چه تغییری لازم است؟

✓ در طراحی تکالیف خلاق و چالش‌برانگیز چه تغییراتی ایجاد کنم؟

✓ در فرایند ارزشیابی مجازی چه تغییراتی ایجاد کنم تا اطمینان پیدا کنم دانش‌آموزانم مطالب و مهارت‌ها و نگرش‌ها را به درستی کسب کرده و آموخته‌اند؟

✓ برای جلب مشارکت بیشتر دانش‌آموز و ولی همراه او، چه تغییراتی را در تدریس و در مرحله طراحی ایجاد کنم؟

✓ در روش‌های تمرکز بخشی بیشتر دانش‌آموز و رسمیت

بخشیدن به تدریس در محیط عاطفی و غیررسمی منزل چه تغییراتی باید انجام دهم؟

✓ برای برقراری ارتباط عاطفی با دانش‌آموز و ولی همراه او چه کارها و فعالیت‌هایی را باید طراحی کنم؟

✓ برای طراحی اندیشمندانه درس در فضای مجازی و مدیریت زمان، بهتر است چه تغییراتی انجام دهم؟

✓ در نقش اولیای دانش‌آموزان، در آموزش‌های مجازی چه تغییراتی لازم است ایجاد کنم تا چتری حمایتی برای یادگیری ایجاد کنم؟

✓ چگونه می‌توانم از عکس‌العمل‌های خود دانش‌آموزانم آگاه شوم و از خود آن‌ها راهی برای تسهیل یادگیری بیشتر در تکالیف و هدایت فرایند یادگیری کشف کنم؟ برای مثال، آیا می‌توانم در اتاق فکر یا تالار گفت‌وگویی که رسانه در اختیار من و دانش‌آموزانم گذاشته است استفاده کنم و یادگیری از همسالان (یادگیری مشارکتی) و ارزیابی همسالان را به‌عنوان فرصتی ارزشمند ایجاد کنم؟ یا روی مشکلی که بیشتر

دانش‌آموزان دارند تمرکز کنم و به‌راحتی از آن رد نشوم؟

✓ از خود سؤال کنید چگونه دانش‌آموزان را جذب فرایند یادگیری می‌کنید؟ هر آنچه را می‌خواهید تغییر دهید و بهبود ببخشید و هر راهی را که برای بهبود آن انتخاب می‌کنید، بنویسید و پیامدهای هر انتخاب را حدس بزنید.

✓ چگونه و با چه تغییراتی می‌توانم به دانش‌آموزانم کمک کنم به مهارت‌های زندگی، مهارت‌های پژوهشی، و استفاده از فناوری‌ها، رسانه‌ها و وسایل آموزشی، روحیه پرسشگری و خودارزیابی و تشخیص نقاط قوت و ضعف‌های یادگیری دست یابند؟

✓ چگونه و با چه تغییراتی در طراحی و تدارک هدف‌های یادگیری در ساحت‌های شش‌گانه تربیت، می‌توانم در تربیت اخلاقی، اعتقادی و فرهنگی به دانش‌آموزانم کمک کنم؟

✓ چگونه و با چه تغییراتی می‌توانم نگرشی مطلوب و متقابل بین خود و اولیا ایجاد کنم تا تعاملی چندجانبه و مطلوب ایجاد و تدریس را از مقبولیت و مشروعیت بیشتری برخوردار کنم؟

مطالبی درسی که یاد گرفته‌اند یا هر چیزی که نتوانسته‌اند یاد بگیرند، خلاصه و صادقانه توضیح بدهند. به آن‌ها اجازه دهید باز خورد خود را به‌صورت ناشناس هم ارائه دهند. پاسخ‌ها را یادداشت کنید.

کافی اختصاص داده‌اید؟ آنچه را خیلی متفاوت انجام داده‌اید و در واقع عملکرد دقیقی داشته‌اید که از آن لذت برده‌اید، یادداشت کنید. بعد از تدریس و در پایان آن، از دانش‌آموزان خود بخواهید درباره

تدریس تأملی به شما کمک می‌کند، بعد از تدریس فرصتی به وجود آورید که تدریس خود را ببینید و نکاتی را که در تدریس‌تان وجود دارد، یادداشت و بررسی کنید آیا برای یادگیری دانش‌آموزان زمان

همچنین می‌توانید از یکی از همکارانتان بخواهید تدریس شما را ببیند و ایشان نیز بازخورد صادقانه به شما بدهد. همین‌طور از اولیای دانش‌آموز بخواهید بازخورد صادقانه و حمایتی بدهد. به همه بگویید قصد دارید پیشرفت کنید. این رفتار نماد خوبی از اخلاق حرفه‌ای شما خواهد بود.

نکته

معلم‌ان عزیزی که تجربه‌های ارزشمندی از درس‌پژوهی دارند، می‌توانند از رویکرد درس‌پژوهی نیز در تدریس مجازی بهره ببرند. بر این اساس، لازم است معلم‌ان هم‌پایه و حتی عضوی از پایه قبل و عضو دیگری از پایه بعد، اتاق فکر یا تالار گفت‌وگویی ایجاد کنند و پژوهش مشارکتی را در تدریس مجازی نیز معنا ببخشند و هم‌افزایی داشته باشند (همان‌گونه که با دوستان و اعضای خانواده گروه تشکیل می‌دهیم).

متوجه خواهید شد، در آموزش‌های مجازی هیچ‌گونه محدودیتی وجود ندارد و حتی فرصت‌هایی فراهم شده‌اند که قبلاً وجود نداشتند.

در واقع، با بهره‌گیری از تدریس تأملی، پیش‌فرض تأثیرگذار بر شیوه تفکر من معلم این خواهد بود که وقتی من یاد می‌گیرم، دانش‌آموزانم هم یاد می‌گیرند. در این شیوه هر دو طرف تدریس رشد می‌کنند و از تدریس و یادگیری لذت خواهند برد.

تدریس تأملی در واقع به ایجاد زمینه‌هایی برای به‌وجود آوردن اندیشه، پرورش و به‌کارگیری آن کمک می‌کند و تدریس را خلاقانه می‌کند. یادمان باشد، در عصر دانایی و دوران جامعه دانش‌بنیان، بیشترین تأکید بر پرورش مهارت‌های اندیشیدن، مشکل‌یابی، مشکل‌گشایی و نبوغ، برقراری ارتباطات انسانی صحیح و خردپروری است و این

مهم در به‌کارگیری رویکرد تدریس تأملی و خوداندیشی خوب و تأثیرگذار عمل خواهد کرد! کافی است امتحانش کنیم.

به‌خوبی می‌دانیم که معلم‌ان به بازخوردهای واقعی نیاز دارند. یقیناً تدریس تأملی دقیق‌ترین، صادقانه‌ترین و اجرایی‌ترین روش ارزیابی است که بلافاصله به من معلم بازخورد می‌دهد؛ بازخوردی که از دیگر بازخوردها متفاوت‌تر و کاربردی‌تر است. یادمان هست و خواهد بود که در مهندسی هندسه تغییر، تغییر باید از خود آغاز شود و انتظاری از تغییر دیگر عوامل نداشته باشیم.

به‌خوبی می‌دانیم که تلاش شما و همکارانتان در تدریس مجازی و در قالب تیم درس‌پژوه، قبل و بعد از تدریس، کیفیت تدریس شما را تضمین می‌کند. خوب است از تفکر و تأمل قبل و بعد از تدریس به‌خوبی استفاده کنید.

✓ در آموزش مجازی، به‌جای حضور و غیاب سنتی، گوش دادن مؤثر به سخنان دانش‌آموز لازم است. با احترام آن‌ها را صدا بزنید و نام دانش‌آموزان را به خاطر بسپارید. از دانش‌آموزان تشکر و قدردانی کنید. دانش‌آموز را تا پایان کلاس فعال نگه دارید و اجازه بحث و اظهار نظر بدهید.

✓ رفتارهای مطلوب دانش‌آموز را با تشویق و تأیید در نظر داشته باشید.

✓ برنامه انضباطی را با خونسردی اعمال کنید. دانش‌آموز متخلف را متوجه ارتباط رفتارش با نتیجه منطقی ناشی از آن بکنید. لذا به‌منظور تسلط مؤثر بر دیگران، ابتدا باید بر خودتان مسلط باشید. با رفتار، صدا، منش، صداقت، وقت‌شناسی، ثبات و عدالت‌الگوی موفق‌تری ارائه دهید. در هیچ شرایطی، از دانش‌آموزان نزد اولیایشان انتقاد و شکایت نکنید.

✓ از تجربه‌های همکاران با رهیافت درس‌پژوهی بهره بگیرید. وقت‌شناس باشید. نتایج تکالیف و آزمون‌ها را زود اعلام کنید. عادلانه برخورد کنید. تفاوت‌های فردی و ویژگی‌های خاص دانش‌آموزان را در نظر بگیرید. سرحال و خوش‌رو باشید.

✓ قبل از آمادگی برای شروع درس خود، مطمئن شوید جلسه را برنامه‌ریزی کرده‌اید.

✓ زمان فعالیت‌های فردی و تیمی و زنگ تفریح‌ها را مشخص کنید.

✓ قوانین و انتظارات خود را قبل از شروع کلاس تنظیم کنید.

✓ تعیین قوانین و انتظارات واضح در مورد دانش‌آموز و پایه تحصیلی و مقتضیات سنی او به‌عنوان یادگیرنده مهم است. میزان مشارکت، فعالیت (فردی و تیمی) و مهلت انجام فعالیت‌ها نیز مهم است. شیوه پاداش دادن خود را توضیح دهید. مطمئن شوید قوانین را به روشی مثبت ارائه می‌دهید. برای مثال، به‌جای گفتن «کلام هم‌کلاسی‌های خود را قطع نکنید»، می‌توانید بگویید، «لطفاً وقتی می‌خواهید در بحث شرکت کنید، از یک‌کس مورد نظر استفاده کنید. دست خود را بالا ببرید.»

✓ همه قوانین باید به ساده‌ترین شکل ممکن و آسان دنبال شوند. دانش‌آموزان خود را از وظایف و مسئولیت‌هایشان (یادداشت‌برداری، خلاصه کردن، آزمایش و انجام تکالیف) آگاه کنید.

✓ تکالیف کاربردی طراحی کنید. می‌خواهیم اتاق خودتان را رنگ‌آمیزی کنید. ابتدا سطوح اتاق را اندازه بگیرید. سپس مقدار رنگ را محاسبه و دیگر مواد و وسایل لازم را تهیه و میزان مبلغ هزینه را برآورد کنید.

حالا والدین و مربیان متوجه می‌شوند، برخلاف عملکرد گذشته، آموزش و یادگیری به درد زندگی می‌خورد و به دانش‌آموز، توانش، دانش و نگرش می‌دهد. دیگر صرف حافظه و حافظه‌پروری واجد ارزش نیست!



مدارس آینده چه شکلی است؟

گفت‌وگو با مهندس علی زرافشان، مشاور وزیر آموزش و پرورش

هوشنگ غلامی

← مدارس با کیفیت، مدارسی هستند که زمینه کسب شایستگی‌ها را برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورند؛ شایستگی‌هایی چون تفکر و کارآفرینی در این میان بسیار مهم‌اند. این موضوع زمینه گفت‌وگو دکتر عظیم محبی، سردبیر رشد معلم، با مهندس علی زرافشان، از پیش‌کسوتان آموزش و پرورش و مشاور کنونی وزیر محترم آموزش و پرورش است که در ادامه با هم می‌خوانیم.

فعالیت‌های مدرسه اختصاص پیدا می‌کرد به انتقال موضوع‌های درسی که از دیسپلین‌های علمی گرفته می‌شدند. اما از خیلی سال قبل، یک بازنگری اتفاق افتاد و ضرورت‌های جدیدی مطرح شدند؛ به‌خصوص با تحولی که در حوزه مطالعات تعلیم و تربیت صورت گرفت. بحث هوش‌های چندگانه یکی از این نقاط عطف بود، برای اینکه ما

بعد از انقلاب صنعتی، مدرسه‌ها مأموریت و کارکرد خاصی پیدا کردند و آن این بود که افرادی را تربیت کنند و آموزش بدهند که بتوانند چرخ‌های صنعت را به حرکت درآورند. پس آموزش و پرورش تغییر شکل پیدا کرد و مدرسه شد محل دانش، و دانش‌آموزان شدند دانش‌آموز که باید دانش را کسب می‌کردند. به همین دلیل، غلبه

معلم با توجه به شناختی که از تحولات بین‌المللی در عرصه آموزش و پرورش دارید، مهم‌ترین شایستگی‌هایی که دانش‌آموزان باید کسب کنند، کدام هستند و کدام مهارت‌ها را در اولویت می‌بینید که آموزش و پرورش کشورمان باید در آن زمینه‌ها بیشتر کار کند؟

فقط به هوش ذهنی دانش‌آموزان توجه نکنیم، بلکه به بقیه هوش‌ها و رشد این هوش‌ها و زمینه‌های رشد آن‌ها نیز توجه داشته باشیم. لذا موضوع «شایستگی» مطرح شد. افراد برای زندگی کردن به کسب یک مجموعه شایستگی‌ها نیاز دارند که دانش آن در کتاب‌های درسی وجود ندارد، بلکه شایستگی‌ها و ابزارهایی هستند که فرد پیوسته در طول مسیر زندگی به آن‌ها نیاز دارد و باید به آن‌ها توجه کند.

خود این بحث که اصولاً یادگیری برای زندگی کردن است، نقطه عطفی بود. همین تغییرات، مطالعات و انتظارات باعث شد آن چهار ستون یادگیری ایجاد شود؛ یک ستون که رویکرد حاکم بر آموزش و پرورش بود، یعنی همان یادگیری برای دانستن، با سه ستون دیگر کامل شد. آن سه ستون دیگر، همین ابعاد جدید بودند. اینکه دانستن تنها کافی نیست، بلکه فرد باید آنچه را یاد گرفت، به کار گیرد؛ پس یادگیری برای به کار بستن را هم اضافه کردیم. بعد از آن، این دو هم کفایت نکرد، مگر آنکه این یادگیری‌ها در خدمت زیستن می‌بودند؛ یعنی باید به فرد کمک کنند بتواند زیست سالم و متعالی و متعادلی داشته باشد. اینکه خود فرد هم به تنهایی زیست متعالی و مناسبی داشته باشد کافی نیست و یادگیری برای با هم زیستن را نیز باید ایجاد کرد. این شرایط در قالب کار تیمی و تعامل با دیگران و چگونگی تعامل با دیگران خود را نشان می‌دهد.

خوب، این تغییرات در نظام‌های آموزش و پرورش کشورهای متعدد شکل پیدا کرد و به تدریج نگاه اصحاب تعلیم و تربیت را از آن تقدسی که فیزیک، شیمی و موضوعات علمی داشتند، به سمت موضوعات جدیدی پیش برد که به‌طور عمده به آن شایستگی‌هایی

مربوط می‌شد که افراد باید برای بهتر زندگی کردن کسب کنند. به این جهت، مثلاً وقتی ما در گذشته می‌خواستیم استعداد برتر انتخاب کنیم، می‌گفتم کسی که تیزهوش است. به این جهت می‌رفتیم مدرسه تیزهوشان را تشکیل می‌دادیم و موقع انتخاب افراد هم، آنانی را انتخاب می‌کردیم که به آن‌ها تیزهوش می‌گفتم. ولی وقتی تنوع هوش‌ها مطرح شد، ما به جای استعداد، از استعدادها صحبت کردیم. به این جهت هم، در سند راهبردی نخبگان، استعدادها برتر مطرح شده‌اند و در واقع، وظیفه نظام آموزش و پرورش هم این شده است که زمینه بروز و شکوفایی این استعدادها را فراهم کند.

آموزش خلاق، نقاد و مسئله‌محور

در این حوزه، بحث‌هایی مانند آموزش خلاق، آموزش نقاد، آموزش مسئله‌محور و کارآفرینی مطرح شدند؛ موضوعات جدیدی که باید به آن‌ها توجه شود. به نوعی می‌توان گفت، به جای اینکه ما بیاییم و موضوعات درسی خاصی را ارائه کنیم و احساس کنیم بچه‌ها با یادگیری آن‌ها توانا شده‌اند، مجموعه شایستگی‌هایی را به آن‌ها بدهیم که با داشتن آن‌ها خودشان بتوانند موضوعات را انتخاب کنند و آن‌ها را پرورش و رشد بدهند.

آموزش و پرورش پس از کرونا

آنچه حالا بزرگان تعلیم و تربیت در دنیا پیش‌بینی می‌کنند، نوعی تحول این شکلی است و البته به‌نظر می‌آید پدیده کرونا سرعت آن را خیلی افزایش داده و باعث شده است فضای جدیدی برای تعلیم و تربیت ایجاد شود که این فضای جدید دیگر مدرسه فیزیکی امروز را نیاز ندارد؛ همان چیزی که در بازاندیشی آموزش و پرورش پیش‌بینی

شده که مدرسه‌ها دیگر این شکل فیزیکی امروز را نخواهند داشت. چون قرار نیست دانش‌آموز ۲۴ یا ۳۶ ساعت در هفته داخل این فضای فیزیکی باشد. بلکه چیزی را که خودش نیاز دارد و فکر می‌کند ضعیف است، مانند زبان یا ریاضی را فرامی‌گیرد. آن موقع دانش‌آموز می‌گوید من برای کارم نیاز به ریاضی دارم، حالا می‌روم ریاضی می‌خوانم.

لذا کووید ۱۹ باعث شد تحول عظیمی اتفاق بیفتد. تا دیروز استفاده از موبایل را برای بچه‌ها در مدرسه ممنوع کرده بودیم، امروز خودمان می‌رویم موبایل می‌خریم و در اختیار بچه‌ها قرار می‌دهیم. بچه‌ها یادگیری در فضای مجازی و غیرحضوری را تجربه کردند و یاد گرفتند این طوری هم می‌شود یاد گرفت. خانواده‌ها این شکل از آموزش را تجربه کردند و به نظر می‌آید حتی بعد از برطرف شدن معضل کرونا هم، به سر کلاس برگرداندن بچه‌ها، یکی از مسائل سخت باشد. و یکی از کارهایی که بالاخره جمع‌ای از صاحب‌نظران آموزش و پرورش باید جمع شوند و درباره آن فکر کنند، این است. الان در دنیا کنفرانس‌های بسیاری به‌صورت وینار برگزار می‌شوند تا بررسی کنند آموزش و پرورش بعد از کرونا چه آموزش و پرورشی است، چه ویژگی‌هایی دارد و چگونه آموزش و پرورشی خواهد بود؟ آیا همان کلاس‌ها مجدداً به‌صورت فیزیکی و سنتی برگزار خواهند شد یا نه؟ تازه، اگر برگزار شوند، آیا خانواده‌ها راضی می‌شوند بچه‌هایشان به مدرسه بروند؟ چون می‌گویند تاکنون یاد می‌گرفتند و بعد از این هم یاد می‌گیرند. در این مدت، هم دولت و شبکه شاد، و هم بخش خصوصی و مدرسه‌ها، ظرفیت آموزش بسیاری ایجاد کردند. الان خیلی از مدرسه‌های

غیردولتی شبکه‌های آموزشی بسیار قوی راه‌اندازی کرده‌اند. حالا اگر ما از غلظت این آموزش و پرورش کاهش می‌دهیم، باید بر غلظت یک چیزهایی بیفزاییم؛ چیزهایی که باید غلظت آن‌ها را بیفزاییم، همین شایستگی‌ها هستند؛ یعنی آنچه فرد را توانمند می‌کند.

موقعیت یادگیری

این موضوع را اگر بخواهیم با نگاه سند تحول بنیادین هم ببینیم، با آن سازگار است. سند تحول که ما از آن خیلی غفلت کردیم، در کلیدواژه موقعیت یادگیری، همین را خواسته است. می‌گوید هر یادگیرنده‌ای در موقعیت یادگیری با خودش باید موقعیتش را بشناسد. خودش باید ارزشیابی کند و خودش باید موقعیتش را ارتقا دهد.

معلم با اشاره به تحلیلی که ارائه کردید، در دوره مدیریت جناب عالی در معاونت آموزش متوسطه، شاهد بودیم بخشی از این نگاه، به نوعی، وارد برنامه‌ها شد. لطفاً بخشی از آن تجربه‌ها را بیان بفرمایید.

از جمله کارهایی که آن زمان انجام شد، بحث کارآفرینی به‌عنوان یک شایستگی خیلی ضروری بود. خیلی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها بیکارند و رقم بالایی پشت کنکوری داریم. سالانه یک میلیون و سیصد هزار نفر در کنکور شرکت می‌کنند و دائماً هم دولت، اولیا و مدرسه‌ها به بچه‌ها خدمات و برنامه می‌دهند که این کار را نکنید و آن کار را نکنید.

به تازگی جدول و گزارشی از وضعیت آموزشی فعلی جهان به‌صورت اینفوگرافیک ارائه شده‌است. آنجا در ترکیب مشاغل دنیا، کارآفرینان

یک گروه هستند و تعدادشان در دنیا مشخص است که ما این تعداد کارآفرین در دنیا داریم. در واقع، نوعی هدف‌گذاری برای بچه‌ها و کسانی است که این توانمندی‌ها را دارند.

تربیت روحیه کارآفرینی

ما با همکاری دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، اجرای طرح «کاشف» را شروع کردیم. در این طرح، ما استعدادها را برتر کارآفرینی بچه‌ها را شناسایی می‌کردیم و بعد برای آن‌ها آموزش می‌گذاشتیم. ظرفیت پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی و انتخاب مربیان را ارتقا دادیم. حتی مربیان را هم که می‌خواستیم انتخاب کنیم، برایشان آزمون کارآفرینی گذاشتیم تا ببینیم آیا خود این‌ها ویژگی‌های کارآفرینی را دارند که حالا بیایند آموزش کارآفرینی هم بدهند؟

خوشبختانه، همان زمان، در بسیاری از استان‌ها، حتی استان‌های محروم مثل سیستان و بلوچستان، بچه‌ها شروع کردند به کارآفرینی و ایجاد بازارچه‌های مجازی برای فروش کالایشان در سراسر ایران. در فضای شبکه‌های اجتماعی، بازارچه‌های مجازی راه انداختند و کالاهایشان را عرضه می‌کردند. ما برای بازدید از نمایشگاه‌های کارآفرینی و بازارچه‌های کسب و کار به هر استانی می‌رفتیم، می‌دیدیم دانش‌آموز کارت خود را ارائه می‌کند که روی کارت، نشانی الکترونیکی و مجازی‌اش هم بود تا اگر شما مراجعه کنید، تولیدات او را آنجا ببینید و بتوانید سفارش بدهید. هر جای کشور هم که باشید، کالا را برایتان بفرستند.

این خیلی مؤثر بود از جهت اینکه ما کمک می‌کنیم به بچه‌ها تا استعدادهایشان شناسایی شود.

معلم در دوره ابتدایی می‌توان برنامه جابرین حیان و جشنواره نوجوان خوارزمی در متوسطه اول را، با برداشتی که از سخنان شما دارم، با این نگاه ارزیابی کرد. در این زمینه هم توضیح دهید.

در دوره ابتدایی، جشنواره‌ای به نام جابرین حیان داشتیم و در دوره دوم متوسطه، جشنواره‌های متعددی داشتیم که مشهورترین آن‌ها، جشنواره جوان خوارزمی بود. ولی برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه هیچ جشنواره‌ای وجود نداشت.

جشنواره نوجوان خوارزمی

یکی از مواردی که در سند راهبردی نخبگان آمده، تنوع‌بخشی به روش شناسایی استعدادهاست. صرفاً این نیست که یک آزمون بگیریم و گروهی بیایند تست بزنند و بگوییم این باهوش است و آن بی‌هوش. تنوع ایجاد کردیم تا استعدادهای متنوع را با روش‌های متنوع شناسایی کنیم. آمدیم و با همکاری دوستان دوره اول متوسطه، جشنواره نوجوان خوارزمی را به شکل ملی برگزار کردیم. اینکه از کف مدرسه شروع بشود و هر دانش‌آموزی یک کاری بکند. بعد هم تنوع رشته‌های داخل مجموعه را مدنظر قرار دادیم. مثلاً کاری در رشته علوم انسانی انجام شده بود، به نام «احساس واژه‌ها». از داخل آن، افراد بسیار توانمندی در نوشتن، بیان کردن و ارائه کردن کشف شدند.

خود جشنواره نوجوان خوارزمی هم باز در این راستا کمک می‌کرد به پیشبرد موضوع. البته در برخی کارها مثل برنامه‌تعالی نیز، از بخش‌هایی که به مشارکت دانش‌آموزان مربوط بود، دیده می‌شد. بالاخره نیاز بچه‌های مدرسه

هم باید در تدوین برنامه سالانه مدرسه مورد توجه قرار گیرد و شایستگی‌های مدیریتی بچه‌ها را باید بتوانیم رشد و پرورش بدهیم.

یکی از کارهایی که ما آن زمان شروع کردیم ولی به نتیجه نرسید و به تازگی مجدداً آن را به وزیر آموزش و پرورش پیشنهاد کردم و ایشان هم استقبال کردند، این بود که ما آن زمان در همین حوزه کارآفرینی، بخشی را شروع کردیم با عنوان آموزش «کدینگ» به بچه‌ها. آن زمان یعنی پنج - شش سال قبل، این بحث را داشتیم که بچه‌ها اگر این مهارت را کسب کنند، از همان دوره مدرسه می‌توانند برای خودشان اشتغال ایجاد کنند.

تعبیری که ماهاتیر محمد دارد، این است که کدینگ زبان آینده بشر است. یعنی این‌قدر جایگاه مهمی برایش ترسیم می‌کند که این موضوع، هم در حوزه کارآفرینی مطرح است و هم در این حوزه که بالاخره اگر دانش‌آموزانی شایستگی‌هایی را در این حوزه دارند، بتوانیم به آنان کمک کنیم آن‌ها را رشد و افزایش دهند.

کدینگ، در واقع سیستم کدنویسی است برای تولید اپلیکیشن‌های گوناگون؛ کاری است که بچه‌ها می‌توانند انجام بدهند با یک مجموعه آموزش‌های خاص و خیلی کوتاه. اما آیا این توانمندی را ایجاد می‌کنند که دانش‌آموز بتوانند اپلیکیشن تولید کنند و از آن درآمدی کسب کنند؟

مردم اگر بپذیریم که درون آموزش و پرورش، با همه چالش‌هایی که داریم، جهت‌گیری‌ها این‌گونه بوده‌اند، پس مؤسسه‌ها و شرکت‌های بیرون باید با این نگاه همراه شوند؛ یعنی

با نگاه به اینکه شایستگی‌ها به‌ویژه شایستگی‌های دست‌ورزی و مهارتی بیشتر رشد پیدا کند، وضعیت را چگونه ارزیابی می‌کنید و چه پیشنهادی دارید که این شرکت‌ها خودشان را همراه کنند؟

براساس تعریف‌های قبلی آموزش، فناوری‌های آموزشی در واقع تسهیلگر یادگیری بوده‌اند و می‌توانستند مسیر یادگیری را هموارتر کنند. چون تعریف‌های قدیم بیشتر بر ابزار و سخت‌افزار ناظر بود، ولی در تعریف جدید متفاوت ذکر شده است. در تعریف جدید اصلاً نوعی یکپارچگی وجود دارد. یعنی فناوری‌های آموزشی، جدای از آموزش، رویکرد آموزش و جهت‌گیری‌های آموزش نیست. به این جهت، پیوند خیلی عمیق‌تری بین یادگیری و فناوری‌هایی که به هر حال وجود دارند، ایجاد شده است. این فناوری‌ها می‌توانند بسیار کمک کنند. مثلاً یک وقتی، شرکتی مثل لگو، لگوی آموزشی درست می‌کند و بچه‌ها از طریق این فناوری‌ها، به شکل بازی و سرگرمی، یادگیری‌شان اتفاق می‌افتد.

به این دلیل، در این حوزه، به‌طور طبیعی فناوری‌های آموزشی خیلی تأثیرگذارند. من خاطرم هست، در بازدیدی از نمایشگاه صنایع آموزشی که در محل کانون پرورش فکری تشکیل شده بود، غرفه‌ی یکی از شرکت‌هایی را می‌دیدم که ابزارهای کمک‌آموزشی کراهی را وارد کرده بودند. شاهد بودم علاوه بر کارهای قبلی، مقداری روی حوزه الکترونیک و دیجیتال هم در ابزارهایشان کار کرده بودند. همان سال دیدم که جزو کارهای جدید آن‌ها، بحث کدینگ را هم آورده‌اند. لذا به نظر می‌آید این کار باید اتفاق

بیفتد؛ منتها لازمه‌اش ایجاد پیوندی خیلی نزدیک بین این شرکت‌ها و آموزش و پرورش و به‌خصوص سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است که جهت‌گیری‌های یادگیری را فراهم می‌کند.

اهمیت دست‌ورزی

طرز نگاه به بهره‌گیری از وسایل آموزشی تغییر کرده است. برنامه «دست‌ورزی» که در دوره اول متوسطه انجام شد، به این شکل بود که به جای اینکه منتظر باشیم بسته‌های آموزشی از پیش طراحی شده و تولیدشده‌ای بیایند به کلاس درس و از طریق آن‌ها کار را یاد بگیریم، بباییم خود معلمان و دانش‌آموزان را فعال کنیم برای اینکه ابزار کمک آموزشی بسازند. از کارهای بسیار ساده شروع می‌شد تا بچه‌ها بتوانند کار «دست‌ورزی» را انجام دهند. خود رویکرد دست‌ورزی هم کمک می‌کند به اینکه حتی در دورترین مناطق کشور هم بتوانیم با کمک بچه‌ها و معلمان و اولیا وسایلی داشته باشیم که یادگیری را تسهیل می‌کنند.

زیست بوم مدرسه

امروز خوشبختانه معلمان در این مسیر بسیار خوش‌فکر، خلاق و با انرژی هستند و کارهای بسیار خوبی انجام می‌دهند؛ از جمله، کارهایی که در شبکه شاد می‌گذارند و ما شاهد آن‌ها هستیم. معلمان در این حوزه فعال‌اند. لذا این بحث «بوم» را با ظرفیت بالایی که الآن معلمان ما دارند و خلاق هستند و کارهای نو انجام می‌دهند، می‌توان کاملاً کلاس‌محور و مدرسه‌محور کرد تا به نیازهای بچه‌ها و یادگیرندگان متکی باشد.



با یار مهربان در «ماخونیک»

علی مرادی، مدیر آموزگار دبستان حضرت یونس (ع)، خراسان جنوبی، شهرستان سریشه، روستای عشایری چاهوقنبر

کتابخانه‌های راه‌اندازی شود. برای حل مشکل فضای کتابخانه، از کانکسی بدون استفاده، به‌عنوان کتابخانه، استفاده کردیم. از زمان احداث کتابخانه فعالیت‌های بسیاری در این مکان برگزار می‌شوند که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

گردش کتاب در سرزمین شگفتی‌ها: منطقه ماخونیک متشکل از ۱۲ آبادی است که روستای ماخونیک بزرگ‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود. اهالی این روستاها از نظر مذهب، معیشت، شیوه زندگی و اوضاع اجتماعی وجه اشتراک زیادی با یکدیگر دارند، اما غالب این روستاها اصل و نسب خود را از روستای ماخونیک می‌دانند. به علت بعد مسافت، به کتاب و کتابخانه دسترسی ندارند. در نتیجه وظیفه کتابداران و دست‌اندرکاران امر کتاب است که کتاب و منابع را به دست این افراد برسانند. در این طرح، دانش‌آموزان روستای ماخونیک کتاب‌ها و منابع آموزشی را برای دوستان خود در مدرسه‌های دیگر آماده می‌کردند. راهبر آموزشی و دست‌اندرکاران کتاب، این کتاب‌ها

و کتاب‌خوانی در مناطق محروم و عشایری و ایجاد فرصت دریافت و مطالعه کتاب‌های سودمند و سازنده برای همه انجام شده است و از فعالیت‌های آموزشی و پرورشی در مدرسه پشتیبانی خواهد کرد.

احداث کتابخانه در مدرسه‌های مناطق محروم و عشایری

در جلسه‌ای با حضور دست‌اندرکاران کتاب و آموزگاران مدرسه، بعد از مطرح‌شدن مشکلات آموزشی و پرورشی (علاقه‌نداشتن به مطالعه کتاب، مشکلات خواندن و نوشتن و...) و راهکارها، به این نتیجه رسیدیم که می‌توان بسیاری از این مشکلات را با راه‌اندازی کتابخانه برطرف کرد. کودکان عشایر و محروم خراسان جنوبی کتاب و وسایل فرهنگی را به اندازه کافی در دسترس نداشتند. کانون توسعه فرهنگی کودکان، سال‌هاست امکاناتی همچون نوشت‌افزار و کتاب را برای کودکان عشایر و محروم فراهم می‌کرد. طی گفت‌وگویی با مسئولان کانون، به این توافق رسیدیم که در مدرسه «ماخونیک»

یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی جوامع، میزان و گسترش فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی در بین افراد جامعه است. بنابراین، فراهم کردن بستر لازم برای رشد و گسترش مطالعه و تقویت نگرش‌های علمی در بین شهروندان، لازمه توسعه فرهنگی به شمار می‌آید. با توجه به آنکه دانش‌آموزان بخش عظیمی از افراد جامعه هستند، تلاش برای تعمیق و گسترش فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی و تقویت بینش و نگرش علمی آن‌ها ضرورتی اساسی است. هر قدر میزان فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی در بین دانش‌آموزان توسعه و گسترش یابد و آن‌ها جایگاه واقعی خود را در مدرسه‌ها و نظام آموزشی بیابند، آموزش و پرورش بهتر به اهداف خود نائل می‌شود. بهترین نقشی که معلم می‌تواند در موفقیت دانش‌آموزان داشته باشد، این است که آن‌ها را به کتاب‌خوانی‌های حرفه‌ای تبدیل کند. هر چه تماس کودکان با کتاب بیشتر باشد، آن‌ها کتاب‌خوان‌های حرفه‌ای‌تری خواهند شد. این تجربه با هدف ترویج فرهنگ کتاب

و منابع آموزشی را به ۱۲ آبادی منطقه ماخونیک می‌بردند و هر ماه کتاب‌های روستاها جابه‌جا می‌شدند تا همه از فواید کتاب‌ها بهره‌مند شوند.

● **والدین قصه‌گو:** به مناسبت روزهای مادر و پدر و ترویج فرهنگ قصه‌گویی در بین والدین، طرح والدین قصه‌گو در دبستان اجرا شد. در این طرح اولیا برای فرزند و هم‌کلاسی‌هایش قصه می‌گویند و در پایان از آنان تقدیر می‌شود.

● **هر صبح با یار مهربان:** در برنامه صبحگاهی، به دانش‌آموزان فرصتی داده می‌شود تا خلاصه یا معرفی کتابی را که خوانده‌اند، برای دوستان خود بگویند. دانش‌آموزان می‌توانند داستان کتاب را به‌صورت نمایش اجرا کنند.

● **والدین و کتاب:** خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که هم در بودن و هم در شدن کودکان نقش اساسی دارد. همه فعالیت‌های تربیتی از خانواده شروع می‌شود. محیط و شرایط خانواده و روش تربیتی و آموزش والدین در انس کودک با کتاب نقش بسزایی دارد. کودکی که با کتاب آشنا می‌شود، برای همیشه از هم‌نشینی و دوستی با کتاب لذت خواهد برد. نقش خانواده در ایجاد عادت به مطالعه از گهواره آغاز می‌شود و لایه‌ها اولین پیوندهای کودک

با ادبیات به شمار می‌آیند. این اشعار ساده که گاهی حتی کلام آن با کودک هیچ رابطه‌ای ندارد، هم احساس امنیت را به او انتقال می‌دهد و هم زمینه‌ساز اولین ارتباط‌های انسانی است.

با هدف ترویج توسعه فرهنگ کتاب‌خوانی، جلسه‌هایی با حضور اعضای انجمن اولیا و مربیان در محل کتابخانه برگزار می‌شود. در این جلسه‌ها، ضمن اشاره به نقش و اهمیت کتاب و کتاب‌خوانی، به والدین آموزش داده می‌شود که خواندن در دنیای امروز نیاز اساسی و بخشی از زندگی است و آن‌ها به‌عنوان الگوی تربیتی فرزندان‌شان، نقش مهمی در تشویق و ترغیب

آن‌ها به مطالعه دارند. حتی مجموعه‌ای از کتاب‌های مفید و ساده به والدین معرفی می‌شود تا آنان نسبت به تهیه این کتاب‌ها اقدام کنند. همچنین، اعضای انجمن اولیا و مربیان و اهالی روستا، با عضویت رایگان می‌توانند از منابع کتابخانه استفاده کنند.

● **کودک و کتاب:** به‌منظور آشنایی و علاقه‌مند کردن کودکان روستا با کتاب و کتابخانه، از کودکان دعوت می‌شود در روزی مشخص در کتابخانه حاضر شوند و از کتاب‌ها و وسایل بازی استفاده کنند.

● **با من کتاب بخوان و بگو:** به‌منظور ترویج کتاب‌خوانی و افزایش اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان، جلسه‌ای صمیمی بین معلمان و دانش‌آموزان برگزار می‌شود و دانش‌آموزان داستان‌ها و مطالب مفیدی را که از کتاب‌ها یاد گرفته‌اند با دوستان خود به اشتراک می‌گذارند.

● **بازدید از کتابخانه‌ها:** پس از جداسدن کودک از محیط خانواده، معلم محبوب‌ترین و با نفوذترین فردی است که رفتار کودک را تحت تأثیر جدی خود قرار می‌دهد؛ هر چند این تأثیر در تمام طول دوران تحصیل وجود دارد، ولی دانش‌آموزان دوره ابتدایی بیشتر از دیگران تحت تأثیر افکار، عقاید و رفتار معلم خود قرار می‌گیرند. آن‌ها معلم را به‌عنوان الگو می‌پذیرند و کارهای او را

چند پیشنهاد

● با توجه به اینکه ارزش‌های اجتماعی در حکم مهم‌ترین عامل فرهنگ‌سازی کتاب‌خوانی است، به برنامه‌سازان رسانه ملی توصیه می‌شود از ظرفیت‌های اطلاع‌رسانی این رسانه بهره بگیرند و با ساخت برنامه‌های ویژه، ضمن معرفی کتاب‌های مناسب به دانش‌آموزان، آنان را به کتاب‌خوانی تشویق کنند و در ارتقای فرهنگ مطالعه کوشا باشند.

● والدین با فواید مطالعه غیردرسی دانش‌آموزان آشنا شوند و فضای مناسب مطالعه را در مدرسه، خانه و... ایجاد کنند.

● دهیاران و شورای اسلامی روستاها برای تشویق خانواده‌ها به مطالعه، طرح‌های کتاب‌خوانی خانوادگی و طرح‌هایی مانند آن را طراحی و اجرا کنند.

● فراهم کردن امکانات و تسهیلات استفاده از کتابخانه و توجه به طراحی مناسب محیط کتابخانه باید مورد توجه قرار گیرد. معلمان دانش‌آموزان را تشویق کنند که برای یافتن پاسخ سؤالات خود به کتابخانه مراجعه کنند. کودک را وادار به مطالعه نکنند. جلساتی از درس یا دقایقی از ساعات کلاسی را به مطالعه اختصاص دهند تا هم تنوعی در کلاس‌داری باشد و هم دانش‌آموزان با راهنمایی معلم با نحوه مطالعه آشنا شوند و هم یادگیری عمیق‌تر شود.

سرمشق خود قرار می‌دهند. اگر معلم بخواهد کودکان را به مطالعه و خواندن علاقه‌مند کند، لازم است ابتدا خود به خواندن بپردازد تا بتواند این لذت را به آن‌ها انتقال دهد. یکی از راه‌های ابراز این لذت، خواندن داستان در کلاس است. همچنین، او باید نشان دهد برای کتاب ارزش قائل است.

به‌منظور آشنایی معلمان با منابع گوناگون آموزشی، اردویی یک‌روزه به مرکز استان داریم تا از نزدیک با منابع کتاب‌ها آشنا شوند و بتوانند از این منابع در آموزش و پرورش کودکان استفاده کنند. از آن‌ها می‌خواهیم دانش‌آموزان را به کتابخانه و جست‌وجو در جهان پیرامونشان هدایت کنند و آن‌ها را به مطالعه و تحقیق وادارند.

● **جشن‌ها و کتابخانه:** برای ایجاد عشق و علاقه نسبت به کتاب و مطالعه، جشن‌ها را در کتابخانه برگزار می‌کنیم.

پیوند زدن جشن‌ها با کتابخانه باعث می‌شود دانش‌آموزان کتابخانه را محلی شاد در نظر بگیرند. ما سعی می‌کنیم بیشتر جشن‌ها از قبیل جشن شب یلدا، جشن روز معلم، جشن کودک و جشن‌های پیروزی انقلاب اسلامی را در کتابخانه برگزار کنیم.

فعالیت‌هایی از قبیل انتخاب کتاب‌خوان برتر، اهدای کتاب و کتاب به‌عنوان جایزه، از دیگر برنامه‌های ترویج کتاب و کتاب‌خوانی هستند.

اداره کتابخانه به عهده خود دانش‌آموزان است تا مسئولیت‌پذیری آنان پرورش یابد. این باارزش‌ترین هدیه‌ای است که می‌توان به آن‌ها داد. این یعنی آن‌ها می‌توانند از خود مراقبت کنند و در آینده افرادی مسئولیت‌پذیر و متعهد باشند. نظارت بر انجام فعالیت‌های کتابخانه به عهده مدیر است. با توجه به عملکرد و ارائه بازخورد، کانون توسعه فرهنگی کودکان و آستان قدس رضوی برای توسعه و به‌روز کردن منابع کتابخانه کمک‌های زیادی کردند.



عکس آرشیوی است

معلمان قرن ۲۱

● ملیحه بدیچی، آموزگار پایه دوم، دبستان پاسداران ۱، اصفهان

← انسان موجودی متفکر و عالم است. او تنها موجودی است که قابلیت تعلیم آگاهانه را دارد و با ایمان به اصل فراساخت، در پی افزایش آگاهی و شناخت خویشتن است. در این مسیر، عده‌ای فرادهنده‌اند و به‌عنوان معلم و استاد به مبارزه با جهل می‌پردازند و عده‌ای فراگیرنده‌اند و با آموختن دانش، افق روشنی فراروی خویش قرار می‌دهند. بدیهی است آموزگاران جایگاهی والا و بالاتر دارند. در این چرخه علم و تعلیم و تعلم، حضرت علی (علیه‌السلام)، امیر و استاد سخن، می‌فرماید: «ما أخذ الله علی أهل الجهل أن يتعلموا حتی أخذ علی أهل العلم أن یعلموا»: خداوند بزرگ از نادانان عهد نگرفت که بیاموزند، تا اینکه از دانایان پیمان گرفت آموزش دهند (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۷۸).

برای درگیر کردن دانش‌آموزانشان در یادگیری از شیوه‌های منحصر به فردی استفاده کنند.

– مدیریت شهرت آنلاین: امروزه بیشتر معلمان در فضای آنلاین حضور دارند. به این معنی که فرد «شهرت آنلاین» دارد. معلمان امروزی باید بدانند چگونه شهرت آنلاینشان را مدیریت کنند و البته حق دارند در شبکه‌های اجتماعی حضور داشته باشند.

باید بدانند کدام ابزار دیجیتال برای دانش‌آموزان و کلاسشان مناسب است.

– تصور خلاق: مؤثرترین ابزاری که معلم می‌تواند از آن استفاده کند، تخیل اوست. در حال حاضر، در کلاس‌های درس در سراسر آمریکا، استانداردهای دولتی مشترکی (CCSS) به کار گرفته می‌شوند که براساس آن بسیاری از معلمان دریافته‌اند بیش از هر زمان دیگر به استفاده از تخیلشان نیاز دارند. معلمان باید خلاق باشند و

– صبر و حوصله: مهم‌ترین مهارتی که هر معلم باید داشته باشد، صبر و حوصله است. داشتن صبر و بردباری برای مواجهه با دانش‌آموزانی که بعد از هر ماجرا نمک می‌ریزند، ضروری است.

– فهم فناوری‌های جدید: در چند سال گذشته، پیشرفت‌های زیادی در فناوری آموزشی به وجود آمده است. همچنان هم شاهد رشد سریع آن هستیم. نه تنها ضروری است که معلمان با جدیدترین فناوری‌ها آشنا باشند، بلکه

پیامی از یک معلم به همکاران

- یکی از بهترین راه‌های غنی‌سازی آموزش این است که معلمان روش‌هایی را که خلق کرده‌اند به یکدیگر معرفی کنند و از این طریق به افزایش هرچه بیشتر توانایی معلمی خود و دیگران کمک کنند.
- یکی از مؤثرترین شیوه‌ها برای ایجاد و تقویت انگیزه فعالیت دانش‌آموز این است که اولیا، فعالیت‌های خوب فرزندان خود را به معلم گزارش دهند.
- گاهی بازدید و گردشی هدف‌دار، از مطالعه یک کتاب، تدریس و کلام معلم مؤثرتر است.
- مفاهیم دینی و اخلاقی دانش‌آموزان را با زندگی روزمره آن‌ها مرتبط کنید.
- فضای کلاس، نحوه چیدن صندلی، تصویرها و رنگ کلاس در یادگیری تأثیر زیادی دارند.

- **برقراری ارتباط:** توانایی برقراری ارتباط، نه تنها با دانش‌آموزان، بلکه با والدین و کارکنان، مهارتی اساسی برای هر معلم است. تقریباً کل روز معلمان به برقراری ارتباط با دانش‌آموزان و همکاران می‌گذرد. بنابراین آن‌ها باید بتوانند واضح و مختصر صحبت کنند.

- **پیدا کردن منابع جذاب:** امروزه لازم است معلمان بتوانند منابع خلاق و جذابی پیدا کنند که به آن‌ها کمک کند دانش‌آموزان را روی انگشتانشان بچرخاند. این به معنی جست‌وجوی برنامه‌های جدید و مرور وب برای الهام گرفتن است تا آخرین فناوری‌های آموزشی جدید را بدانند.

- اهداف فردی خود و آنچه به اهداف یادگیری آن‌ها مربوط می‌شود.
- سازمان‌دهی اهداف و فعالیت‌های مهارت یادگیری به‌منظور تشویق دانش‌آموزان به موفقیت‌های فردی.
- استفاده از سرمشق برای آگاه کردن دانش‌آموزان از ارزش‌ها و منافع حاصل از مهارت‌های خاص.
- این موارد به جنبه‌هایی از نقش معلمان اشاره می‌کنند:
- نیاز معلمان به آگاه شدن از نیازها و علاقه‌های شخصی هر دانش‌آموز؛
- تمرکز بر شیوه‌هایی که دانش‌آموزان در آن‌ها هم مسئولیت فردی خود را در یادگیری بپذیرند و هم به‌طور فعالانه در تجربه‌های یادگیری درگیر شوند.
- سرانجام آنکه بخش عمده‌ای از نقش معلمان، ایجاد محیطی امن، اعتمادبخش و حمایت‌آمیز است که با ابراز علاقه و توجه به هر دانش‌آموز به وجود می‌آید.

- **تطبيق پذیری:** توان تطبيق دادن خود، مهارتی است که هر معلمی باید داشته باشد. معلمان باید بتوانند براساس شیوه‌ای که دانش‌آموزان یاد می‌گیرند و رفتاری که دانش‌آموزان در کلاس به نمایش می‌گذارند، برنامه‌های درسی‌شان را تطبيق دهند.

- تشخیص نیازها، علاقه‌ها و اهداف منحصر به فرد دانش‌آموزان.
- کمک به دانش‌آموزان برای تعریف

چند نکته

- دانش‌آموزان از طریق مهارت یادگیری شرایط و فعالیت‌هایی برانگیخته می‌شوند که:
- آن‌ها را در هم‌اوردجویی شخصی و فعالانه یادگیری درگیر کند.
- به آن‌ها اجازه دهد دست به انتخاب‌های شخصی بزنند و مقتضیات تکالیف را با ظرفیت‌هایشان هماهنگ کنند.
- مهارت‌های دانش‌آموزان در صورتی افزایش می‌یابد که دریاوند تکالیف یادگیری:
- به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با نیازها، علاقه‌ها و اهداف شخصی آن‌ها مرتبط است.
- سطح دشواری‌شان به‌گونه‌ای است که می‌توانند با موفقیت آن‌ها را انجام دهند.

منابع

۱. فرجی. ذبیح‌الله (۱۳۷۱)، انگیزش و هیجان، تهران، خردمند
۲. ریچارد سی، تیوان، باری دی، اسمیت، انگیزش؛ ترجمه ملک عبداللهی (۱۳۶۵)، مشهد، آستان قدس رضوی
۳. باربارا، مک‌کومیز، جیمز. پاپ، پرورش انگیزه در دانش‌آموزان: رهیافت‌ها و راهکارهای عملی برای معلمان، ترجمه دکتر صغری ابراهیمی قوام (۱۳۹۷)، تهران، رشد
۴. ویلیام دبلیوپورکی، خودپنداری و موفقیت تحصیلی، ترجمه دکتر سید محمد میرکمالی (۱۳۷۸)، تهران، یسپرون.



عکس آرشیوی است

فعالیت‌های یادگیری

پیوند عرصه‌ها و عناصر یادگیری

روح اله رضاعلی

آگاهانه تغییر کرده است تا زمینه‌های تقویت و توسعهٔ روحیهٔ پرسشگری، پژوهشگری، خلاقیت و حتی کارآفرینی در آن‌ها فراهم شود. همچنین، خانواده‌ها در آموزش نقش و هویت جدیدی پیدا کرده‌اند. اگر نگاهی به «اصول ناظر بر برنامه‌های درسی» (صفحهٔ ۹ سند برنامهٔ درسی ملی) داشته باشیم،

هدایت دانش‌آموز برای خود یادگیری، خودارزیابی و اساساً استقلال نسبی در یادگیری چقدر مهم است! دانش‌آموزان در این موقعیت جدید (آموزش مجازی و غیرحضوری) ناخودآگاه به سمت خودیابی، خودباوری و خودارزیابی حرکت می‌کنند و اساساً شرایطی فراهم شده است که نقش آن‌ها به نقش‌های فعال، داوطلبانه و

در پی مطالب شماره‌های قبل، یکی از خوانندگان مجله تماس گرفت و چند دقیقه‌ای باهم گفت‌وگو کردیم. خیلی صریح می‌گفت: «حرف‌های زده شده چقدر کلی هستند؟ گویا دریچه‌ای برای عمل نیست!» ایشان تا حدودی درست می‌گوید، اما شرایط کرونایی حداقل این را ثابت کرد که نقش محوری معلم در

	خود	خالق	خلق	خلقت
تفکر				
ایمان				
علم				
عمل				
اخلاق				

دانش‌آموز و خانواده از اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی هستند که باید از سطح ملی تا سطح مدرسه به آن توجه کرد. شاید گفتن حرف‌های سند از حوصله ما خارج باشد، اما همان‌طور که پیشتر مرور کردیم، همه ما برای مؤثر بودن و همچنین عمل‌گرا بودن، نیازمندیم بدانیم دقیقا در چه مختصاتی اقدام می‌کنیم.

امروز مدیر، معلم و حتی کارشناسان اداری و اجرایی و خانواده‌ها نیاز دارند از مسیر و اهداف تربیت تصویر مشترکی داشته باشند تا اقدامات و عملکردها در آموزش و تربیت دانش‌آموزان متفاوت و متضاد نباشند و موجب اتلاف منابع و حتی تعارض در دانش‌آموزان و مخاطبان نشود.

بنابراین، همه نظام‌های آموزشی، از برنامه‌های رسمی ملی تا برنامه‌های درسی مدرسه (برنامه ویژه مدرسه) باید بدانند اهداف آموزشی و تربیتی چگونه شناسایی یا تدوین می‌شوند. و این اهداف در نهایت کدام نقطه نهایی را نشانه گرفته‌اند؟

در نظام آموزش و پرورش کشور ما که جهت و هدف مسیر تعالی، مبتنی بر مبانی دینی و ملی تدوین شده است، اهداف چگونه می‌خواهند محقق شود؟ و اساساً در برنامه‌های درسی و طراحی‌های آموزشی، اهداف هر محتوای آموزشی (کتاب‌های درسی) چیست؟ وقتی یادگیری براساس موقعیت‌ها شکل می‌گیرد و باید براساس استعدادها و ذاتی دانش‌آموزان مانند کنجکاو و حقیقت‌جویی (فطرت) تعریف شود، الگوی هدف‌گذاری و ویژگی‌های خاص

این نوع یادگیری چگونه است؟ درس دوم کتاب فارسی ششم ابتدایی با عنوان «پنجره‌های شناخت»، درسی بسیار جذاب است. در این درس وضعیت کلاسی ترسیم شده که معلم آن‌ها را به پنج گروه تفکر، ایمان، اخلاق، علم و عمل تقسیم کرده و از گروه‌ها خواسته است بر سر فهم و ارتباط کلمات «خود، خلق، خلقت و خالق» گفت‌وگو کنند و نتیجه را در کلاس ارائه دهند.

پاسخ گروه‌های کلاس بسیار جذاب و شیرین است. البته همه معلمان پایه ششم می‌توانند در کلاس خودشان این گروه‌ها را تشکیل دهند و پاسخ‌های متنوع دیگری از بچه‌ها بشنوند.

اگر معلم فعالیت‌های پایانی درس را به‌خوبی طراحی و مدیریت کند، شاید بتوان گفت ما عالی‌ترین هدف تعلیم و تربیت را به روش غیرمستقیم، به دانش‌آموزانی که در ابتدای شکل‌گیری هویت هستند، آن هم در بستر زبان و ادبیات فارسی، ارائه کرده‌ایم.

«ما هم برای کشف و شناخت بهتر زیبایی‌های آفرینش باید به تفکر درباره خود، خلق، خلقت و خالق بپردازیم، خوب و دقیق نگاه کنیم، گوش بدهیم، بسیار بخوانیم و درباره دیده‌ها، شنیده‌ها

و خوانده‌ها بپرسیم و از پرسیدن نهراسیم» (فارسی ششم ابتدایی، درس دوم، صفحه ۱۶ - ۱۳۹۹).

در تمامی کتاب‌های درسی، اهداف با توجه به موضوع خاص آن رشته علمی یا موضوع درسی ترسیم می‌شوند؛ اهدافی که از تلاقی عرصه‌ها (خود، خالق، خلق و خلقت) و عناصر (تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق) شکل می‌گیرند تا مفهوم انسان رشد یافته، انسان کمال یافته و انسانی را تفهیم کنند که در این زندگی و زیست دنیایی، بخش‌هایی و اساساً رتبه‌هایی از زندگی پاک (حیات طیبه) را طی می‌کند.

براساس آنچه بیان شد، هدف یادگیری که قصد و منظور معلم از انجام فعالیت‌های آموزشی را می‌رساند، تلاقی همین عرصه‌ها و عناصر را نشانه گرفته است. دانش‌آموزی که متفکر است، با ایمان و با اخلاق است و در موقعیت‌های گوناگون توانایی درک موقعیت و اصلاح آن را دارد. این دانش‌آموز نسبت به وجود خودش (جسم و روح) و آفریدگار، هم‌نوعان خود و همچنین خلقت، به معنای کامل هستی، آگاهی دارد و در عمل در مواجهه با آن‌ها خود را مسئول می‌داند.



شادی شادی

منیره اسلامی نصرت آبادی، آموزگار دبستان آزادمنش، یزد

رتبه اول، چهارمین فراخوان خاطره‌های معلمی

تصویر ساز: سید میثم موسوی



آدرس منزل شادی را از مدیر خواستم تا به منزل دانش آموز بروم و خود از نزدیک جویای حال او شوم. مشکلی که وجود داشت، بیماری کرونا بود و اینکه ما مجبور بودیم رفت‌وآمدهای خود را محدود کنیم. حدود یک ماه و نیم در قرنطینه بودم. برای خرید کردن به صورت هفتگی و با رعایت نکات بهداشتی و استفاده از ماسک و دستکش از خانه خارج می‌شدم. حال چگونه می‌خواستیم به منزل دانش آموزم بروم!

ولی چاره‌ای نداشتیم. ساعت ۱۰:۳۰ از خانه خارج شدم. برای اینکه دست‌خالی نباشم و دل دانش‌آموزم را شاد کنم، مقداری خوراکی از سوپرمارکت سر راه خریدم. به جلوی در که رسیدم، زنگ زد. صدای خانمی را شنیدم که: «کیه؟» گفتم:

«خانم اسلامی هستم. منزل آقای ...»

در باز شد. از پله‌ها بالا رفتم. مادر شادی را دیدم. سلام کرد. خیلی هول شده بود. سلام و احوال‌پرسی کردیم و حال شادی را پرسیدم. او گفت: «شادی خوبه.»

وارد گروه شدند، ولی باز هم پیگیر بقیه آن‌ها شدم.

پایان اسفند را طی می‌کردیم که ناگهان یکی از دانش‌آموزانم به نام شادی از گروه خارج شد. نتوانستم با او تماس بگیرم. چند روز گذشت. نگران شدم از تدریس عقب بماند. او بسیار باهوش و فعال بود. خروج شادی از گروه را به معاون مدرسه اطلاع دادم. معاون بعد از چند روز به من اطلاع داد که موبایل مادر شادی آسیب دیده است.

من منتظر بودم که شادی زودتر به گروه کلاسی برگردد، ولی این موضوع تا نیمه‌های فروردین ادامه پیدا کرد. در تعطیلات عید سعی کردم فقط به تکرار درس‌هایی که داده بودم بپردازم و کمتر درس جدید بدهم.

در تماسی که با مدیر مدرسه گرفتم، جویای حال شادی شدم. مدیر گفت: شادی در منزل تلویزیون هم ندارد. موبایل مادرش هم همچنان خراب است و او نمی‌تواند وارد گروه شود. به همین علت،

چهارم اسفند ۹۸ بود که مدرسه‌ها تعطیل شد؛ تعطیلی به دلیل شیوع بیماری کرونا. همان بیماری ویروسی که به سرعت در حال پخش شدن بود. هفته اول را به مدرسه نرفتیم، اما نمی‌توانستم دانش‌آموزانی را که پنج ماه برای آن‌ها زحمت کشیده بودم رها کنم. با یکی از والدین فعال کلاس تماس گرفتم و از او خواهش کردم مرا وارد گروه در پیام‌رسان فضای مجازی نماید. طی جلسه‌ای که با والدین در گروه تشکیل دادم، از آن‌ها خواستم تا زمانی که مدرسه‌ها باز شود، کلاس را در فضای مجازی ادامه دهیم.

ابتدا نیمی از اولیای دانش‌آموزان کلاسم که حدود ۱۵ نفر می‌شدند، در این گروه بودند. با تماسی که با مدیر مدرسه آزادمنش داشتیم، از ایشان خواهش کردم شماره‌های تماس دانش‌آموزان را به من بدهد تا بتوانم کلاس را در فضای مجازی تشکیل بدهم.

با سختی بسیار زیاد، اکثر دانش‌آموزان

اجازه گرفتم وارد منزل شوم. مادر شادی با کمال میل پذیرفت. ولی از او خواهش کردم زودتر از من وارد اتاق شود و من بیرون ایستادم. از پشت در می‌شنیدم که مادر از شادی می‌خواست از خواب بیدار شود. او در حال مرتب کردن اتاق بود. خیلی نگران بودم. در ایام کرونایی من حتی در روزهای عید نوروز برای دید و بازدید به منزل هیچ کدام از اطرافیانم نرفته بودم! حالا اینجا آمده بودم! در همین فکر بودم که مادر مرا به داخل اتاق دعوت کرد. وقتی وارد شدم، شادی با چشمان پف کرده روبه‌رویم ایستاده بود. حتی نمی‌توانستم او را بغل کنم.

- شادی، حالت چگونه؟ خوبی! خیلی دلم برای تو تنگ شده!

مادرش گفت: «موبایلم خراب شده و نمی‌توانم وارد گروه شوم. من هم نگرانم که شادی از درش عقب بماند!»

گفتم نگران نباشید. روی یکی از مبل‌ها نشستیم. عینک و خودکارم را از کیف دستی‌ام بیرون آوردم و از شادی خواستم دفتر ریاضی خود را بیاورد.

شادی و مادرش با تعجب به من نگاه می‌کردند. مادر سریع دفتر ریاضی را از کیف بیرون آورد و به شادی داد. من شروع کردم به نوشتن یک جمع فرایندی. از شادی خواستم کنارم بنشیند و شروع به تدریس کردم. دیدم جمع فرایندی را به خوبی یاد گرفته است. تفریق فرایندی را هم توضیح دادم و نکات آن را نوشتم. از او خواستم دوباره برای من توضیح دهد. جمع و تفریق را کامل یاد گرفته بود. تکلیفی برای او نوشتم و از او خواستم تا مدتی که در گروه نیست، تمرین‌های کتاب ریاضی را به‌طور کامل حل کند.

با مادر شادی شروع به صحبت کردم تا از اوضاع و احوال زندگی آن‌ها با خبر شوم. مادر توضیح داد که این خانه متعلق به دایی شادیست. اجاره‌ای و حدود ۵۰ متر است و یک آشپزخانه کوچک دارد. شادی و مادرش با دایی و خانواده‌اش در آن زندگی می‌کنند. پدر شادی چند سال پیش فوت کرده بود. دربارہ کارش هم گفت: «من قبلاً در یک کارگاه بسته‌بندی شال و روسری کار می‌کردم، ولی به دلیل شیوع کرونا دو ماه است که کارگاه تعطیل شده است. برادرم هم در یک کارخانه مشغول به کار بود که او هم در حال حاضر بی‌کار است. زندگی را به‌سختی می‌گذرانیم، به خاطر همین نمی‌توانم موبایل نو تهیه کنم.

پرسیدم، سیم‌کارتی به نام خودتان دارید؟ مادر گفت: بله. داشتم بلند می‌شدم که مادر گفت: «بسیار متشکرم که زحمت کشیدید و به خانه ما تشریف آوردید. مدرسه‌ها باز نمی‌شود؟ ما چکار کنیم؟»

گفتم نگران نباشید. این مشکل را حل می‌کنم. مادر پرسید چگونه؟ خودم هم نمی‌دانستم.

در بین راه فکر بسیار مشغول بود. چگونه می‌توانستم در این شرایط به آن‌ها کمک کنم؟

خودم تا سه ماه پیش یک تلویزیون اضافه داشتم که یکی از دوستانم نیاز داشت و آن را به او دادم. به خانه که رسیدم، با یکی از والدین دانش‌آموزان کلاس‌م که بسیار فعال بود تماس گرفتم. از او خواستم در گروه والدین اعلام کند که به یک دستگاه تلویزیون و یک موبایل برای یکی از دانش‌آموزان نیاز داریم؛ بدون اینکه نامی از کسی برده شود.

عصر همان روز یکی از والدین با من تماس گرفت و گفت: «سلام خانم اسلامی. من یک تلویزیون دست دوم دارم که به آن نیاز ندارم. می‌توانم آن را برای شما بیاورم یا خود شما برای بردن آن تشریف می‌آورید؟»

آدرس را که پرسیدم، از او خواهش کردم خودش آن را بیاورد. او هم قبول کرد. آدرس منزل خودم را برای او پیامک کردم. بسیار خوشحال شدم. خدایا شکر! تنها مشکل باقی‌مانده موبایل بود. برای تهیه آن یا باید پولی جمع می‌کردم یا یک خیر پیدا می‌کردم که موبایل را می‌خرد.

فردای آن روز موبایلم زنگ زد. یکی دیگر از والدین بود. بعد از سلام و احوال‌پرسی، در مورد تهیه گوشی موبایل پرسید. خانم اسلامی شاگرد شما به چه موبایلی نیاز دارد؟ گفتم: «موبایل اندرویدی، تا بتواند در کلاس فضای مجازی حضور داشته باشد.» گفتم مقداری پول برای این موضوع کنار گذاشته‌ام، ولی مادر گفت نیازی نیست. شوهرم یک موبایل تهیه می‌کند. سیم‌کارت هم نیاز دارید؟ گفتم، نه. مادر دانش‌آموز نیازمند سیم‌کارت دارد. مادر گفت: «فردا گوشی را برای شما می‌آورم.»

گفتم آدرس شاگردم را برای شما پیامک می‌کنم تا خود شما آن را به او تحویل دهید. مادر گفت: خیر، نمی‌خواهم کسی از ما نامی ببرد. لطفاً خود شما زحمتش را بکشید. از ایشان خداحافظی کردم و آدرس

خانه را پیامک کردم.

حدود ساعت ۱۱ فردای آن روز، اولین مادری که به من تماس گرفته بود، تلویزیون را آورد. تلویزیون مدل پلاسما و بسیار بزرگ بود. به کمک هم تلویزیون را از ماشین پیاده کردیم و در حیاط منزل خودم قرارش دادیم. از مادر دانش‌آموزم به خاطر کار خیری که انجام داده بودند، تشکر کردم.

حدود ساعت پنج بعد از ظهر همان روز دومین مادر تماس گرفت. موبایل را آورده بود. دم در خانه رفتم. با یک کیسه ایستاده بود. بعد از سلام و احوال‌پرسی، کیسه را به من داد و یک جعبه کوچک. با توضیحات او متوجه شدم داخل کیسه یک عدد سجاده و جانماز و مهر و همچنین چند ماسک بهداشتی قرار دارد. او در یک کارگاه دوخت ماسک فعالیت می‌کرد.

گفتم، موبایل را بعد از پایان سال تحصیلی به شما برمی‌گردانم، اما او گفت نیازی نیست. برای همیشه پیش خودشان نگه دارند. شوهرش هم از ماشین پیاده شد. هم از او و هم از شوهرش تشکر کردم. باران نهم در حال باریدن بود. در ادامه گفتم، شما امروز که روز نیمه شعبان و تولد حضرت مهدی (عج) است، کار بسیار بزرگی انجام دادید. خداوند خیر و برکت به زندگی‌تان عطا کند و ان‌شاءالله فرزندان شما خوشبخت شوند.

خوشحالی در چشمانم موج می‌زد! خدایا شکر!

تلویزیون و موبایل را داخل ماشین گذاشتیم. از پسرم خواهش کردم همراه من بیاید، زیرا تلویزیون خیلی سنگین بود. وقتی به محل رسیدم، زنگ زد. در باز شد و شادی و مادرش به استقبال ما آمدند. به کمک پسرم تلویزیون را به بالای پله‌ها بردیم. کیسه و جعبه موبایل را به مادر شادی دادم. بسیار خوشحال شد. از او خواستم سیم‌کارت را داخل گوشی قرار دهد. هر دوی آن‌ها بسیار تشکر کردند.

فردای آن روز مادر شادی را به یکی از مغازه‌های خدمات موبایل بردم؛ برای فارسی کردن و نصب برنامه‌های مورد نیاز. از فروشنده خواستم اینترنت هم روی خطشان فعال کند؛ طوری که تا پایان سال مشکلی از بابت شارژ نداشته باشند. بعد که از مغازه خارج شدیم، خودم شبکه شاد را روی موبایل نصب کردم. حالا شادی هم مانند بقیه دانش‌آموزان وارد گروه شده بود. او می‌توانست در کلاس مجازی شرکت کند.



معلم مقتدر

محمد رضا توحیدی / تصویر ساز: سید میثم موسوی

← **قدرت کاریزماتیک معلم، در کنار قدرت تخصص، کیفیت کار او را افزایش خواهد داد و دیگر نیازی نیست معلم از قدرت‌های قانونی، تنبیه و پاداش استفاده کند.**

وجود سه مؤلفه رفتار در کلاس درس، یعنی **رفتار مهربانانه** (به دور از تحقیر و سرزنش) **رفتار عادلانه** (به دور از تبعیض و خودمحوری) و **رفتار مقتدرانه** (به دور از تنبیه، تهدید و فریاد زدن)، در کنار یکدیگر، می‌تواند به پذیرش شخصیت معلم توسط دانش‌آموزان کمک کند.

در این مقاله تلاش می‌کنیم درک مناسبی از رفتار مقتدرانه و تفاوت‌های آن با استبداد در کلاس درس ایجاد کنیم. برای درک بهتر تفاوت رفتار مقتدرانه و مستبدانه، باید به

تفاوت دو مفهوم قدرت و سلطه اشاره کرد. از نظر **میشل فوکو**، قدرت نوعی ویژگی است که بعضی افراد می‌توانند به کمک آن کمابیش رفتار دیگران را تعیین کنند، ولی نه به صورت جامع و مانع، و الزام و اجبار. اما استفاده از زور و اجبار و تهدید، و نبود آزادی برای مخالفت با قدرت، سلطه را در پی خواهد آورد.

سلطه معلم در کلاس درس مقاومت و نارضایتی دانش‌آموزان را به همراه خواهد داشت و گروه‌هایی غیررسمی را علیه معلم در کلاس درس تشکیل خواهد داد. اقتدار استبدادی معلم نمی‌تواند از او شخصیتی کاریزماتیک بسازد.

اقتدار معلم در کلاس درس را می‌توان به دو دسته «اقتدار طبیعی و اقتدار

منطقی» تقسیم کرد.

بسیاری از معلمان قدیمی، با وجود آنکه از اصول ارتباط مؤثر آگاهی نداشتند، به دلیل داشتن اقتدار طبیعی، توانایی تسلط بدون خشونت بر کلاس درس را داشتند. اگر به دوره دانش‌آموزی خود برگردیم، احتمالاً این معلمان، با وجود اینکه از ابزارهای تنبیه استفاده نمی‌کردند، کلاس‌هایی را تحت کنترل داشتند و احتمالاً ما هنوز آن‌ها را دوست داریم. اما تأکید بیشتر ما در این مقاله به اقتدار منطقی معلم است.

اقتدار منطقی

اقتدار منطقی معلم می‌تواند از طریق بعضی از دستورالعمل‌ها و رعایت بعضی از



اصول روان‌شناختی ایجاد شود. اصلی‌ترین فعالیت برای افزایش اقتدار منطقی معلم، مشخص شدن قانون‌ها و پیامدهای رعایت نشدن آن‌هاست. رعایت سه شرط زیر برای طراحی قانون‌ها اهمیت بالایی دارد:

۱. توافق قانون‌های وضع‌شده بین معلم و دانش‌آموزان و پذیرش پیامدهای سرپیچی دانش‌آموزان از آن‌ها؛
۲. اخلاقی بودن قانون‌ها و پیامدهای مشخص رعایت نکردن آن‌ها؛
۳. عادلانه بودن قانون‌ها و متناسب بودن تخلف و برخورد معلم با آن‌ها.

وضع قانون‌های خوب در کلاس درس کافی نیست. چه بسیاری از قانون‌هایی اخلاقی، عادلانه و مورد توافق همه که پیاده نمی‌شوند. کلیدی‌ترین نکته در حفظ اقتدار معلم در کلاس درس، اصرار و پافشاری روی قانون‌های وضع‌شده است. (اگر قانون‌های وضع‌شده سه شرط بالا را داشته باشند، معلم نباید از اینکه روی آن‌ها بایستد نگران باشد). اولین باری که معلم قانون‌های تعیین‌شده را زیر پا می‌گذارد، اولین اجرهای دیوار اقتدار خود را بر می‌دارد. وقتی دانش‌آموزان رفتاری برخلاف قواعد و قانون‌های کلاسی انجام می‌دهند، مهم است که معلم مقتدرانه و نه مستبدانه، طبق قراری که با دانش‌آموزان گذاشته است، روی اجرای قانون مشخص شده بایستد. در صورت اهمیت ندادن معلم به قانون، هم قانون و هم خود معلم اثر لازم را از دست خواهند داد. به قول معروف، هر قانونی را تبصره‌هایش می‌توانند از بین ببرند.

در سال ۲۰۱۲ در مجله معتبر ساینس، مقاله‌ای با عنوان «گسترش اغتشاش» چاپ شد که به یک آزمایش در شهر گرینبرگ هلند مربوط است. این آزمایش با هدف پیدا کردن علت شکستن قانون‌ها انجام شده است. برای آن‌ها مهم بود که موقعیت‌ها در رعایت قانون‌ها چه نقشی دارند؟ در گوشه‌ای از یک خیابان که مردم

دوچرخه‌های خود را آنجا پارک می‌کنند، دیواری وجود داشت که روی آن تابلوی «روی دیوار نقاشی نکشید» نصب شده بود. در این تحقیق، تبلیغات یک مؤسسه ورزشی را روی دوچرخه‌های پارک‌شده می‌چسبانند تا ببینند چه درصدی از مردم قانون‌شکنی می‌کنند و کاغذ را روی زمین می‌اندازند. در زمانی که روی دیوار گفته‌شده، چیزی کشیده نشده بود، ۳۳ درصد از مردم کاغذ را همان‌جا روی زمین انداختند، اما زمانی که با وجود تابلوی نقاشی نکشید، دیوار پر از نقاشی بود، ۶۹ درصد از مردم کاغذهای تبلیغی را روی زمین رها کردند. در واقع، به دلیل تعمیم قانون‌شکنی، رفتار بیش از دو برابر تکرار شده بود.

در کلاس درس نیز، همانند جامعه، امکان گسترش بی‌نظمی و بی‌قانونی وجود دارد. معلم مقتدر باید روی تک‌تک قانون‌های کلاس درس خود بایستد. وگرنه، طبق پژوهش بالا، بی‌نظمی و کم شدن تسلط معلم در کلاس درس تعمیم پیدا می‌کند و معلم را مجبور می‌کند برای برگرداندن کلاس درس به حالت معمول، به رفتارهای نامناسب دست بزند. این موضوع هم بر رابطه معلم و دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد و هم بر قانون‌هایی که بعداً خواهد گذاشت. تسلط معلم در کلاس درس به کمک قانون‌هایی که از قبل تعیین کرده است، چارچوب و نظام تسلط او بر کلاس درس را مشخص می‌کند.

یک آزمایش ساده

با آزمایشی ساده می‌توانید بررسی کنید میزان اقتدارتان در کلاس به چه میزان است؟

میزان انرژی و زمانی که صرف می‌کنید تا کلاس پرسروصدای خودتان را بدون زور، اجبار و تهدید به حالت قبل برگردانید، چقدر است؟

در خاطرات یک معلم خواندم: آن‌قدر

از جمله «دیگه صحبت نکنید» استفاده کرده بودم که حالم از آن بد می‌شد. تصمیم گرفتم با دانش‌آموزان خود جلسه‌ای برگزار کنم و با آن‌ها در این باره صحبت کنم. بعد از طرح مسئله، خود دانش‌آموزان شروع کردند به نظر دادن در مورد صحبت کردن در بین تدریس معلم. جالب این است که برای خودشان تنبیه‌هایی مثل اخراج از کلاس یا کم کردن نمره یا تنبیه فیزیکی ارائه دادند. من چون تازه با قانون‌های پیامد رفتار آشنا شده بودم و می‌دانستم اگر قانون کلاس اخلاقی نباشد و تناسب رفتار و پیامد درست چیده نشود، قانون زیر پا گذاشته خواهد شد، پیشنهاد دادم ما در کلاس ۱۰ دقیقه زمان برای صحبت با یکدیگر اختصاص دهیم و در صورتی که صحبت‌های بچه‌ها در حین تدریس من ادامه یابد، آن‌ها ۱۰ دقیقه حق گفت‌وگو در کلاس درس را نداشته باشند. همه بچه‌ها پذیرفتند. بعد از این قانون‌گذاری، چند بار در حین تدریس، دانش‌آموزان با هم صحبت کردند و من با مهربانی به آن‌ها گفتم متأسفانه و بر خلاف میل باطنی، ۱۰ دقیقه از زمان گفت‌وگوی کلاسی را از شما سلب می‌کنم. وقتی با اعتراض مواجه می‌شدم، توافق انجام شده را یادآوری می‌کردم. از آن پس، استفاده من از جمله «دیگه صحبت نباشه» به حداقل رسید و مجبور به تهدید، تخریب و تنبیه هم نشدم. اما هیچ‌گاه قانون را زیر پا نگذاشتم.

معلم مقتدر می‌تواند گروه خود را همانند رهبر ارکستر رهبری کند. به نظر می‌رسد معلم مقتدر می‌تواند انرژی کمتری را صرف کنترل کلاس کند و با تمرکز و آرامش بیشتر به یادگیری دانش‌آموزان کمک کند.

در شماره بعد تلاش می‌کنیم در مورد تفاوت‌های تنبیه و پیامد صحبت کنیم که بعضی وقت‌ها معلمان آن‌ها را با هم اشتباه می‌گیرند.

شایستگی حرفه‌ای

گفت‌وگو با طیبه شرزه‌ای، پژوهنده برتر کشور

اعظم لاریجانی

← طیبه شرزه‌ای کارشناس ارشد مدیریت آموزشی است و ۳۸ سال سابقه کار اداری و آموزشی و بیش از ۲۰ سال فعالیت پژوهشی دارد. او که در سال ۹۴ بازنشسته شده‌است، سابقه مدیریت پیش‌دانشگاهی، مأموریت در مدرسه‌های خارج از کشور، مدیریت پژوهش‌سرای معلم شیراز و تدریس در دانشگاه فرهنگیان شیراز را در کارنامه خود دارد. وی که مقام معلم پژوهنده برتر کشوری را در سال ۸۵ به خود اختصاص داده، مجری، مشاور و مدرس اقدام‌پژوهی و درس‌پژوهی است. شرزه‌ای در گفت‌وگویی با دفتر مجله رشد معلم، از تجربه‌های خود گفت و به سؤالات ما پاسخ داد.

توانمندی‌های لازم در شناخت، بررسی و تحلیل شرایط آموزش نیاز دارند تا بتوانند فرایندهای یاددهی یادگیری را با استناد به یافته‌های علمی در محیط کلاس بهبود دهند. از این‌رو لازم است ضمن بهره‌گیری از یافته‌های علمی پژوهشگران، خود نیز به‌عنوان پژوهشگر در تولید دانش و بازنمایش شیوه‌های آموزش تلاش کنند.

معلم ملاک سنجش در درس‌پژوهی چیست؟
درس‌پژوهی شیوه‌ای مشارکتی در پژوهش است که اعتبار یافته‌های آن به واکنش دیگر معلمان، همکاران و دانش‌آموزان بستگی دارد. بنابراین، می‌توان از دریافت بازخوردها، اصلاح روش‌ها و دستاوردهای حاصل از آن به‌عنوان ملاکی برای سنجش بهره‌گرفت.

معلم تکیه بر درس‌پژوهی به معلمان چه کمکی می‌کند و چگونه آموزش را بهبود می‌بخشد؟
درس‌پژوهی می‌تواند به شناخت معلم از توانایی‌ها و نکات قابل بهبود خود منجر شود و روشی است برای فراهم کردن بستر مناسب برای تحول در نگرش، دانش و مهارت او. به این ترتیب که مهارت‌های ارتباطی را در مجریان افزایش و هنر شنیدن، گفت‌وگو و نقدپذیری را پرورش می‌دهد. طراحی مطلوب فرایند یادگیری، تلفیق مفاهیم آموزشی با مهارت‌های زندگی و حفظ ارتباط عمودی و افقی درس‌ها در درس‌پژوهی محقق می‌شود.

معلم آموزش و پژوهش چگونه مکمل یکدیگرند؟
معلمان برای انجام مطلوب مسئولیت‌های خود به کسب

معلم تجربه خود را در آموزش و اجرای درس‌پژوهی بیان کنید.

درس‌پژوهی در خوداندیشی، بازنمایشی و تلاش برای بهسازی و اصلاح شرایط خلاصه می‌شود. در این فرایند با نگاهی به جلو برنامه‌ریزی و عملکرد گذشته را نیز نقد می‌کنیم. بهره‌مندی از چرخه مستمر طراحی، اجرا، بازنگری و سپس اقدام اصلاحی، بهترین روش برای دستیابی به بهره‌وری است. این امر نه تنها در تدریس، که در تمامی فعالیت‌های زندگی قابل تعمیم است. بر این اساس، درس‌پژوهی برای من فقط پژوهش نیست، بلکه روش زندگی برای دستیابی به تعالی است.

معلم به نظر شما هدف درس‌پژوهی چیست؟

دامنه اهداف درس‌پژوهی بسیار وسیع است. به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنم:
- پر بار کردن فرایند آموزش و یادگیری؛
- هم‌فکری و همکاری کارکنان در بهره‌گیری از روش‌های علمی و نظریه‌های یادگیری؛
- دانش‌افزایی و بهبود پیوسته توانایی‌های آموزشی معلمان و پرورش اندیشه‌ورزی دانش‌آموزان؛
- تغییر نقش معلمان از آموزشگر به یادگیرندگان پویا؛
- دگرگونی جایگاه مدرسه از مکانی آموزشی به موقعیتی برای پژوهش



مقدمه درباره کتابتان که درباره درس پژوهی است هم توضیح می‌دهید؟

من کتاب «دست‌افزار درس پژوهان» را با همکاری استاد محمد بیضایی نژاد در سال ۹۴ تألیف کردم. این کتاب دست‌افزاری برای گروه‌های درس پژوهی است که مراحل اجرای درس پژوهی و چگونگی تدوین گزارش را از آغاز تا پایان به صورت گام‌به‌گام شرح داده است. رهنمودها و چارچوب‌هایی تجویزی در کتاب آمده‌اند که حاصل نزدیک به یک دهه تجربه نویسندگان در زمینه اجرا، تدریس و راهنمایی درس پژوهان هستند.

مقدمه مهم‌ترین مشکلی که در این فرایند با آن روبه‌رو شده‌اید چه بود؟

تغییر فرهنگ و نگرش‌های نهادینه‌شده در بین معلمان و همکاران آموزشی به راحتی ممکن نیست. برخی کلاس درس را حریم خصوصی خود می‌پنداشتند و برخی هم خود را فعال مایشا می‌دانند. و هر دوی این برخوردها با جریان درس پژوهی منافات دارند. نبود

اعتماد و امنیت در زمینه اشتراک‌گذاری دانش و مهارت، مانع خودابرازی و بیان اشکالات تدریس می‌شد. به علاوه، رودربایستی‌ها و تشریفات اداری نیز مجال ارائه نقد را به مجریان نمی‌داد. بدون حمایت‌های بیرونی و حضور متخصصان، فرایند اجرای روش‌های اصلاحی و خلاق، به خصوص در گروه‌های کم‌تجربه، کند بود. از طرف دیگر، شتاب در انتخاب موضوع مناسب، نبود معلمان هم‌پایه برای اجرای موضوع، بی‌توجهی به نقش‌ها و سهم همه اعضای تیم در فرایند اجرا، به ویژه نقش مشاهده‌گر، اجرای کلیشه‌ای و وظیفه‌ای، از دیگر مشکلات درس پژوهی بوده و هست.

مقدمه از ابدها و نیاپدهای معلمان در این فرایند بگوئید؟

درس پژوهی باید با بررسی نیازها و کسب اطلاعات از عملکرد مدرسه، دانش‌آموزان و معلمان آغاز شود و از اجرای آن در درس‌ها و موضوعات غیرضروری پرهیز شود. نباید موضوعات تکراری و بی‌نتیجه انتخاب و درس پژوهی‌های کلیشه‌ای اجرا کنند. قبل از اجرا باید مطالعه کتاب‌ها،

مقاله‌ها و گزارش‌های درس پژوهی و همچنین اصول کار تیمی را جزو برنامه قرار دهند و در طراحی، اجرا و ارزیابی نتایج نباید شتاب کنند.

– برای کسب تجربه باید در تیم‌های درس پژوهی مدرسه‌های دیگر شرکت کنند.

– مشارکت در درس پژوهی کاری فرمایشی نیست، بلکه ضرورت تام دارد. بر این اساس کار باید میان اعضا تیم تقسیم شود.

– بالاخره، اعتبار یافته‌های درس پژوهی به انتشار یافته‌ها و تهیه گزارش جامع برای همکاران هم‌پایه منوط است.

مقدمه به نظر شما چرا دست‌اندرکاران آموزشی باید به تحقیق بپردازند؟

از آنجا که درس پژوهی نوعی رویکرد توسعه حرفه‌ای با پژوهش مشارکتی برای بهسازی مستمر فرایند یادگیری است، به مطالعات، بررسی‌ها و اجرای فرایندهای دقیق علمی و عملیاتی نیاز دارد. در مدرسه‌های پژوهنده، هیچ عنصری اعم از معلم، دانش‌آموز، مدیر و سایر کارکنان، بی‌نیاز از یادگیری و پژوهش نیستند.

مقدمه سخن آخر؟

در شرایط فعلی شیوع کرونا، بستر اجرای درس پژوهی بیش از پیش مهیاست. فرصت مشاهده هزاران کلاس درس و کسب تجربه ملی و حتی جهانی و بهره‌مندی از نمایش گسترده کلاس‌های درس پایه‌های پایین و بالاتر، بستر مناسبی را برای دستیابی به «سازمان یادگیرنده» فراهم ساخته‌است. از دیگر سو، زمینه تعامل معلم با معلمان دیگر و نیز با اولیا بسیار وسعت یافته‌است و خانواده‌ها در جایگاه مدیران یادگیری، در کنار معلمان نقش‌آفرینی می‌کنند. به این ترتیب، زمینه‌ای مناسب برای تعامل و گفت‌وگوهای سازنده تربیتی شکل گرفته‌است. بر این اساس، با وجود شرایط ملال‌آور فعلی، ایمان دارم به زودی شاهد تحولی عظیم در عرصه تعلیم و تربیت خواهیم بود.





پرسش، پرسشگری پویا

محبوبه اسپیدکار



بسیاری از والدین و معلمان با مشکل اساسی انگیزش در یادگیری کودکان مواجهند، در حالی که تمام شواهد در رشد شناختی کودکان نشان می‌دهد، شوق فهم جهان، غریزی و آمیخته با ماهیت ذهن انسان است. این تناقض نشان می‌دهد جایی در مسیر تربیت، ممکن است انحرافی از سوی والدین، معلمان یا سیاست‌گذاران آموزشی رخ داده باشد. یادداشت زیر نگاهی گذرا به این مسئله است.

روحیه کنجکاوی و پرسشگری یکی از مهم‌ترین منش‌های انسان‌های متفکر است. به همین خاطر، پرورش این روحیه، بخشی اساسی در آموزش کودک است. کودکانی که می‌پرسند، خودانگیزخته‌اند و می‌توانند یادگیری خود را جهت بخشند. کودکان در آغاز نام اشیا را سؤال می‌کنند. سپس سؤال‌هایی دربارهٔ چرایی چیزها می‌پرسند. در سال‌های بعد، تجربهٔ بازدارندهٔ محیط‌های کلاسی می‌تواند آنان را نسبت به اظهار «نادانی» شان بی‌میل کند. در همین مرحله، به‌شروط داشتن برنامه‌ای برای پرسشگری، می‌توان بچه‌ها را تشویق کرد به تدریج با طرح سؤالات تفصیلی روشن، که نشانگر کنجکاوی متعالی است، درک و فهم خود را از جهان گسترش دهند. در محیط سالم می‌توان کودکان را تشویق کرد با فهمیدن آنچه واقعاً مایل به دانستن آن هستند، خودشان وظیفهٔ یادگیری را به عهده بگیرند. به این ترتیب، برای ورود کاوشگری به برنامهٔ آموزشی، کار را از پرورش روحیه یا استعداد پرسشگری آغاز می‌کنیم.

پرورش استعداد پرسشگری

نکته‌ای که معلمان و مربیان باید بدانند این است که پرورش استعداد پرسشگری

هیچ روش آموزشی نمی‌تواند به او کاوشگری بیاموزد.

تشویق کودکان به طرح سؤال

کلاس هیچ‌گاه جای طرح سؤال‌ها و کنجکاوی‌های کودکان نبوده است، بلکه محلی بوده برای پرسیدن سؤالات معلمان از بچه‌ها. معمولاً در کلاس، طرح سؤالاتی به‌جز سؤالات علمی و پایه ترس‌آور است، چرا که می‌تواند نشانهٔ بی‌تجربگی یا ساده‌لوحی تلقی شود. معلم با تجربه می‌تواند با قرار گرفتن در کنار دانش‌آموزان و طرح سؤالاتی که نشانگر شگفت‌زدگی و حیرت او نسبت به جهان است، یا حتی طرح سؤالاتی که ممکن است در نگاه اول ساده‌لوحانه تلقی شود، وحشت کودکان را از داشتن شگفتی نسبت به پدیده‌های روزمره و

خود مستلزم برنامه‌ریزی و هدایت ویژه‌ای است. تجربه نشان می‌دهد، اغلب بزرگسالان نیز پرسشگران خوبی نیستند. تربیت کودکان پرسشگر توسط کسانی که این فرایند را تجربه و درک نکرده‌اند، دشوار به نظر می‌رسد. باید بدانیم، کودکان معمولاً سؤال‌های نوع کاوشگری را فی‌البداهه نمی‌پرسند، اما در صورت حمایت، هدایت و طراحی پیش‌زمینه، یاد می‌گیرند آنچه واقعاً می‌خواهند بدانند، چیست؟

کودکانی که شکل‌ها و فنون پرسشگری را آموخته‌اند، مسئولیت ذهنی یافتن دلیل‌ها و فهم مسائل را خودشان به عهده می‌گیرند. نکتهٔ بسیار مهم این است که در بیشتر مواقع، طرح درست سؤال سبب می‌شود روش‌های یافتن پاسخ نیز مشخص و قابل برنامه‌ریزی شوند. اما سؤال مهم این است که «چرا اغلب ما پرسشگران خوبی نیستیم؟» پاسخ این سؤال به‌طور واضح این است: «زیرا روحیهٔ کنجکاوی مثبت و بالنده در ما از بین رفته است.»

کنجکاوی واژه‌ای است که غالباً

تصور می‌شود همهٔ معلمان و مربیان مفهوم آن را می‌شناسند و ضرورت توجه به آن در فرایند یادگیری برایشان روشن است. اما واقعیت نشان می‌دهد این ادعا تنها یک سوءتفاهم ذهنی است.

«پرسشگری» بدون تردید نتیجهٔ «کنجکاوی» است. مربیان هرچقدر بکوشند پرسش‌های درست را به کودکان بشناسانند و روش‌های درست پیدا کردن پاسخ‌ها را آموزش دهند، تا وقتی کنجکاوی لازم برای ایجاد سؤال در فرد وجود نداشته باشد، بی‌فایده است. اگر تمایل ذاتی انسان برای کشف جهان از بین رفته یا سرکوب شده باشد،

ظاهراً بدیهی از بین ببرد.

او صبر می‌کند تا بچه‌ها به‌مرور زمان از زبان برای بیان سؤال خود و صراحت بخشیدن به آن کمک بگیرند. به آن‌ها کمک می‌کند هسته اصلی سؤال یا نقطه جهل خود را شناسایی کنند تا بدانند واقعاً به دنبال فهمیدن چه چیزی هستند. دور کردن حاشیه‌ها از متن اصلی سؤال، تقسیم کردن یک سؤال کلی به اجزای جزئی‌تری که می‌توان به آن‌ها فکر کرد، طرح سؤال از زوایای گوناگون قابل بررسی، فهم سؤالات دیگران و بیان آن‌ها به زبان خود، بخشی از فعالیت‌هایی است که فرایند سؤال کردن را برای بچه‌ها ساده و دوست‌داشتنی می‌کند. اگر کودکان به شکل منسجم به صحبت کردن، رقابت و مباحثه تشویق شوند، کلاس می‌تواند به حلقه کندوکاوی^۱ واقعی تبدیل شود.

معلم خوب باور دارد که سؤال بی‌معنی وجود ندارد و کودکان در پیدا کردن زبان مناسب برای سامان‌دهی و بیان سؤالات

خود نیاز به حمایت دارند.

بسیاری از مسائلی که کودکان در مدرسه با آن مواجه می‌شوند، از واقعیت برمی‌آیند و یک جواب درست دارند. با اینکه این مسائل برای تقویت حافظه یا رشد مهارت‌ها مناسب‌اند، اما معمولاً تفکر کودکان را وسعت نمی‌بخشند. بهتر است بچه‌ها را تشویق کنیم سؤال‌هایی بپرسند که در واقعیت پاسخ‌های قابل جست‌وجو نداشته باشند و برای پاسخ به کندوکاو ذهنی نیاز باشد، نه حافظه و اطلاعات.

فراهم آوردن محیط و موقعیت‌های معماگونه چالش برانگیز

نقطه شروع هر کاوش، تعارض یا چالش است. کودکانی که در محیطی بزرگ می‌شوند که توجه آن‌ها را برمی‌انگیزد، مهارت‌های لازم برای توجه نشان دادن را نمی‌آموزند.

درواقع، مناسب‌ترین زمینه برای پرورش پرسشگری، قرار دادن کودکان در

موقعیت‌های سؤال برانگیز است.

وجود تناقض‌ها و چالش‌ها در محیط فیزیکی، قرار گرفتن در مقابل پدیده‌ها و اشیای جدید یا طرح موقعیتی که بچه‌ها در مورد شناخت خود از اشیا یا پدیده‌ها یا حتی مفاهیم ذهنی شناخته‌شده قدیمی دچار تردید شوند، آن‌ها را به تفکر و کاوشگری تشویق می‌کند.

توجه به ماهیت سؤال‌ها و کشف راه‌های موجود در گونه پرسش‌ها، علاوه بر ایجاد کنجکاوی درباره زبان و ماهیت آن، به بچه‌ها کمک می‌کند پرسش‌های خود را بسنجند و در موقع لازم بتوانند پرسش‌هایی درست مطرح کنند.

پرسشگر بودن خود معلم یا مربی در ایجاد کنجکاوی در نگاه کودکان بسیار اهمیت دارد. معلم باید مشاهده‌گری را در خود تقویت کند و شناخت درستی از ماهیت پرسش‌ها پیدا کند. آگاهی معلم از ماهیت و کارایی پرسش‌ها در گردش بحث‌ها به وی کمک خواهد کرد.

بخشی از پرسش‌ها را می‌توان به این شکل دسته‌بندی کرد:

پرسش‌های بسته موضوع‌مدار: برخی از پرسش‌ها به دنبال پاسخ مشخصی هستند که مخاطب از شکل پرسش متوجه قصد مربی می‌شود و ترس از دادن پاسخ اشتباه و اضطراب، مانع از فعال ماندن او در کلاس می‌شود. مثلاً فاصله زمین تا ماه چقدر است. تا جای ممکن از این سؤالات بپرهیزید؛ مگر اینکه در فرایند تشخیص انواع سؤال، از طرح این سؤال هدف خاصی داشته باشید.

پرسش‌های باز فردمدار: به دنبال پاسخی مشخص نیستند و فقط با قصد دعوت به مشارکت فرد یا افراد مطرح می‌شوند و مخاطب بدون نگرانی نظر خود را بیان می‌کند. بهتر است به جای سؤال‌های دسته‌قبلی، از این دسته سؤال‌ها پرسیده شود. این پرسش‌ها با عباراتی مانند «به نظر شما، به عقیده شما، و شما فکر می‌کنید که» مطرح می‌شوند.

پرسش‌های عددی: با چه قدر؟ چه مدت؟ و مانند آن شروع می‌شوند. مثال: چه مدت طول می‌کشد شما از مدرسه به خانه برسید؟

پرسش‌های تمرکزدهنده: گاهی حواس مخاطب یا مخاطبان شما پرت می‌شود. این دسته سؤال‌ها برای جلب نظر مطرح می‌شوند. مثل: نظر شما درباره عقیده دوستت چیست؟

پرسش‌های مقایسه‌ای: این پرسش‌ها با «چه تفاوت‌ها» و «چه شباهت‌هایی» آغاز می‌شوند و سؤال‌های خوبی هستند. مثال: بین گربه‌ها و سگ‌ها چه تفاوت‌ها و چه شباهت‌هایی وجود دارند؟ این دسته پرسش‌ها، علاوه بر پرورش قدرت مشاهده‌گری، به پرورش تفکر منطقی و انتقادی نیز کمک می‌کنند.

پرسش‌های کنشی: این نوع پرسش‌ها چالش برانگیزند و چون مخاطب خود را به‌عنوان یک کنشگر فعال‌تر می‌بیند، با اشتیاق بیشتری در فرایند پاسخ‌دهی شرکت می‌کند. مثال: اگر

توپ پینگ‌پونگ را رو به دیوار، صاف و پر قدرت پرتاب کنید، چه می‌شود؟ اگر این کار را روی چمن انجام دهید چه اتفاقی می‌افتد؟

پرسش‌های مسئله‌ساز: این نوع پرسش‌ها جالب‌تر و چالش برانگیزتر از پرسش‌های کنشی هستند و عمق و تأثیر بیشتری دارند. همچنین، برای مخاطب مسئله ایجاد می‌کنند؛ به‌خصوص هنگامی که خود او قبلاً تجربه‌هایی در مورد آن موضوع داشته باشد. این سؤالات، در عین حال راه‌حل‌ها را نیز از مخاطب طلب می‌کنند. مثال: وقتی نی را درون بطری نوشیدنی می‌گذاریم، بعد از یک بار مکیدن نوشابه و کنار گذاشتن آن، متوجه می‌شویم نوشیدنی قطره‌قطره از سر نی بیرون می‌ریزد. فکر می‌کنید چه عاملی باعث بالا آمدن نوشابه در نی می‌شود و چگونه می‌توان از آن جلوگیری کرد؟ یا سؤالاتی با این ساختار: چطور می‌توان این کار را کرد؟ چه راه‌هایی وجود دارد که ...؟

سؤالات بدیهی: درواقع اصلاً سؤال به حساب نمی‌آیند، زیرا نیاز به پاسخ ندارند، بلکه جملاتی تأکیدی هستند که با آهنگ پرسشی ادا می‌شوند. برای مثال: «تقاشی‌های زهرا خلاقانه نیستند؟!» سؤالات بدیهی برای زمانی مناسب هستند که می‌خواهیم ذهن شنونده را درگیر کنیم.

سؤالات بسته و باز: سؤالات بسته معمولاً با جواب کوتاه و یا یک کلمه پاسخ داده می‌شوند. برای مثال، پاسخ به سؤال «تشنه‌ای؟» بله یا خیر است، یا جواب سؤال «کجا زندگی می‌کنی؟»، معمولاً اسم شهر یا آدرس محل سکونت است، اما پاسخ سؤال «نظرت درباره کتابی که خوانده‌ای چیست؟» توضیحی مفصل است.

آنچه مهم است، توجه به این نکته اساسی است که مغفول ماندن اهمیت پرسشگری، نتیجه‌ای جز از بین رفتن انگیزه یادگیری و فهم جهان در کودکان ندارد.

پی‌نوشت‌ها:

1. Community of Inquiry 2. Puzzling Situation



گاهی به آسمان نگاه کن

نگاهی به فعالیت‌های قطب کشوری نجوم

© وحید راغب، دبیر علمی قطب کشوری نجوم



برای ترویج، آموزش و پژوهش نجوم در پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی فرصت مناسبی فراهم شد.

با توجه به ابلاغیه شرح وظایف قطب کشوری نجوم از سوی وزارت آموزش و پرورش و به‌منظور سامان‌دهی آموزش نجوم در برنامه‌های منظم از دوره ابتدایی تا متوسطه، با در نظر گرفتن استانداردهای سواد نجومی، قطب کشوری نجوم برنامه‌ای عملیاتی را به‌منظور گسترش و تعمیق فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی حوزه نجوم در پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی کشور و افزایش میزان انطباق فعالیت‌ها با نیازها تدوین کرد.

← امروزه نجوم قلمرویی در هم‌تنیده و بین‌رشته‌ای از علوم تجربی محسوب می‌شود که علوم گوناگون را در شبکه‌ای سازمان‌یافته به خدمت می‌گیرد و در راستای برآوردن نیازهای بشری گام برمی‌دارد. با توجه به نقش علم نجوم و تأثیر آن بر دانش و توسعه پایدار، این علم می‌تواند در آموزش نقش مهم و شایسته‌ای ایفا کند و دستیابی به آگاهی‌های عمیق‌تر درباره علوم بنیادی را در پی داشته باشد.

پس از استقرار دبیرخانه در خراسان رضوی و انتخاب پژوهش‌سرای رازی ناحیه ۷ مشهد به‌عنوان قطب کشوری نجوم توسط وزارت آموزش و پرورش،



در همین راستا، در طول سال تحصیلی ۹۸-۹۹ برنامه‌های زیر به‌طور هماهنگ و منسجم در پژوهش‌سراهای کل کشور برگزار شدند:

- توانمندسازی مدرسان نجوم پژوهش‌سراها و دانش‌آموزان با برگزاری سخنرانی‌ها و کارگاه‌های آموزشی؛
- راه‌اندازی سایت و ایجاد کانال‌های رسانه‌ای در فضای مجازی به‌منظور ارتقای دانش نجومی دانش‌آموزان و همکاران و اطلاع‌رسانی فعالیت‌های پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی در حوزه نجوم؛
- تلاش به‌منظور تشکیل و گسترش انجمن‌های نجوم دانش‌آموزی و معلمان؛
- برنامه‌ریزی و برگزاری فعالیت‌های متعدد مطابق با تقویم رویدادهای نجومی

(تهیه شده توسط قطب کشوری) در سطح مدرسه‌ها و پژوهش‌سراهای کل کشور؛
● گرمیادداشت هفته جهانی فضا در مهرماه؛

- رصد گذر عطارد در آبان‌ماه؛
- شرکت در نمایشگاه هفته پژوهش در آذرماه؛
- رصد خورشیدگرفتگی پنجم دی‌ماه؛
- بزرگداشت روز ملی فناوری فضایی در بهمن‌ماه؛
- بزرگداشت هفته جهانی نجوم در اردیبهشت‌ماه؛
- رؤیت هلال ماه شوال ۱۴۴۲ در خردادماه؛
- رصد خورشیدگرفتگی اول تیرماه؛
- بارش شهابی برساووشی مردادماه.

برای نخستین‌بار در سطح پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی و مدرسه‌های کشور، مسابقات نجوم به‌عنوان یکی از گرایش‌های جشنواره علمی پژوهشی پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی کشور، با هدف توسعه آگاهی عمومی و شناسایی استعدادها و خلاقیت‌های دانش‌آموزان در زمینه نجوم پدیدار شد و در مجموع سطح کیفی آثار شایسته تقدیر بود. باید اشاره کرد، رقابت چشمگیری را بین آثار ارائه شده شاهد بودیم.

امید است با گسترش فعالیت‌های ساختارمند در پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی، به‌منظور ارتقای شاخص فعالیت‌های ترویجی، آموزشی و پژوهشی حوزه نجوم گام‌های مؤثرتری برداشته شود.

پرونده مسابقات نجوم اولین جشنواره علمی پژوهشی پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی در شرایطی بسته شد که بارقه‌های امید و انگیزه برای پیمودن راهی پرپیچ و خم در شناسایی استعدادها و خلاقیت‌های دانش‌آموزان در زمینه نجوم پدیدار شد و در مجموع سطح کیفی آثار شایسته تقدیر بود. باید اشاره کرد، رقابت چشمگیری را بین آثار ارائه شده شاهد بودیم.

در مجموع، در مرحله کشوری مسابقات، ۳۰۰ اثر در چهار گرایش شامل ارائه محتوا (نقاشی، پوستر و فیلم)، مقاله علمی پژوهشی، ساخت ابزار و ماکت، نجوم رصدی به دبیرخانه قطب کشوری نجوم ارسال شد.



با تشکر از خانم مریم خوزینی که ما را در تهیه این گزارش یاری کرد.



نظارت آگاهانه

© ابراهیم آرزو

به مرور و به همراه شکل‌گیری علوم‌ی مانند مدیریت و روان‌شناسی، تجدیدنظرهایی اساسی در دیدگاه‌های مدیران پدیدار شد. در همین راستا، با توجه به پیچیدگی‌های فرایند تدریس، عده‌ای بر آن شدند که صرفاً با نظارت‌های بازدارنده نمی‌توان درستی یا نادرستی آموزش را رصد کرد، بلکه با توجه به ماهیت و خاصیت علوم، باید آموزش مهارت‌های معلمی معلمان نیز جدی تلقی شود. و این امر به درستی محقق نخواهد شد، مگر اینکه ما به اطلاعات دقیقی از کلاس واقعی دسترسی داشته‌باشیم تا بتوانیم بر همان اساس، برای ارتقای رفتارهای حرفه‌ای معلمان

بازرسی‌ها تحفه‌ای برای کیفیت‌بخشی به تدریس و بهبود آموزش تدارک دیده نشود. ولی اولیای امور همچنان نظارت بر چگونگی فرایند آموزش را تضمین‌کننده سلامت تلقی می‌کردند. این نظارت معمولاً از دو طریق اعمال می‌شد: یکی از طریق ارزشیابی معلمان که بیشتر بر چگونگی اعمال سیاست‌های آموزشی دولت‌ها ناظر بود. و دوم، از طریق ناظران آموزشی و تجزیه و تحلیل انواع سنجش‌های یادگیری دانش‌آموزان که با هدف نظارت بر کیفیت آموزش ارائه‌شده انجام می‌گرفت. هر یک از روش‌های یادشده مخالفان و موافقان خود را داشت.

← چنانچه می‌دانیم، آموزش موضوعی فرایندمدار و پیچیده است. یکی از پیچیدگی‌های آن این است که به‌شدت تحت تأثیر تحولات جهانی است. این امر، به‌خصوص در قرن‌های جدید، با توجه به پیشرفت‌های شتابان فناوری، رنگ و بوی تازه‌ای به خود گرفت. از دیرباز نظارت ناظران آموزشی بر چگونگی اجرای آموزش و رصد و پایش اهداف قصدشده، همواره از دغدغه‌های دولت‌ها و متولیان آموزش بود. ولی نگاه بازرسی‌مدارانه و ارزیاب‌گونه این افراد همیشه مانعی بود تا اولاً هرگز روابط صمیمانه‌ای بین معلمان و آنان شکل نگیرد و دوم اینکه هیچ‌وقت از این

زمانی به نظارت اثربخش خواهیم رسید که همه عوامل دخیل در نظام‌های رفتاری مدرسه به نگرشی یکسان و اراده‌ای واحد رسیده باشند

برنامه‌ریزی کنیم. همه این موارد هم به این بستگی دارد که درهای کلاس‌های درس بر ناظران آموزشی گشوده شود. این امر به‌خصوص از جنگ جهانی دوم به بعد، و در کشورهای آسیب‌دیده از جنگ- که برای ارتقا و بهبود کیفیت کار نیروی انسانی نگران بودند و از مرحله آموزش صرف عبور کرده‌بودند و به کیفیت آموزش می‌اندیشیدند- طرفدارانی جدی یافت. زیرا از نگاه آنان آموزش رسمی در برابر پرسش‌های بی‌شماری قرار داشت؛ از جمله:

- آیا آموزش مدرسه‌ها تکاپوهای بیرونی دانش‌آموزان و جامعه را پوشش می‌دهد؟

- آیا نوع و کیفیت آموزش با تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه و جهان متناسب است؟

- چند درصد آموزش‌های رسمی مدرسه‌ها متناسب با فرادهای دانش‌آموزان طراحی شده‌است؟

- آیا معلمان به علم روز مسلح هستند؟

- آیا شیوه‌های تدریس معلمان حس کنجکاوی و هیجان را در دانش‌آموزان برمی‌انگیزند؟

موريس كوكان و گلد هامر
برای نظارت نوین گام‌هایی اساسی برداشته‌اند. آنان با طرح ایده «نظارت و راهنمایی آموزشی در خدمت دانش‌افزایی معلمان» رویکرد نوینی را عرضه کردند تا هم با طرح تدابیر خاص نگاه بدبینانه معلمان زده شود و هم کلاس‌های درس به محیط‌هایی دوگانه، هم برای آموزش به دانش‌آموزان و هم برای دانش‌افزایی معلمان مبدل شوند.

هدف نهایی نظارت آموزشی

هدف نهایی در نظارت، اصلاح آموزش در کلاس درس است. در این مسیر راه بهبود نخواهیم پیمود، مگر اینکه همه عوامل مؤثر بر رشد و تربیت کودک به‌طور دقیق مطالعه شوند. زمانی به نظارت اثربخش خواهیم رسید که همه عوامل دخیل در نظام‌های رفتاری مدرسه به نگرشی یکسان و اراده‌ای واحد رسیده باشند. تعالی مدیریت در این همگن‌سازی نقش بسزایی دارد. بنابراین،

قائل نیستند. این موضوع از جمله عوامل فرسایش روحی و روانی معلمان است. در مجموع، اگر در منصفانه‌ترین حالت و به دور از پیش‌داوری بنگریم و حق به جانب هر دو گروه باشد، پرسش اساسی این است: چه باید کرد؟

جواب این پرسش را سالیان قبل، بسیاری از کشورها داده‌اند و آن این است که باید به معلم کمک کرد، به او آموزش داد و به یاری‌اش شتافت تا بتواند کلاس درسی جذاب برای دانش‌آموزان صحنه‌آرایی کند.

با توجه به فرایند پیچیده تدریس که همگان بر آن معترف‌اند، تسلط و اشراف همه‌جانبه و متوازن معلم بر تمام سطوح کتاب و یاددهی و یادگیری امری دشوار است. پس بر همین اساس، در راستای توانمندسازی دبیران، برخی افراد اجرای دوره‌های ضمن خدمت را پیشنهاد کرده و می‌کنند و عده‌ای دیگر هم آموزش حین خدمت را. نظارت و راهنمایی آموزشی معلمان از جمله موارد حین خدمت محسوب می‌شود که بنا به دلایل زیر، ضرورت‌های آن اجتناب‌ناپذیرند:

۱. ناکارآمدی بسیاری از روش‌های تدریس؛
۲. ناکارآمدی و کم‌اثربودن بسیاری از دوره‌های ضمن خدمت؛
۳. نیازسنجی برای طراحی کارگاه‌های اثربخش و مفید در راستای ارتقای رفتارهای حرفه‌ای معلمان؛
۴. ضرورت رشد حرفه‌ای معلمان با توجه به رشد شتابان علوم.

فرایند نظارت و راهنمایی

نظارت و راهنمایی آموزش معلمان عبارت است از حضور فرد ناظر و متخصص در تدریس در کلاس درس در هنگام و حین تدریس معلم. اما برای آنکه این نظارت با هدف بهبود و اصلاح یاددهی و یادگیری باشد، الزاماً قبل و بعد از ورود به کلاس باید مراحل طی شوند.

به‌عنوان ناظر، مطلوب است قبل از هر اقدامی، برای ورود به کلاس با معلم تماس بگیریم و او را به جلسه گفت‌وگویی

به‌خوبی می‌توان درک کرد که حوزه عملکردی نظارت و راهنمایی آموزشی معلمان بسیار وسیع است و ضروری است ناظر نیز واجد صلاحیت‌های خاص حرفه‌ای باشد.

در این ایده (نظارت و راهنمایی آموزشی معلمان) اصل نه بر ارزشیابی، بلکه به‌صورت خاص بر نظارت با رویکرد امدادگرایانه است، تا در فضایی سرشار از اعتماد و همدلی، ناظری که از تجربه و علم بیشتری بهره‌مند است، به کمک معلمی بشتابد که تجربه کمتری دارد.

به‌طور کلی، از همان روزهای نخست طرح این ایده، مخالفت‌هایی نیز با آن برانگیخته شد که بیشتر از عوامل زیر ناشی می‌شود:

ناآشنایی با ماهیت و اهداف طرح یا برنامه

- ریسک‌ناپذیری برخی دبیران؛
- نداشتن درک درست از تمایز بین نظارت و ارزشیابی؛

- تلقی‌های منفی درباره کلاس و حرمت آن از نگاه برخی دبیران.

هر اندازه از زمان اجرای این طرح گذشت و موارد منفی آن پالایش شد، طرفداران بیشتری هم یافت؛ به‌خصوص در دنیای جدید که به قول گاردنر آموزش مدرسه‌ها از دنیای خارج از مدرسه به‌شدت عقب‌مانده است. در نتیجه، معلمان با کلاس‌هایی مواجهند که دانش‌آموزان آن بی‌انگیزه‌اند و بدون شور و شوق یادگیری در کلاس حاضر می‌شوند و هیچ‌گونه هیجان یادگیری در آن‌ها وجود ندارد و شاک‌اند از اینکه کلاس درس جذابیتی ندارد. از طرف دیگر، معلمان این کلاس‌ها نگران و گاهی نالان‌اند از بی‌انگیزگی دانش‌آموزان و گاه شکوه می‌کنند که دانش‌آموزان برای کلاس و درس ارزشی

دوستانه و دوجانبه دعوت کنیم تا هم اهداف و چگونگی اقدام را مطرح و هم فضایی برای رفع ابهام و پرسش‌های معلم فراهم کنیم. بگذاریم معلم در فضایی آکنده از همدلی و صمیمیت تصمیم بگیرد که ناظر در کدام مدرسه و از چه کلاسی بازدید کند. خوب است معلم برای شیوه جمع‌آوری اطلاعات توسط ناظر به وحدت نظر برسند تا در وفاقی دوجانبه، هم موضوع نظارت و هم شیوه جمع‌آوری اطلاعات، در تفاهمی از پیش تعیین شده انجام پذیرد. این جلسه از نظر جلب اعتماد معلم حیاتی است تا از برنامه حمایت، تعهد و پشتیبانی کند. زیرا با این روند انتظار می‌رود زین پس خود معلم با توجه به مشاهده نکات مثبت، به تنهایی ادامه مسیر دهد و حتی مبلغ این شیوه شود و برای فرهنگ‌سازی آن پیشگام باشد.

برای بانیان این طرح، نکته فرهنگ‌سازی و گفتمان‌پروری در جهت نهادینه‌سازی روش‌های مشارکتی تدریس و بهره‌گیری از خرد جمعی، بسیار مهم‌تر از اجرای یکروزه یا یکبارۀ آن است. پس از دیدار و مشاهده کلاس، در جلسه‌های دیگر درباره نکات تدریس بحث و گفت‌وگو می‌کنند و اگر نیاز باشد و به تفاهم برسند، می‌توانند جلسه یا جلساتی را پیش‌بینی کنند. موضوع مورد نظارت می‌تواند یک مبحث درسی از کتاب یا یکی از فنون و مهارت‌های تدریس یا حتی سبک کلاس‌داری معلم باشد. ماحصل این تبادل افکار درباره موضوعات تدریس منجر به شکل‌گیری دانشی حرفه‌ای و بسیار گران‌سنگ است.

خوب است بدانیم، ناظر باید واجد صلاحیت‌های علمی و اخلاقی باشد، به طوری که معلم به صورت قلبی توصیه‌های او را بپذیرد و اطمینان حاصل کند که احیاناً نقاط ضعف کلاس وی به دیگران منتقل نخواهد شد. پس رازداری از اصول اولیه در موضوع نظارت محسوب می‌شود.

نظارت به شیوه حضوری

حسن نظارت و راهنمایی آموزشی

معلم این است که این روش در فضای زنده کلاس صورت می‌پذیرد. عده‌ای بر این گمان‌اند که چون معلم قبل از ورود به کلاس از ورود ما آگاه است، پس با آمادگی قبلی تدریس خوبی خواهد داشت و ناظر شاهد تدریسی تصنعی خواهد بود و نظارت تأثیر چندانی نخواهد داشت. در پاسخ به این عده از همکاران باید اعلام کنم، چون این روش به دنبال فرهنگ‌سازی است، پس با نگاه مچ‌گیرانه به این جریان نمی‌نگرد و از اطلاع و هماهنگی قبلی حمایت می‌کند، زیرا هیچ فردی بهتر از خود معلم از کیفیت کار خود آگاه نیست.

پس نظارت شرایطی فراهم می‌کند تا معلم با مطالعه و آگاهی قبلی و شرایط جدید، تدریس خود را بسنجد. او با نگاه انتقادی و از طریق خودکاوی، تدریس خود را با موارد قبلی مطابقت می‌دهد و تفاوت‌ها را درک خواهد کرد. حتی از عکس‌العمل‌های دانش‌آموزان نیز می‌تواند این تفاوت‌ها را به خوبی متوجه شود. از طرف دیگر، ناظر هم با نگاه تیزبین خود موارد توافق‌شده با دبیر را رصد می‌کند و در جلسه پس از تدریس، با وی به گفت‌وگو می‌نشیند. مجموعه این تبادل اندیشه، نگاشتن طرح درس مشترک، مشاهده چندبارۀ تدریس، پایش شیوه و مهارت‌های تدریس، به شکل‌گیری دانش حرفه‌ای منجر می‌شود که برای ارتقای رفتار و مهارت‌های حرفه‌ای معلمان بسیار حائز اهمیت است.

در باب فرهنگ‌سازی و لزوم آن باید یادآور شوم، برخی از همکاران کمبود زمان در مدرسه را دلیلی بر انجام ندادن طرح‌های تازه‌ای چون نظارت و درس‌پژوهی اعلام می‌کنند. در راهنمایی به این گروه باید متذکر شوم، موضوع نظارت و الزامات آن، بیش از آنکه تابع دستورالعمل‌های اداری باشد، مقوله‌ای فرهنگی است. بنابراین توصیه می‌کنم، ابتدا مدیران محترم مدرسه‌ها از طریق تشکیل جلسات موضوعی، با عنوان‌هایی چون نظارت، این فرهنگ را اشاعه دهند که با توجه به برنامه تعالی مدیریت در مدرسه، سهیل‌الوصول می‌نماید. چون

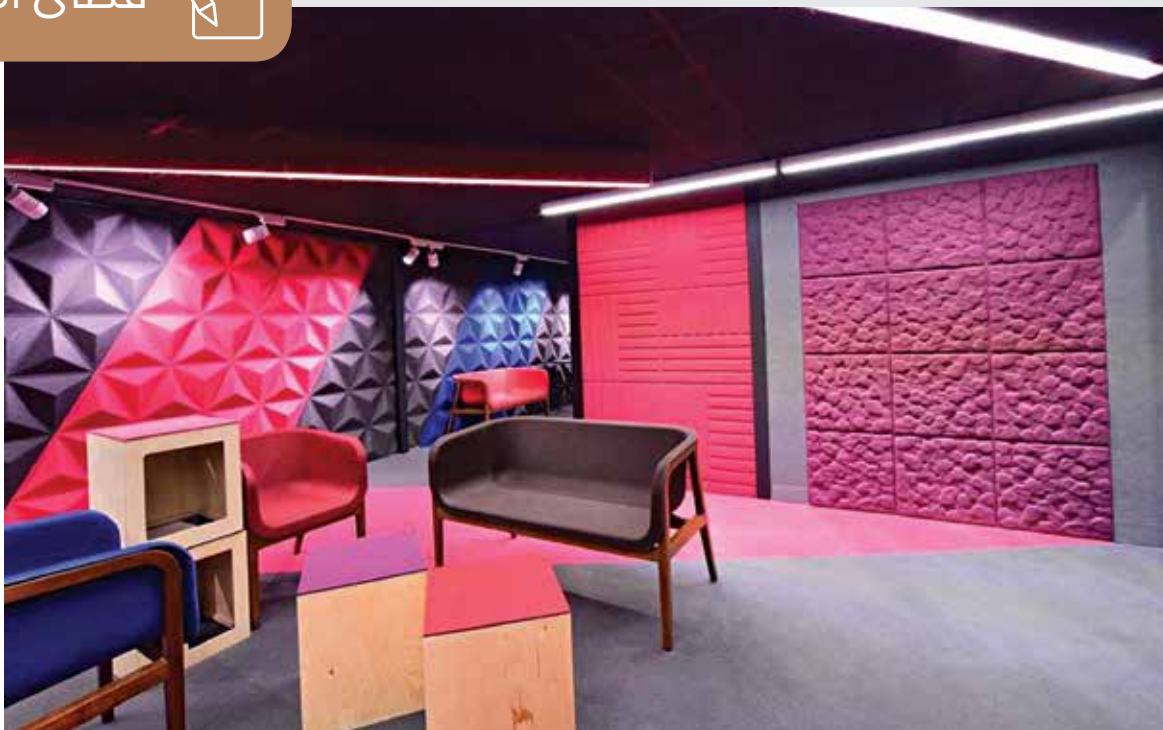
فرهنگ‌سازی و گفتمان‌پروری است، بنابراین، گفت‌وگو با همکاران بر حضور آن‌ها در کلاس مقدم است، تا خود آنان در مسیر گشودن درهای کلاس داوطلب شوند یا با برنامه‌ریزی، ناظران را به کلاس‌های درس فراخوانند. دیگر آنکه، برای شروع و تمرین روش‌های نوین در طول سال تحصیلی، اگر چند بار به این روش‌ها عمل کنند و نتایج و بازخوردهای مثبت آن‌ها را به کار بندند، این موضوع به رویه‌ای ثابت برای آن‌ها تبدیل خواهد شد. وانگهی، همین تک‌جلسه‌های متفاوت، تأثیر خود را بر دانش‌آموزان کلاس می‌گذارد و مسیر را به روشنی به آنان نشان خواهد داد. مصداق این جمله: اندیشه اگر درست جرقه بزند، همچون آتشی است اندر خرمن خشک.

سطوح نظارت

مقوله نظارت در دو سطح عمومی و تخصصی قابل پی‌گیری است. اگر مدیران و معاونان آموزشی، جدای از رشته تحصیلی خود، با هدف بررسی شیوه‌ها و روش‌های عمومی تدریس مانند داشتن طراحی آموزشی، طرح درس، بهره‌گیری از پرسش‌های آغازین و تکوینی، طبق موازین گفته‌شده به کلاس ورود کنند، نظارت عمومی است. اگر سرگروه‌های درسی با نگاه تخصصی در مطالب ارائه‌شده کلاس با دبیر مشارکت کنند، نظارت از نوع تخصصی است.

در مجموع، نظارت در پی آن است که مدرسه‌های فعلی به مدرسه‌های پیشرو و سازمان‌های یادگیرنده تبدیل و کلاس‌ها طوری طراحی شوند که هیجان‌یادگیری دانش‌آموزان را تحریک کنند، تا جایی که در ایام تعطیلی مدرسه‌ها، آن‌ها دل‌تنگ آن فضا شوند.

نظارت و راهنمایی آموزشی با رویکرد بالینی، دخالتی آگاهانه، سودمند و مشارکتی فعالانه به‌منظور ارتقای رفتار حرفه‌ای معلمان و عملکرد آن‌ها به‌گونه‌ای است که خود از این شیوه احساس مسرت، شادمانی و رضایت شعلی کنند.



کلاس شفاف؛ کلاس ناپیدا

دو راهی‌ها در معماری مدرسه‌های کارآمد

محمد تاپش، طراح و پژوهشگر در زمینه معماری مدرسه‌ها

دو راهی شفافیت یا نبود شفافیت در دیوارهای داخلی کلاس‌ها و فضاهای مدرسه، یکی از موضوعات مهمی است که باید به آن پرداخته شود. اگر دیوارهای داخلی مدرسه شفاف باشند، نور طبیعی امکان می‌یابد با عبور از لایه اول، تا حدی به لایه‌های بعدی راه پیدا کند و کیفیت فضاهای داخلی را ارتقا بخشد. همچنین، توسعه چشم‌اندازهای داخلی به کمک این شفافیت، منجر به دل‌باز شدن محیط و رفع خستگی چشم در نگاه به نقاط نسبت دور دست می‌شود. ضمن اینکه دیده شدن بهتر فعالیت‌ها و رویدادها در پی ایجاد شفافیت، می‌تواند علاوه بر سرایت شور و نشاط موجود در تلاش‌های مورد مشاهده، به نظارت عمومی رویدادها در مدرسه کمک کند و مسئولان مدرسه را از سرک کشیدن به فضاها، که صورت خوشایندی ندارد، بی‌نیاز کند. اما شفافیت در دیوارهای داخلی، علاوه بر فرصت‌ها، تهدیدهایی هم در پی دارد. همین موضوع باعث شده است به‌عنوان دو راهی از آن یاد کنیم. در این مقاله درباره نگرانی‌ها و تهدیدهای مرتبط و همچنین راهکارهای مواجهه با این نگرانی‌ها صحبت می‌کنیم.

جلب کند، اما در بیشتر اوقات بچه‌ها فقط در ظاهر به او توجه دارند، در حالی که ذهنشان، به مانند پرنده‌ای بسیار پرتحرک، از این شاخه به شاخه دیگر می‌پرد و به بوستان‌های دور دست سفر می‌کند.

در طرف مقابل، کلاس فعال بر پایه و محور فعالیت دانش‌آموزان، کلاس پرنشاطی است که ممکن است در میانه

دارد. در بیشتر مواقع، در این کلاس آقای معلم مشغول صحبت با بچه‌هاست و یکی از قوانین آن است که وقتی آقای معلم صحبت می‌کند، همه بچه‌ها باید به حرف‌های او به‌دقت گوش فرا دهند. بله. برای این معلم، کلاسی با دیوارهای ضخیم اولویت دارد. البته این معلم از ذهن بچه‌ها خبر ندارد. او شاید بتواند لحظاتی کوتاه توجه بچه‌ها را به خود

نگرانی‌های معلمان

شفافیت دیوارهای کلاس، مخالفان بسیار سرسختی هم دارد. گاهی اوقات که این موضوع در جمع معلمان یک مدرسه مطرح می‌شود، برخی از معلمان را، به دلیل‌های گوناگون، نگران می‌کند.

پرت شدن حواس بچه‌ها

کلاس درس آقای معلم قوانین زیادی

حدود و آفت‌های شفافیت

از قدیم گفته‌ایم و شنیده‌ایم که «هر چیزی حدی دارد». شفافیت و شیشه‌ای شدن دیوارهای کلاس درس هم‌اندازه‌ای دارد. بعضی اوقات برخی از گردانندگان مدرسه‌ها، با شنیدن فایده‌های این شفافیت و دیدن تصویرهایی که جذاب هستند ولی نمی‌توانند راهنمای خوبی باشند، بدون بررسی دقیق و کارشناسانه، دست به شفاف‌سازی دیوارهای کلاس می‌زنند؛ به شکلی که معایب نتیجه کار آن‌ها از مزایای آن سبقت می‌گیرد. این موضوع نیاز به دقت در زمینه‌هایی دارد که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

کلاس به آکواریوم تبدیل نشود!

شیشه‌ای شدن بیش از حد کلاس آن را از محصوریت فضایی خارج می‌کند و افرادی که در آن هستند دیگر احساس

راهکارهای سازنده در مدرسه، به چنین برنامه‌هایی بسیار وابسته است.

نوع دیگری از نگرانی، بیشتر در مدرسه‌های به چشم می‌خورد که در یک پایه تحصیلی چند کلاس دارد. مثلاً در یک مدرسه دو یا سه کلاس دهم وجود دارد. معلم این سه کلاس، یک برنامه را در سه کلاس تکرار می‌کند. گاهی اوقات برخی از معلمان نمی‌خواهند بچه‌های کلاس بعدی بدانند در کلاس ساعت قبل آن درس چه گذشته است! شفافیت دیوارهای کلاس زحمت معلمان را در این باره زیاد می‌کند. این موضوع با ایجاد تنوع در برنامه‌ها و روش‌های معلم تا حدودی قابل جبران است. با این زاویه از نگاه، خود این شفافیت روشی برای غافلگیری نشاط‌افزادر کلاس بعدی می‌شود و بچه‌هایی که در انتظار آنچه در کلاس قبل دیده‌اند هستند، با پدیده جذاب جدیدتری روبه‌رو می‌شوند و اینجاست که تهدید به فرصت تبدیل می‌شود.

آن، مدیر مدرسه وارد شود و چرخشی در کلاس بزند و از آن خارج شود، اما برخی هستند، متوجه ورود و خروج مدیر نشوند. آیا در چنین کلاسی، اینکه بیرون از کلاس دیده شود یا ناپیدا باشد، می‌تواند منجر به حواس‌پرتی بچه‌ها شود؟! ضمن اینکه تصویر حرکت افراد در خارج از کلاس درس، برای مدتی در بچه‌ها ایجاد کنجکاوی و سؤال می‌کند، اما به تجربه ثابت شده‌است که پس از چندی این رفت و آمدها شکلی عادی و تکراری به خود می‌گیرند و به هیچ‌وجه توجه بچه‌ها را نمی‌توانند به خود جلب کنند.



ذهن دانش‌آموزان در یک چهاردیواری غیرشفاف قابل حبس نیست



نیاز به دیوار برای مبلمان

لو رفتن کلاس

یک معلم ممکن است دوست نداشته باشد طرح و برنامه کلاس او برای دیگران شناخته و برملا شود. معلمی که کلاس درس خود را با تعبیر «چهاردیواری، اختیاری» در حوزه و حیطه مطلق از احاطه خود می‌پندارد و ورود هر نگاهی به کلاس را ممنوع می‌داند، شفافیت در دیوارهای کلاس، او را به شدت نگران می‌کند؛ هرچند این شکل از نگاه تا حدود زیادی منسوخ شده‌است. اکنون در دنیایی شیشه‌ای زندگی می‌کنیم که در آن باید تجربه‌های افراد به شکل درستی به اشتراک گذاشته شوند. در بعضی مدرسه‌ها، متولیان و مدیران، طبق برنامه‌های کاملاً شفاف و رسمی از کلاس‌ها بازدید می‌کنند و تجربه‌های مثبت به دست آمده را با دیگر معلمان به اشتراک می‌گذارند. توسعه شیوه‌ها و

انعکاس صدا و شیشه‌ها

نقاط ضعف شیشه‌های مقاوم و ایمن تنها در هزینه بالای آن‌ها خلاصه نمی‌شود. همه شیشه‌ها، چه مقاوم باشند و چه نباشند، سطوحی صیقلی دارند. سطوح صیقلی، مثل شیشه، سنگ ساینده، سرامیک و مانند این‌ها، در انعکاس صدا در محیط نقشی جدی دارند. کسانی که در دبستان و پیش‌دبستان فعالیت می‌کنند، بیش از کارکنان دیگر دوره‌های تحصیلی رنج تحمل سر و صدای ناشی از انعکاس جیغ و فریادهای جمع بچه‌های مدرسه را درک می‌کنند. این موضوعی نیست که بتوان به‌سادگی از آن صرف‌نظر و افراد را به صبر و تحمل در برابر آن دعوت کرد!

شاید به‌زودی بشنویم که سطوح شیشه را می‌توان با پوشش مواد نانو، بدون کاهش شفافیت، به جاذب صدا مجهز کرد و مانع از انعکاس صدا در این سطوح شد. اما تا آن زمان، علاوه بر محدود کردن نسبی سطوح شیشه‌ای و زیاده‌روی نکردن در استفاده از آن‌ها، راهکارهای دیگری را باید جست. مهم‌ترین این راهکارها، استفاده از ظرفیت‌های جاذب صوت در سطوح دیگر است. عایق‌های صوتی در سطوح غیرشیشه‌ای مانند سقف و دیوارها و همچنین فرش، موکت یا هر نوع سطح پرزدار دیگر برای کف، می‌توانند تا حد زیادی در این زمینه به کار آیند.

عبور آگاهانه از دو راهی‌ها

دو راهی شفاف یا غیرشفاف بودن دیوارها در کلاس‌ها و مدرسه، یک دو راهی بسیار چالشی است که به بخش کوچکی از آن پرداخته شد. این موضوع با این پیش‌فرض که مدرسه ما مدرسه‌ای با محوریت فعالیت دانش‌آموزان در محیط‌های یادگیری آن است، ارزش بیشتری برای دنبال کردن پیدا می‌کند. برای انتخاب راه درست یا نزدیک شدن به هر سمت از این دو راهی، باید همه زاویه‌ها را به‌خوبی دید و به شکلی کاملاً آگاهانه درباره آن‌ها تصمیم گرفت. بدیهی است این رویکردی صحیح در مواجهه و رودرویی با همه دو راهی‌هاست.



چگونگی شکستن انواع شیشه

که مثل آکوارיום شده است، بسیار دشوار و چه‌بسا غیرممکن می‌شود!

خطرات شیشه؟

یکی از آفت‌های شفافیت در دیوارهای کلاس، بی‌توجهی در انتخاب نوع شیشه برای ایجاد این شفافیت است. شیشه‌های معمولی بسیار خطرناک هستند. احتمال شکستن شیشه دیوار یک کلاس چند برابر دیوار خانه یا یک مکان کم‌رفت‌وآمد است. شکستن شیشه‌های معمولی در اثر برخورد افراد یا اشیاء و همچنین زلزله یا هر نوع رویداد دیگری، بسیار خطرناک‌ترین است.

بدیهی است که شیشه‌های دیوارهای یک کلاس باید از نوع مقاوم سکوریت باشند. شیشه‌های سکوریت در اثر فرایند حرارت‌دهی به شیوه‌ای خاص، مقاوم می‌شوند و دیگر به‌راحتی نمی‌شکنند. معمولاً لبه‌های پیرامونی این شیشه‌ها آسیب‌پذیرند و باید پوشیده و محافظت شوند. مهم‌ترین ویژگی این شیشه‌ها آن است که در صورت شکسته شدن، به قطعات بسیار ریز و بی‌خطری تبدیل می‌شوند که لبه‌های چندان تیزی ندارند. درواقع، این شیشه‌ها نمی‌شکنند، بلکه به‌اصطلاح رایج «پودر» می‌شوند. حال اگر لمینیت هم شده باشند یا برجسب‌های ویندوفیلیم روی آن‌ها نصب شده باشد، در صورت پودر شدن، مانند یک سطح نرم قابل جابه‌جایی هستند. شیشه‌های سکوریت و لمینیت، مقاوم و ایمن و کاملاً بی‌خطرند و البته هزینه بیشتری برای تهیه آن‌ها باید پرداخت که این خود نقطه ضعف بزرگی برای این نوع از شیشه‌هاست.

نمی‌کنند در فضایی که مال خودشان است و از فضاهای مجاورش، حداقلی از میزان جدا شدن را دارد، قرار دارند. نیاز به فضاهای به‌نسبت دنج و دارای هویت مستقل، برای ایجاد حس تعلق و همچنین انجام فعالیت‌هایی که چنین فضاهایی را می‌طلبند، باید مورد توجه قرار گیرد. تجربه نشان می‌دهد، اگر مثلاً یک کلاس را با چهار دیوار دور و برش فرض کنیم، خوب است حداکثر یک یا در شرایطی خاص دو دیوار کاملاً شفاف داخلی داشته باشد. این موضوع در هر موقعیتی به بررسی مختص آن موقعیت نیاز دارد و نمی‌توان الگویی مشترک برای آن تعریف کرد.

ما دیوار می‌خواهیم!

وجود دیوار غیرشیشه‌ای معمول و رایج، نیازی اساسی برای هر کلاس و حتی دفتر هر مدرسه است. این دیوارها برای جاگرفتن کمد‌ها و قفسه‌هایی که باید در کنار فضای کلاس باشند، کاربرد دارند؛ به‌خصوص کمد‌ها و قفسه‌هایی که معمولاً پشت آن‌ها منظره خوشایندی ندارند، باید به دیواری کاملاً غیرشفاف تکیه داده شوند. همچنین، دیوار به ما امکان نصب انواع تابلو یا برخی از آثار و نتایج فعالیت‌های دانش‌آموزی را می‌دهد. ضمن اینکه دیوارها بهترین بخش از سطوح هر اتاق برای جاگرفتن کلید و پرز برق و برخی دیگر از تأسیسات لازم هستند. جادادن برخی از تأسیسات مانند کلید و پرز برق در کف و روی زمین، برای مدرسه بسیار خطرناک است!

به‌طور خلاصه، مبلمان صحیح کلاسی



← آموزش به زنجیره‌ای از فعالیت‌ها گفته می‌شود که به‌قصد آسان‌سازی یادگیری صورت می‌گیرد. آنچه این فعالیت‌ها را در مسیری واحد و منتهی به اهداف هدایت می‌کند، عمل به قواعدی است که قوت و کارایی نظام آموزشی را در پی دارد. اما سؤال اینجاست که این قواعد را باید از کدامین منبع یا منابع مطمئن دریافت کرد؟ معمولاً در پاسخ به این سؤال، ذهن‌ها بلافاصله به منابع علمی معتبر معطوف می‌شوند؛ یعنی رجوع به آرا و نظرات متخصصانی که عمری را صرف مطالعه و پژوهش در مسائل آموزشی و تربیتی کرده‌اند. این پاسخ، با اینکه غلط نیست، اما کفایت لازم را ندارد، زیرا نادیده‌گرفتن میراثی را سبب می‌شود که از ادیبان و حکیمان مسلمان به دستمان رسیده‌اند؛ میراثی که اگر به‌طور عمیق و هدفمند و از طریق راه‌اندازی تیم‌های مطالعاتی به کار گرفته شود، روح تازه‌ای را در کالبد آموزش- از حیث محتوا و روش- می‌دمد. جای تردید نیست که عارفان و ادیبان این سرزمین، معلمان بزرگی‌اند که سبک‌های خاص و خلاقانه‌ای را در آموزش و یادگیری بنیان نهاده و با همان زبان گیرا، نسل‌های بعدی را تحت‌تأثیر قرار داده‌اند. مدرسه‌ای که آنان تأسیس

عاشقان را شد مدرس حُسن دوست

آموزش کارا به روایت مولانا

◎ دکتر یاسر ملکی، پژوهشگر حوزه ادبیات عرفانی

◎ تصویرساز: سید میثم موسوی



کرده‌اند، به پهنای ایران‌زمین و حتی فراتر از جغرافیای ملی و فرهنگی ماست و در آن، محتوای سازنده‌ای را آموزش می‌دهند که در بالاترین حد کارآمدی قرار دارد. یکی از این چهره‌های ممتاز که در تحکیم شالوده‌ی هویت ایرانی و اسلامی سهم بسزایی دارد، جناب **مولانا**ست. او بنیان‌گذار «مدرسه‌ی عشق» است که اعتباری ملی و بین‌المللی دارد و شاگردان بسیاری از شرق و غرب عالم را در خود جای داده است. مدرسه‌ای که از مدرس اعظمی چون خداوند برخوردار است و قوانینی دارد که برای ورود باید به آن‌ها ملتزم بود. به قول مولانا:

چنانکه مدرسه‌ی فقه را برون شوهاست
بدانک مدرسه‌ی عشق را قوانین است
(غزل ۴۷۹)؛

مدرسه، عشق و مدرس ذوالجلال
ما چو طالب علم و این تکرار ماست
(غزل ۴۲۹)؛

عاشقان را شد مدرس، حُسن دوست
دفتر و درس و سقشان روی اوست؛
درشان آشوب و چرخ و زلزله
نه زیادات است و باب سلسله (دفتر
سوم، ابیات ۳۸۴۷ و ۳۸۴۹)

زندگی این معلم بزرگ، با عاملی تحول‌ساز عشق وارد مرحله‌ی تازه‌ای شد؛ آن‌هم در پرتو تعلیمات فرزانه‌ای چون **شمس تبریزی** که مولانا به شاگردی در محضرش افتخار می‌کرد. البته شمس چیز تازه‌ای به زندگی مولانا اضافه نکرد؛ بلکه صرفاً عناصر و اجزای حیاتی وی را جابه‌جا نمود^۴ و با آهن‌ربای عشق، تمام خرده‌های وجود مولانا را گرد هم آورد. او علاوه بر کانون‌سازی جدید، به

وی نشان داد برخی چیزهایی که به این آهن‌ربا نمی‌چسبند، در اساس از جنس آهن نیستند و باید به دور انداخته شوند (کمپانی زارع، ۱۳۹۲: ۴۷). این نیروی عشق بود که نظر و منظر مولانا را رفعت بخشید و هراس درونی‌اش را برای همیشه از بین برد. عشق و ترس مانند روغن و آب هستند؛ آن‌ها نمی‌توانند یک فضا را و یک روح را در یک‌زمان اشغال کنند. یکی دیگری را بیرون می‌راند (کریفت، ۱۳۹۸: ۱۵۸).

گریه بدم خنده شدم، مرده بدم زنده شدم
دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم؛

دیده‌ی سیر است مرا، جان دلیر است مرا
زهره شیر است مرا، زهره تاینده شدم
(غزل ۱۳۹۳)؛

ترس مویی نیست اندر پیش عشق
جمله قربان‌اند اندر کیش عشق (دفتر
پنجم، بیت ۲۱۸۴)

درست مانند تاجری بی‌باک و شجاع که حاضر شد برای رسیدن به سودی بزرگ و دائمی، با هر خطری مواجه شود؛ حتی اگر این خطر به قیمت قربانی شدن جانش تمام شود.^۵ مولانا با چنین ظرفیت روحی بالایی مالک بینش صاف و جامعی شد و توانست رموز تحول و پیشرفت همه‌جانبه‌ی انسان را کشف کند؛ رموزی که اگر به‌دقت فهمیده شوند و به‌درستی به کار گرفته شوند، کیفیت حضور آدمی را در هر نقش و موقعیتی افزایش می‌دهند و دستاوردهای نوینی را به ارمغان می‌آورند. به همین خاطر

است که آموزه‌های این عارف تیزبین از جامعیتی کم‌نظیر برخوردار است و هرگز به یک یا چند موضوع خاص محدود نیست؛ مانند دریای عمیق و بیکرانی که در هیچ ظرف و قالبی نمی‌گنجد، ولی هر ظرف و پیمانه‌ای را هم پر می‌کند. قدرت زبان مولانا به اندازه‌ای است که هر زبانی را به تحسین و حیرت وامی‌دارد؛ حتی زبان دانش‌ها و تخصص‌ها را. به جرئت می‌توان گفت، هر تخصصی، بنا به ماهیتی که دارد، پذیرای افکار بلند اوست؛ از روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و مدیریت گرفته تا هر آنچه به تربیت و آموزش مربوط می‌شود.

پارسی‌گو گر چه تازی خوش‌تر است
عشق را خود صد زبانی دیگر است
بوی آن دلبر چو پَران می‌شود
آن زبان‌ها جمله حیران می‌شود
بس کنم دلبر درآمد در خطاب
گوش شو و الله اعلم بالصواب (دفتر
سوم، ابیات ۳۸۴۲-۳۸۴۴)

او با خلق هنرمندانه‌ی کتاب مثنوی ثابت کرد آموزگاری کامل و تمام‌عیار است که از یکسو با قواعد و ظرایف آموزش به‌خوبی آشناست و از سوی دیگر با زوایا و خفایای وجود یادگیرنده. درون هر بیت این کتاب کم‌نظیر نیرویی تحول‌بخش وجود دارد که پنهان و مخفی است و تنها زمانی آزاد می‌شود که مخاطب قابلیت از خود نشان دهد. هر قدر که این قابلیت بیشتر می‌شود، شعاع و عمق این اثرپذیری هم افزایش می‌یابد.

واضح است که این ویژگی در هر کتاب و کلامی یافت نمی‌شود و تنها مخصوص اندیشه‌های رونده و پویاست.^۶



لذا مولانا از دوگانه مهمی در آموزش و یاددهی سخن می‌گوید که عبارت است از: آموزش‌های مُرده و زنده. آموزش مُرده محتواهایی را در برمی‌گیرد که از خاصیت بالندگی و شکوفایی عاری‌اند و از محدوده ذهن‌ها و حافظه‌ها فراتر نمی‌روند. از این‌رو، تأثیر این آموزش‌ها کاملاً موقتی است و محتوای آن‌ها پس از مدت کوتاهی در ذهن یادگیرنده دفن می‌شود. اما آموزش‌های زنده و رشد‌آور این‌طور نیستند. این نوع آموزش‌ها حیاتی دارند که به دم‌احیاگر معلم متصل‌است؛ یعنی همان روح معنا و حقیقت که وقتی در کالبد تدریس دمیده شود، آموزش را مؤثر و ماندگار می‌کند. در همین راستا، مولانا ما را متوجه تفاوت میان «پرواز کردن» و «پرتاب کردن» می‌کند. معلمی که مفاهیم و عبارات را به‌سوی مقصدی معین، یعنی جان‌های تشنه و آماده در کلاس به پرواز در می‌آورد، در حد بالایی از توانایی قرار دارد. اوست که با کلام گرم‌ش، نه تنها محتوای صامت را به نطق در می‌آورد، بلکه به شیوه‌ای مؤثر با یادگیرنده ارتباط می‌گیرد؛ هنری که مولانا آن را به بهترین و کامل‌ترین وجهی عرضه کرد. الفاظ و عبارات مثنوی او روحی را با خود حمل می‌کنند که آن‌ها را به‌سوی درون‌های قابل به پرواز در می‌آورد.

مثنوی را مَصْرَحْ مَشْرُوح ده
جمله الفاظ او را روح ده
تا حروفش جمله عقل و جان شوند
سوی خلدستان دل پَران شوند
(دفتر ششم، ابیات ۱۸۴-۱۸۵)

عکس این حالت هم‌زمانی است که مفاهیم به‌جای پرواز کردن، پرتاب شوند؛ مانند سنگی که بی‌هدف رها می‌شود و در نقطه نامعلومی فرود می‌آید. بی‌تردید، هر کلام شیرین و نمکین، به‌گونه‌ای

عاشق تعلق دارد که خود را از کمند هر تکلف و اجتهادی آزاد کرده‌است. البته «اجتهاد» نه به معنای یک فن و تخصص لازم و مورد نیاز، بلکه تکیه‌کردن به فهم‌های نارس و ناقصی که شخص را به خودمحوری و توهم دانایی مبتلا می‌کند؛ چیزی که هرگز با منطق و مرام عاشقی قابل جمع نیست.

چون مست نیستیم، نمکی نیست در سخن
زیرا تکلف است و ادیبی و اجتهاد
اما دهان مست چو زنبور خانه‌ای است
زنبور جوش کرد به‌هر سوی بی‌مراد
(غزلیات شمس، ترجیعات پانزدهم)

این افراد مانند شنناگرانی هستند که با تکیه بر مهارت شنناگری خود، وارد دریای عمیق و بیکرانی می‌شوند، غافل از اینکه برای عبور از این دریا باید بر کشتی عشق سوار شد و از علوم و فنون خودمحورانِه که مصداقی از تلاش‌های نافرجام است دست برداشت. لذا فرق است میان معلمی که به فن تدریس خود می‌نازد و هنر معلمی را تنها در انتقال دانش خلاصه می‌کند تا آن معلم عاشقی که اهل تدریس فعال و رشد‌آور است؛ یعنی نه تنها خود می‌روید و رشد می‌کند، بلکه می‌رویند و پرورش می‌دهد.

اینجاست که تدریس به فرایندی زاینده و بالنده تبدیل می‌شود. لذا تعجبی ندارد اگر مثنوی معنوی، با گذشت بیش از هفت قرن، همچنان کتابی زنده و جاودانه است و مولوی عاشق، هر لحظه و ساعتی، مشغول تدریس و آموزش دادن است و کلاس درس سیارش، در هر نقطه از این کره خاکی برگزار می‌شود. فقط کافی است یادگیرنده ادب شاگردی را رعایت و گوش جانش را آماده شنیدن کند.^۷
دل نگه دارید ای بی‌حاصلان در

حضور حضرت صاحب‌دلان
پیش اهل تن، ادب بر ظاهر است که
خدا زیشان، نهان را ساتر است
پیش اهل دل، ادب بر باطن است
زانکه دلشان بر سرایر فاطن است
(دفتر دوم، ابیات ۳۲۱۸-۳۲۲۰)

پی‌نوشت‌ها

۱. شاگرد تو می‌باشم گر کودن و کزبوم
تا از لب خدات یک خنده بیاموزم
ای چشمه دانایی شاگرد نمی‌خواهی؟
چه حبله کنم تا من خود را به تو دروزم (غزل ۱۴۶۳)؛
چون عشق شمس تبریز، آهن‌ریای باشد
ما بر طریق خدمت مانند آهنیمش (غزل ۱۲۶۲)؛
شمس تبریز که آفاق از او شد پر نور
من به هر سوی چو سایه ز پی‌اش گردیدم (غزل ۱۶۳۷)؛
۲. عشق را بی‌خویش بُردی در حرم
عقل را بیگانه کردی عاقبت
یا رسول‌الله ستون صبر را
آسَن حنانه کردی عاقبت
شمع عالم بود عقل چاره‌گر
شمع را پروانه کردی عاقبت (غزل ۴۲۷)؛
عقل اگر سلطان این اقلیم شد
همچو دزد، آویخته بر دار ماست (غزل ۴۲۹)
تاجر ترسنده طبع شیشه جان
در طلب نه سود بیند نه زیان
بل زیان بیند که محروم است و خوار
نور او یابد که باشد شعله‌خوار (دفتر سوم، ابیات ۳۰۸۹-۳۰۹۰)
۴. خویش فربه می‌نماییم از بی‌قربان عید
کان قصاب عاشقان، بس خوب و زیبا می‌کشد (غزل ۷۲۸)
۵. و آن نظرهایی که آن افسرده نیست
جز رونده و جز درنده پرده نیست (دفتر چهارم بیت ۲۹۰۱)
۶. زیرکی سیاحی آمد در بحار
کم رهد غرقست او پایان کار
هل سیاحت را رها کن کبر و کین
نیست جیحون نیست جو دریاست این (دفتر چهارم)
۷. دل نگه دارید ای بی‌حاصلان
در حضور حضرت صاحب‌دلان
پیش اهل تن، ادب بر ظاهر است
که خدا زیشان، نهان را ساتر است
پیش اهل دل، ادب بر باطن است
زانکه دلشان بر سرایر، فاطن است (دفتر دوم ابیات ۳۲۲۰-۳۲۲۱۸)

منابع

۱. مهدی کمپانی زارع، مولانا و معنای زندگی، تهران: نگاه، معاصر، ۱۳۹۲، ص ۴۷
۲. پیتر کریفت، سه فلسفه زندگی، ترجمه بتول قزل بیگلو، تهران: کرگدن، ۱۳۹۸، ص ۱۵۸



منطق بومی

دکتر عظیم محبی

در شماره قبل با مهم ترین عنصر برنامه ریزی درسی در سطح مدرسه، یعنی نیازسنجی، آشنا شدیم. در این شماره موضوع منطق را پی می گیریم.

تحلیل وضعیت موجود، ابعاد مسئله تشریح می شود.

یکی از مفاهیم اصلی و مهم در اسناد تحولی آموزش و پرورش، توجه به توسعه فرهنگ کار و آموزش مهارت های کارآفرینی به دانش آموزان است. بر اساس سیاست های اقتصاد مقاومتی نیز می توان اذعان داشت مدرسه ها باید نسبت به تربیت نسلی فکور و کارآفرین همت بگذارند.

در عین حال، تعلیم و تربیت، در ساحت اقتصادی و حرفه ای به این موضوع توجه کرده است.

به صورتی خیلی کلی و ساده می توان در خصوص تعریف کارآفرینی در مدرسه گفت: «تربیت ویژگی ها و مهارت های کارآفرینی»^۱.

بررسی ها نشان می دهد، در برنامه های درسی و فعالیت های فرهنگی دوره ابتدایی و متوسطه اول به این مقوله کمتر توجه شده است. برنامه ویژه مدرسه فرصت خوبی است تا این موضوع مورد آموزش قرار گیرد. ویژگی ها و مهارت های آموزش کارآفرینی در گام نخست باید به صورت تلفیقی و درهم تنیده و با روش های تدریس و فعالیت های فرهنگی مدرسه مورد عنایت قرار گیرند. لذا توجه به کارآفرینی در آموزش و پرورش و مدرسه ها اصولاً یک رویکرد است. همه معلمان و مربیان باید با این موضوع آشنا شوند تا بتوانند روش های تدریس و فعالیت های فرهنگی مدرسه را براساس این رویکرد بازطراحی کنند.

در عین حال می توان از طریق فرصت برنامه ویژه مدرسه، به طور مستقیم مهارت های کارآفرینی را آموزش داد. در سال جاری این کار در این مدرسه انجام خواهد شد.

پی نوشت ها

- ملکی، حسن (۱۳۹۸). نظریه فطرت گرایی. انتشارات مدرسه. تهران.
- مبانی نظری سند تحول. ص ۱۳۹.
- راهنمای برنامه ویژه مدرسه. ۱۳۹۸.
- محبی، عظیم (۱۳۹۸). تربیت مهارت های تفکر و کارآفرینی. مرات.

در برنامه ویژه مدرسه بر محورهای ادامه تأکید شده است:^۲

- منطق برنامه (بیان مسئله و ضرورت)
- اهداف برنامه
- محتوای برنامه یا شرح فعالیت
- حجم زمانی و چگونگی زمان بندی اجرا
- موضوعات پشتیبان در برنامه درسی تجویزی
- گروه مخاطبان
- فرصت های یادگیری
- پیش بینی منابع و امکانات مورد نیاز
- مجری و ارائه کننده برنامه
- عملکرد مورد انتظار از دانش آموزان و نحوه ارزشیابی

در ادامه جلسه شورا، ضمن تبیین مفهوم منطق، نحوه نوشتن منطق برای موضوعات گوناگون تمرین شد. برای موضوع آموزش مهارت کارآفرینی، متنی به صورت زیر تولید شد.

منظور از منطق همان بیان مسئله و ضرورت موضوع مورد آموزش است.

همان طور که در هر طرح پژوهشی، بیان مسئله و ضرورت آن توضیح داده می شود، برای واحد یادگیری نیز باید منطق و دلایل آموزشی موضوع مورد نظر را توضیح دهیم. به عبارت دیگر، ضمن

مدیر مدرسه شورای معلمان را تشکیل داد. ضمن تشکر از تلاش های آن ها، مدرس کارگاه آموزشی را معرفی کرد و از ایشان خواست کار خود را شروع کند. مدرس کارگاه از همکاران خواست در قالب چند گروه درباره موضوعات زیر گفت و گو کنند:

۱. تعریف برنامه درسی
۲. عناصر برنامه درسی

پس از نیم ساعت کار تیمی، هر گروه برداشت خود را بیان کرد. مدرس، ضمن تأیید نظرات همکاران، نکات زیر را بیان کرد:

- برنامه درسی در یک معنای کلی یعنی طرحی برای یادگیری در معنای کامل تر؛ یعنی طرحی برای تربیت^۱

- برنامه درسی در یک تعریف جامع تر، براساس مبانی نظری سند تحول^۲، به مجموعه فرصت های تربیتی اطلاق می شود که دانش آموزان برای کسب شایستگی در معرض آن ها قرار می گیرند. برای کسب شایستگی ها نیازمند برنامه ریزی هستیم. عناصر اصلی برنامه ریزی درسی شامل هدف، محتوا، روش و ارزشیابی هستند. اما در عمل عناصر دیگری هم مدنظرند.



بازخورد مؤثر



دکتر سمیه لیاقت

برداشتن گام بعدی در فرایند یادگیری هدایت کنند، بازخورد سازنده و مؤثر است و رغبت به یادگیری را افزایش می‌دهد (رستگار، ۱۳۹۸).

بنابراین، نشانه مؤثر بودن بازخورد این است که به یادگیرنده بگوید قدم بعدی چیست و انگیزه او را برای حرکت در این راستا بیشتر کند.

ما معلمان، مدرسان و والدین، خیلی وقت‌ها به راحتی از اصطلاحات رایجی استفاده می‌کنیم؛ «بیشتر تلاش کن، حواست را جمع کن، دقت کن!» و یادگیرنده از ما چه می‌شنود: «توانستم آن‌طور که معلم می‌خواست عمل کنم» و «از اول هم می‌دانستم هر چه درس بخوانم باز هم معلم راضی نیست». دانش‌آموزی در جواب به جمله دقت کن، از معلم پرسیده بود: «آقا شما هم به من می‌گویید دقت کن! اما من نمی‌دانم چطور باید دقت کنم. دقت کنم یعنی چه کار باید کنم؟»

از دید یادگیرنده، یک بازخورد وقتی ویژه خود اوست که دقیقاً به هدفی خاص مربوط باشد و به موقع و در زمانی که بهترین اثر را دارد، به او داده شود. بازخورد بخشی از فرایند سنجش مستمر است و زمانی سازنده خواهد بود که به معلم و دانش‌آموز بگوید

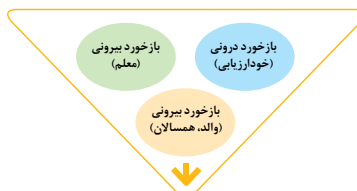
چیزی به آن‌ها بگوید؛ چیزی از جنس: «کجا می‌روم؟ چگونه می‌روم؟ قدم بعدی چیست؟»

اما معلم یا مدرس، با دادن تعداد زیادی جمله مثبت و تشویقی، در عمل به هیچ‌کدام از سؤال‌های دختران پاسخ ندهد. در این نوشتار و احتمالاً نوشته‌های بعدی، از تجربه‌ها و تحقیقاتی خواهیم گفت که درباره بازخورد مؤثر انجام شده‌اند.

بازخورد یکی از مهم‌ترین عناصری است که بر میزان یادگیری تأثیر دارد و این تأثیر فارغ از پایه تحصیلی و سن یادگیرنده است. معلم اولین کسی است که برای این تأثیر اهمیت قائل است. از طرف دیگر، این تأثیر می‌تواند مثبت یا منفی باشد (هاتی، تیمرلی، ۲۰۰۷). متخصصان معتقدند: آنچه موفقیت معلم را در اجرای ارزشیابی توصیفی تضمین می‌کند، ماهیت بازخوردی است که به شاگردانش می‌دهد. اگر اطلاعات این بازخورد بتوانند او را در

مدتی است سعی کرده‌ام در تدریس‌هایم به بازخورد مؤثر توجه کنم. با شروع همه‌گیری کرونا، فرصت خوبی داشتم تا اطلاعات بیشتری درباره بازخورد مؤثر پیدا کنم، چرا که ارتباط با شرایط آموزش دخترانم نزدیک بود. میانه کلاسشان گاهی خوشحال از اتاق پریده‌اند بیرون و از ویژگی‌های خوب معلم یا مدرسشان گفته‌اند. گاهی هم کلافه و بی‌حوصله از پای لپ‌تاپ بلند شده‌اند و بنا گذاشته‌اند به گله از تدریس معلم یا روش او.

تداوم گفت‌وگو با فرزندانم، نکات جالبی را نشانم داد. مثلاً دختر کوچکم می‌گفت: «هر کاری کنم، باز هم معلم بهم می‌گه آفرین! به همه ما می‌گه آفرین!» دختر بزرگم هم گروه و انساپ کلاسش را نشانم داد. دانشجویان طراحی‌هایشان را فرستاده بودند و استاد به هر کدام چیزی گفته بود: «آفرین، عالی، بسیار خوب، به‌به» و چند آیکون چشم‌قلبی شده و گل و بلبل کنار هر پیام بود. دخترم می‌گفت: «هر قدر مقایسه می‌کنم، نمی‌فهمم چه نوع سایه‌زدن و ترکیب رنگی مدنظر استاد است! از مقایسه جوابی که به کارهای بچه‌ها داده‌بود، چیزی دستگیرم نمی‌شود!» نکته این بود که: بچه‌ها نیاز داشتند توضیح معلم یا مدرس



خودتنظیمی در یادگیری



نتیجه خودسنجی یا خودارزیابی باشد و بازخورد خارجی شامل بازخورد معلم، بازخورد والدین و یا گروه همسالان است. هر دو نوع بازخورد بر دانش و باورهای یادگیرنده اثر دارند. اما لازم است به فرایند تأثیر این بازخوردها بر مهارت خودتنظیمی هم دقت کنیم.

این دو نوع بازخورد به یادگیرنده کمک می‌کنند مهارت خودتنظیمی پیدا کنند؛ یعنی گام بعدی آموزش را مشخص کنند، روش رسیدن به آن را طراحی کند و سپس آنچه را باید، انجام دهد. در واقع، بازخورد معلم نقش خودتنظیمی را ایفا نمی‌کند. یعنی معلم نمی‌تواند او را به تمرکز روی چیزی وادارد. بلکه بازخورد معلم هم یک ورودی است؛ به همراه سایر ورودی‌های فردی یا بیرونی. و فقط به او کمک می‌کند هدف‌ها را بشناسد، نیازها را مشخص کند و شیوه رسیدن به اهداف را تعیین کند.

چه بازخوردهایی بدون توجه خواهند ماند؟

آیا همواره بازخوردهای مناسب تأثیرگذار خواهند بود؟ پاسخ منفی است. عوامل متعددی وجود دارند که نقش بازخورد مناسب را کم‌رنگ کنند. وقتی یادگیرندگان به بازخورد گوش نکنند، وقتی بازخورد بالاتر از فهم آنان باشد و وقتی آن را بی‌فایده ببینند، بازخورد بدون توجه می‌ماند. همچنین، لازم است بدانیم، همه بازخوردها مؤثر نیستند. گاهی بازخوردها برای یادگیرندگان، به‌ویژه یادگیرندگان حساس، این اثر را خواهند داشت: «می‌دانستم که خیلی نادانم». گاه نیز فرهنگ و فضای کلاس این احساس را به یادگیرندگان می‌دهد که در کلاس همیشه همه چیز درست سر جای خودش است. در چنین شرایطی، اگر یادگیرنده با مشکلی روبه‌رو شود که باید آن را رفع یا اصلاح کند، آن مورد را «غلط و اشتباه» تلقی خواهد کرد. یعنی اشتباه یادگیرنده طبیعی جلوه نمی‌کند و در نتیجه به راحتی پذیرفته نمی‌شود. همچنین، اگر معلم برای استفاده از بازخورد، فرصتی به دانش‌آموز ندهد، بازخورد بی‌نتیجه خواهد ماند. مثلاً اگر معلم برای قضاوت نهایی یا نمره کارنامه از بازخورد استفاده کند، تأثیر سازنده آن بر یادگیرندگان کم می‌شود، چرا که فرصتی برای اصلاح نیست و احساس خوبی نیز در آنان ایجاد نمی‌کند.

منابع

۱. بروکهارت، سوزان، ارزشیابی توصیفی یعنی بازخورد مؤثر، ترجمه طاهره رستگار، (۱۳۸۹). تهران، منادی تربیت.
2. Hattie, J. & Timperley, H. (2007), The Power of Feedback. Review of Educational Research 77(1), 81-112.

بازخورد مؤثر

خودتنظیمی

حرکت برای:
 • دانش یا مهارت‌هایی که باید کسب شود
 • تعیین میزان فاصله از اهداف
 • تعیین و برداشتن قدم بعدی یادگیری

اتفاقی که در فرایند یادگیری می‌افتد، این است که عملکرد دانش‌آموز به اطلاعاتی که او از عملکردهای قبلی خود دارد، وابسته است. پس وقتی بخواهیم شکاف بین وضع فعلی و وضع مطلوب را پر کنیم، باید به خاطر داشته باشیم که او از این اطلاعات استفاده می‌کند. پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند، نقش یادگیرنده در فرایند بازخورد بسیار مهم است. یادگیرنده، بازخورد معلم را از فیلترهای خود می‌گذراند. این فیلترها بر اساس دانش، تجربه‌های قبلی و انگیزه‌های شخصی اوست. وظیفه یادگیرنده معنی‌دار کردن بازخوردهاست. دانش‌آموزی که بخواهد بازخوردها را به دانش، تجربه‌ها و انگیزه‌های خود پیوند بزند تا برایش معنی‌دار شوند، باید خودتنظیمی داشته باشد. یعنی بتواند کنترل خود و یادگیری خود را در دست بگیرد.

یادگیرندگان با انواع بازخورد مواجهند: بازخوردهای درونی یا داخلی که نتیجه ارزیابی خودشان است و بازخوردهای بیرونی یا خارجی که از محیط و افراد دریافت می‌کنند. بازخورد داخلی می‌تواند

یادگیرنده چه اندازه به هدف‌های آموزشی دسترسی پیدا کرده است. این اطلاعات باید کمک کنند براساس آن، گام بعدی در فرایند آموزش مشخص شود. بنابراین، بازخورد مؤثر به این سؤال‌های یادگیرنده جواب می‌دهد:

- چه دانش یا مهارت‌هایی را باید کسب کنم؟
- چقدر به هدف‌های آموزشی نزدیک شده‌ام؟
- چه فعالیت‌های دیگری باید انجام دهم؟
- بازخورد دووجه مثبت دارد: وجه شناختی و وجه انگیزشی. اگر یادگیرنده تشخیص دهد چقدر به هدف‌ها نزدیک شده‌است و چه شکافی را باید پر کند، خواهد توانست فرایند یادگیری خود را کنترل کند (وجه شناختی). از طرف دیگر، توانایی کنترل فرایند یادگیری به یادگیرنده اعتماد به نفس می‌دهد و باعث ترغیب او برای برداشتن گام بعدی خواهد شد (وجه انگیزشی). همچنین، از آنجا که بازخورد نشان‌دهنده توجه معلم به شاگردانش است، می‌تواند اثر انگیزشی بیشتری بر یادگیرنده داشته باشد.



آثار پنهان روش‌های تدریس

© دکتر محمد نیر، دبیر ریاضی و دکترای برنامه‌ریزی درسی / تصویر ساز: سید میثم موسوی

روش‌های گوناگون تدریس معلم، جدا از آنکه سطوح یادگیری متفاوتی را برای دانش‌آموزان در پی دارد، آثار نهانی متفاوتی را پدیدار می‌کند که در دایرهٔ برنامهٔ درسی پنهان قابل ذکر است. این موضوع در شرایط گریزناپذیر جدیدی که فضاهای مجازی را برای آموزش پیش‌رو قرار داده است، توجه و اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. همچنین، شیوه‌های گوناگون ارزشیابی هم موجب شکل‌گیری برنامهٔ درسی پنهان و نتایج ناپیدای گوناگونی خواهند شد. یادداشت حاضر، به این دو مقوله، به عنوان دیگر عوامل مؤثر محیط شناختی در ایجاد برنامهٔ درسی پنهان می‌پردازد.

● معلم اول در صحنهٔ آموزش کاملاً فعال است و فراگیرندگان او ساکت هستند، ولی فراگیرندگان در صحنهٔ آموزش کلاس دوم فعالیت می‌کنند و معلم راهنمای فعالیت‌های آن‌ها می‌شود.

● در کلاس اول، هدف یاد دادن و تکیه بر محفوظات و کسب دانستی‌های ضروری و غیرضروری است، ولی در کلاس دوم، هدف یادگیری است و فراگیرندگان به یادگیرنده‌های مادام‌العمر تبدیل می‌شوند.

اکنون شما دریابید که دانش‌آموزان هر یک از این دو کلاس، چه برنامهٔ درسی پنهان متفاوتی را تجربه می‌کنند؟ به نظر می‌رسد، سیاق معلم اول که در زمرهٔ روش‌های آموزش رایج در نظام آموزشی ما، یعنی مستقیم یا سخنرانی است، به ایجاد خصوصیات نامطلوب نظیر تسلیم، انقیاد و نداشتن رغبت و اهتمام نسبت به یادگیری و تعلیم می‌انجامد. همچنین، می‌تواند روحیهٔ انفعال، ناامیدی، سطحی‌انگاری، کوشش برای حفظ طوطی‌وار و حتی تقلب را ایجاد کند. در حالی که نظام آموزشی

را توجیه می‌کند). معلم دوم راهنمای یادگیری است و به جای پاسخ مستقیم به پرسش‌ها، می‌کوشد با پرسش‌های متعدد از فراگیرندگان، آن‌ها را به پاسخ‌های صحیح هدایت و به اندیشیدن ترغیب کند.

● معلم اول غالباً جزوه می‌گوید، مطالب کتاب را خلاصه می‌کند و فراگیرندگان را به سوی استفاده از کتاب‌های حل مسائل سوق می‌دهد. معلم دوم به فراگیرندگان پاسخ کلیشه‌ای نمی‌دهد، پرسش‌هایی را مطرح می‌کند که قابل بحث باشند و فرصت گفت‌وگو ایجاد می‌کند.

● معلم اول به کلاس تکلیف می‌دهد و فراگیرندگان در این فرایند تماشاگرند. معلم دوم هر فراگیر را تشویق می‌کند که از دیگران کمک بگیرد، برای نظریه‌های خود وسایلی بسازد، تجربه کند و نتیجه را گزارش دهد.

● معلم اول، خود کلاس را کنترل می‌کند و معلم دوم غالباً نظارت می‌کند و امور کلاس، از جمله حضور و غیاب را، به سرگروه‌ها وامی‌سپارد.

در نظر بگیرید دو معلم به شیوه‌های زیر به آموزش دانش‌آموزان بپردازند:

● در کلاس معلم اول، فراگیرندگان مفاهیم، تجربه‌ها و قوانین را می‌خوانند، حفظ می‌کنند و می‌کوشند آن‌ها را به خاطر بسپارند. در کلاس معلم دوم، فراگیرندگان، ضمن انجام فعالیت‌ها یا کسب تجربه، در تولید مفاهیم شرکت دارند و به‌طور مستقیم نتایج هر تجربه را به دست می‌آورند.

● فراگیرندگان کلاس معلم اول، هر چه را به امانت به ذهن خود سپرده‌اند، پس می‌دهند و هنگام آزمون، امانت‌های دریافتی را مسترد می‌کنند. در کلاس معلم دوم، فراگیرندگان با تمام افراد گروه به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند، با هم کار می‌کنند، نظرات خود را با یکدیگر مقایسه و اشتباهات خود را تصحیح می‌کنند و به فراگیری دانش یاری می‌رسانند.

● معلم اول غالباً با روش سخنرانی تدریس می‌کند و نقش حل‌کنندهٔ مسائل را ایفا می‌کند (تمرین می‌دهد، به حل تمرین‌ها کمک می‌کند و با مثال مفاهیم

سالم، همچون سیاق معلم دوم، موجب شور و شوق یادگیری، خلاقیت و نوآوری، مباحثه و نقادی می‌شود و تسهیلگر کشف واقعیت توسط خود یادگیرنده و به صورتی فعالانه، خواهد شد.

به نظر می‌رسد یکی از عواملی که در کم کردن فاصله بین برنامه درسی رسمی و پنهان تأثیر دارد، مشارکت فراگیرندگان در جریان آموزش است. در صورت مشارکت فراگیرندگان در طراحی و اجرای آموزش، آن‌ها نیز فعالیت‌های یادگیری را با اهمیت تلقی خواهند کرد و با علاقه و آگاهی، برای یادگیری و نیل به هدف‌های آموزشی تلاش می‌کنند.

آثار پنهان آموزش در دوران کرونا

با تعطیلی مدرسه‌ها به دلیل شیوع ویروس کرونا، شوکی به جامعه معلمی و فرهنگی وارد شد که تعادل نظام آموزشی را به هم زد. در این میان، بسیاری از معلمان، تا جایی که در توانشان بود تلاش کردند. از این رهگذر، حماسه‌هایی رقم زده شد، تحرک‌هایی به وجود آمد، زمینه بروز و ظهور خلاقیت‌ها و شکوفایی استعدادهایی فراهم شد تا تعادلی جدید برقرار شود. از این رو، گرچه کرونا به ما شوک وارد کرد، اما این شوک در خیلی از ابعاد ما را رشد داد و از این باب مبارک بود و این جنود الهی در عالم، مبارک هستند! کرونا برای همه، به خصوص معلمان و جامعه فرهنگی، تهدیدی بزرگ بود، اما ما توانستیم این تهدید را به فرصت تبدیل کنیم. تمام بسترهای قبلی که از آن گریزان یا کم‌توان بودیم، به عنوان امکان‌های جدید، خود را آشکار کردند و در خدمت امر مقدس آموزش و یادگیری قرار گرفتند. کاری که قبلاً اتلاف عمر محسوب می‌شد، الان خوب و مفید تلقی می‌شود و به رشد و توسعه توانمندی بچه‌ها کمک می‌کند. گروهی از معلمان به سراغ اطلاع‌رسان‌های متفاوت رفتند، گروهی شبکه‌های اجتماعی را برگزیدند و گروهی که هیچ کدام را نداشتند، با تلفن و جزوه با بچه‌ها ارتباط برقرار کردند.

پارهای از مدرسه‌ها از قبل امکانات و زیرساخت‌هایی داشتند، اما به‌طور عمده چندان فعال نبودند. تمام مربیان و بچه‌ها با آن‌ها کار نمی‌کردند و مراجعاتی از روی سرگرمی داشتند. مدرسه‌ها این موارد را برای رشد خودشان و دانش‌آموزان جدی گرفتند و حتی گاهی پدرها و مادرها در این موضوع وارد شدند.

چنین تجربه قصد و پیش‌بینی نشده استفاده از بستر مجازی، و جهی از برنامه درسی پنهان را پیش روی معلمان و دانش‌آموزان قرار داد. به نظر می‌رسد، در دوران پساکرونا، استفاده از این فرصت، در ضمیمه کلاس‌های حضوری باقی بماند و یادگیری ترکیب به‌طور جدی در دستور کار مدرسه‌ها و معلمان قرار گیرد. بنابراین، ضرورتی از صلاحیت‌ها و توانمندی‌های جدید پیش روی معلمان قرار گرفت تا براساس آن طرحی نو در اندازند و شیوه‌های جدیدی از آموزش را تجربه کنند. این موارد را می‌توان در دو بخش یادگویی و فناوری خلاصه کرد. به عبارت دیگر، معلمان باید این دو نوع شایستگی را کسب کنند تا در دوران پساکرونا باقی بمانند.

کلمه یادگویی ریشه روسی دارد و بر علم و هنر یاددهی و یادگیری مبتنی بر طراحی آموزشی ناظر است که در آن سیر حرکت دانش‌آموز از نقطه آغاز تا نقطه پایان، برای رسیدن به اهداف یادگیری ترسیم می‌شود. در این بستر جدید، شیوه‌هایی چون یادگیری معکوس، اصول تولید محتوای الکترونیکی، هدف و مدیریت کلاس‌های برخط، و انواع مدل‌های اجرایی مدرسه‌های ترکیبی، بیش از همیشه برای معلم ضروری می‌نماید تا شیوه آموزشی اثربخشی را برای دانش‌آموزان طراحی کند.

وجه دیگر، فناوری است که بر بستر یادگویی می‌نشیند. در اینجا بحث این نیست که از تعدادی فیلم استفاده کنیم یا آن‌ها را نمایش دهیم، بلکه بحث این است که ما بتوانیم فناوری را در بستر طراحی آموزشی ببینیم و به کار بگیریم تا به اثرگذاری آموزش و تعامل بیشتر دانش‌آموزان با معلم بینجامد و حتی به مشارکت اولیا دامن بزند.

در حوزه آموزش، برنامه درسی پنهان برخاسته از کرونا، چنین نهیب می‌زند که معلمی که امروز می‌خواهد در دوران کرونا و پساکرونا کار کند، کافی نیست بگوید من رسانه‌هایی را که دیگران تولید کرده‌اند به کار می‌گیرم. معلم حرفه‌ای باید خودش دست به ابزار باشد و کار کردن با نرم‌افزارها را بداند؛ همچون کسی که می‌خواهد از ابزارهای آشپزی استفاده کند. آشپز حرفه‌ای اگر ابزار نداشته باشد، کاری نمی‌تواند بکند! بسیاری از کارها را ابزار انجام می‌دهد. این ابزارها در فضای فناوری جدید به تولید رسانه‌ها می‌انجامند.

بنابراین، لازم است معلم‌ها خودشان آستین‌ها را بالا بزنند و یاد بگیرند، تا بتوانند فیلم‌برداری کنند، فیلم‌ها را تدوین کنند، برایشان زیرنویس و صدا بگذارند و ... تمام کارهای رسانه‌سازی مورد نظر را خود انجام دهند.

آثار پنهان نظام ارزشیابی

نظام ارزشیابی نیز می‌تواند پیامدهای ضمنی به همراه داشته باشد و عادت‌ها و نگرش‌هایی خاص ایجاد کند. به طور معمول، فراگیرندگان براساس بازخوردهایی که از امتحانات و شیوه‌های ارزشیابی خود می‌گیرند، شیوه مطالعه و تعامل با مطالب علمی را جهت می‌دهند. روش‌های نامناسب ارزشیابی فشار سختی بر فراگیرندگان وارد می‌کند و ایجاد روش‌های غلط را در یادگیری سبب می‌شوند.

برای مثال، محدود کردن ارزشیابی به پایان دوره آموزش، علاوه بر فشار روانی مضاعف و اضطراب فراگیرندگان، آن‌ها را از لذت یادگیری محروم می‌کند. از سوی دیگر، بدیهی است چنانچه انگیزه یادگیرنده به اموری غیر از خردورزی و دانشوری معطوف شود و مدرس جز بازگویی وقایع و پدیده‌ها کار دیگری نکند، ارزشیابی صرفاً در طبقات پایین شناختی رخ خواهد داد.

لیکن، چنانچه ارزشیابی مبتنی بر قوه پردازش، تحلیل و ترکیب، و قضاوت اجتهادگونه فراگیرندگان صورت پذیرد، بدیهی است آنان نیز به طبقات بالاتری از حیطه شناختی نائل می‌شوند و بازشناسی به بازخوانی، و حافظه‌سپاری به شناخت روابط و پدیده‌ها بدل خواهد شد. نظام ارزشیابی نامناسب ممکن است به ایجاد نگرش‌های منفی، مانند موارد زیر، منجر شود:

- نمره تنها معیار ارتقا و پیشرفت در مدرسه است.

- تحصیل و کسب معلومات و اطلاعات، به منظور پس دادن آن به شکل امتحان است.

- بهترین راه حفظ کردن است.

در حالی که به جای ارزشیابی از یادگیری، می‌توانیم در پی ارزشیابی برای یادگیری یا ارزشیابی به منزله یادگیری باشیم. امروزه معلمان خلاق در شرایط غیرحضوری و آموزش‌های ترکیبی خود، می‌توانند با استفاده از بسترهای مجازی، انواعی دیگر از شیوه‌های ارزشیابی را همچون آزمون‌های عملکردی، تحلیلی، کتاب‌باز و غیره نیز تجربه کنند.



ویرایش

حسین حسینی نژاد / تصویر ساز: سید میثم موسوی



در این شماره از مجله به یکی از کارهای ضروری قبل از انتشار هر نوشته می‌پردازیم. خاطرتان باشد، در شماره گذشته درباره بازنگری و بازنویسی صحبت کردیم. آخرین بخش از بازنویسی، ویرایش مطلب است. منظورمان از ویرایش، کار تخصصی به معنای دقیق آن نیست، بلکه انجام کارهایی روی متن است که از عهده هر کدام از ما بر می‌آید. هر اندازه هم بیشتر روی آن وقت بگذاریم، در این مسیر توانمندتر می‌شویم. در واقع، ویرایش مهارت است و هر کس به میزان علاقه و تمرین و دانش نظری می‌تواند در این راه پیش برود. باز تأکید داریم، منظورمان ویرایش حرفه‌ای و تخصصی نیست. کاری است که متن ما را یکدست‌تر می‌کند و غلط‌های فاحش آن را می‌گیرد؛ طوری که فراز و فرود نوشته منظم می‌شود. خلاصه، خواننده را با متنی روان و بدون غلط روبه‌رو می‌کند. در ادامه توضیحات بیشتری در این باره ارائه شده است.

نویسندگانی بدون نقص نبوده است! بدون هراس همه‌چیز را روی کاغذ بیاورید.

آنچه در طی سال‌ها نوشتن آموخته‌ام، این است که نباید در همان ابتدای کار خود را درگیر زیباسازی نخستین پاراگراف کنم، یا وقت خود را صرف آن کنم که آنچه می‌نویسم فصل اول باشد یا دوم. تجربه به من می‌گوید بهترین کار آن است که آنچه را به فکرم می‌رسد بنویسم و کار را ادامه دهم. زیرا هنگامی که دائماً می‌نویسم و کار پیش می‌رود، در روحیه‌ام تأثیر مثبت می‌گذارد. نباید به کار شک کرد. نباید خود را سانسور و ایده‌ها را در نطفه خفه کرد. ممکن

دستوری، فصل‌بندی‌ها و عنوان‌ها، کلمات کم یا زیاد یا تکراری بودن‌ها، در این قسمت برطرف می‌شوند. ویرایش نشان می‌دهد نویسنده تا چه اندازه برای خود و مخاطبش ارزش قائل شده است.

اگرچه دل‌کندن از بخش‌هایی از مطلب و حذف آن‌ها در ویرایش سخت است، ولی برای مؤثر شدن نوشته، هر آنچه به پیشرفت متن کمک نمی‌کند، باید حذف شود.

باربارا تراپیدو می‌نویسد:

در آغاز این نکته را بپذیرید که کار هر شخص نیاز به ویرایش دارد. اطمینان داشته باشید نخستین دست‌نوشته هیچ

ویراستاری یعنی خود را جای خواننده قرار دادن. افسونگر شدن. آیا می‌توانید خود را افسون کنید؟ آری می‌توانید. (باربارا تراپیدو، ۱۳۹۶: ۴۲)

برای این کلمات را روی کاغذ می‌آوریم که بتوانیم آن‌ها را تغییر دهیم. اگر نمی‌خواهید از خیر بعضی از کلمات بگذرید و کلماتی تازه جایگزین یا دست کم آن‌ها را پس و پیش کنید، به هیچ‌وجه نمی‌توانید با خواننده ارتباط برقرار کنید و نوشته‌تان را نیز فقط خود، دوستان و فامیل‌هایتان خواهند خواند.

ویرایش یکی از مراحل بازنویسی است که پس از تغییرات نهایی محتوا صورت می‌گیرد. صحیح‌نویسی، ویرایش

است دست‌نوشته اولیه پر از تکرار، جملات بی‌روح، تشریح و توصیفات کلیشه‌ای باشد! هیچ‌یک از این نکات نباید مانع نوشتن شود. باید شجاع بود و پیش رفت.

تصور نکنید تنها شما این‌گونه می‌نویسید. همه ما همین‌طور می‌نویسیم. از سوی دیگر، نگران چیزهایی نباشید که می‌نویسید. چون به‌جز خودتان، هیچ‌کس از وجود آن‌ها مطلع نیست. هیچ‌گاه نگران نباشید که شاید همسایه روبروی آن‌ها را ببیند و آبروی شما برود! بنابراین، تا هنگامی که آن‌ها را پالایش نکرده و شکل نداده‌اید و جرح و تعدیل‌های لازم را اعمال نکرده‌اید، هیچ‌کس آن‌ها را نخواهد دید. پس خود را رها کنید. بی‌پروا بنویسید. هر آنچه را دوست دارید، بنویسید، از شیر مرغ تا جان آدمیزاد. ابدا مانع خود نشوید. تصور کنید نوشتنتان چیزی است مانند خواب دیدن. بنابراین، بال‌های خود را نبندید. بگذارید به هر جا که می‌خواهد برود. اما زمانی که به هر جا دلش خواست رفت و آنچه را دلتان خواست نوشتید، نوبت به ویرایش می‌رسد (رهبر، ۱۳۹۹: ۴۱).

در هنگام ویرایش

متن را با صدای بلند برای خودتان بخوانید؛ بارها و بارها. با این کار درستی‌های متن الگ می‌شوند، زمختی‌ها شناخته و رفع می‌شوند و آنچه از الگ عبور می‌کند، متنی روان و یکدست خواهد بود.

می‌توانید متن را ضبط کنید و گوش دهید تا ببینید دست‌اندازهای آن کجاست. با این کار شما ریتم متن خودتان را پیدا می‌کنید و موسیقی‌اش را می‌یابید. هر جا سخته بخورد، متوجه آن می‌شوید.

منتتان را بدهید فرد دیگری

بخواند و شما گوش کنید. این بار در قالب شنونده و نه نویسنده، متن را به‌دقت گوش کنید. زیر و بالایی آن‌ها را درخواهید یافت.

شعارتان این باشد: «دیرتر، بهتر». عجله‌ای برای اینکه متن را منتشر کنید نداشته باشید. روی اصلاح آن وقت بگذارید. صورتان این باشد که متن را برای باهوش‌ترین فرد ویرایش می‌کنید. تا می‌توانید آن را صیقل دهید. نه یک‌بار، نه دو بار، بیش از ده‌ها بار. در این صورت متن شما ماندگار می‌شود.

از ویرایش منتتان لذت ببرید. آن را نوعی بازی با کلمه و جمله و عبارت قلمداد کنید. شعارتان «بازی بهتر و بهترش کن» باشد. وقتی از این کار لذت ببرید، دیگر از اینکه مدتی روی آن وقت بگذارید ناراحت نمی‌شوید.

بکوشید در ویرایش، جملات متن شما موسیقی خود را پیدا کنند. این موسیقی خواننده را سحر می‌کند. نوشته خوب و یکدست خواننده را به خلسه می‌برد. برعکس نوشته‌های ناهموار که چرت خواننده را پاره می‌کنند.

نوشته خود را به دوستان و همفکران خویش بدهید تا بخوانند و نظر بدهند. ممکن است نظرها متفاوت باشند و حتی بعضی‌ها را نپسندید، اما آن‌ها را که پسندیدید اعمال کنید. با این کار جلوی انقادهای پس از انتشار را خواهید گرفت.

در ویرایش حتماً نقطه‌گذاری و علامت سؤال و تعجب را فراموش نکنید. در این راه افراط نباشد بهتر است. نویسنده‌ای می‌گفت، من به کمک «؛»، «؟»، «،» و «» متنم را کامل می‌کنم. می‌گفت در این راه زیاده‌روی هم نمی‌کنم. به‌طور معمول و طبیعی آن‌ها را به کار می‌گیرم. مطالعه کتاب‌های چاپ‌شده ویراستاری‌شده و تمرین گام‌به‌گام، این مهارت را در ما تقویت می‌کند.

کلماتی که احتمال غلط‌نویسی دارند، آن‌هایی هستند که بیشتر ریشه‌های عربی دارند. در ویرایش بکوشیم این غلط‌ها را بیابیم و رفع کنیم. بودن غلط در نوشته، مثل افتادن لکه‌ای سیاه در لباس سفید، خودش را نشان می‌دهد و جلب توجه می‌کند. قضاوت دیگران را هم نسبت به ما منفی می‌کند. به این بخش توجه ویژه داشته باشیم.

مهم‌ترین ایراد ما در بخش دستور، احتمالاً تطابق نداشتن افعال با هم است؛ طوری که یک جمله را به زمان ماضی بگوییم و جمله بعدی را به زمان مضارع بیاوریم. یا برای فاعل مفرد، فعل جمع بیاوریم. در خواندن با صدای بلند، این ایرادها خودنمایی می‌کنند. بکوشیم آن‌ها را رفع کنیم. می‌توانیم متنمان را به کسی که در این زمینه ورزیدگی بیشتر دارد بدهیم تا بخواند و آن‌ها را اصلاح کند.

در هنگام ویرایش، کلمات تکراری و کلیشه‌ها را پیدا کنید و جایشان کلمات دیگر بنویسید. آیا می‌دانید تکیه‌کلام‌های خودتان چیست؟



با انجام این کارها، متن ما شفاف‌تر و منظم‌تر می‌شود. اگر خواسته باشید ویرایش را در شکل تخصصی ادامه دهید، به منابع علمی در این زمینه مراجعه کنید. اما رعایت همین نکات هم می‌تواند در سطح عمومی نوشته شما را مطلوب و خواندنی کند.

منبع:

۱. کلیسر، جیمز، تراپیدو، بابارا، ویلیامز، پاتریشا، مویرایل، چاندر، استیونسون، کتی، برمان، رتیا، چگونه می‌نویسیم؟ ۱۷ روش از ۱۲ نویسنده خلاق معاصر، ترجمه کاظم رهبر (۱۳۹۶)، تهران: کتاب خورشید



معلم تراز سند تحول

© معصومه شاهی، معلم پایه دوم ابتدایی

سند تحول بنیادین یکی از مهم‌ترین برنامه‌های بلندمدت نظام آموزشی کشور بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است. این سند در سال ۱۳۹۱ به تصویب شورای عالی انقلاب رسید. با اینکه آموزش و پرورش در چهار دهه گذشته تلاش‌های زیاد و قابل تقدیری به عمل آورده، اما هنوز با چالش‌های جدیدی روبه‌روست. نارسایی‌های موجود از یک طرف و ترسیم ایران توسعه‌یافته در افق ۱۴۰۴ از سوی دیگر، زمینه‌ساز تهیه سند تحول بنیادین تعلیم و تربیت شده‌اند. در تحقق اهداف و مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی تأکید شده در سند تحول، معلم (مرئی) مؤثرترین نقش را دارد. هدف این مقاله مشخص کردن ویژگی‌های معلمان از منظر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است.

راهکار ۳/۱۱: آموزش‌های ضمن خدمت؛
راهکار ۶/۱۱: ارتقای توانمندی‌های
معلمان.

یافته‌های تحلیل محتوای سند تحول
بنیادین نشان می‌دهد که تهیه‌کنندگان
سند به مهارت حرفه‌ای معلمان توجه
داشته‌اند. نتیجه بررسی شاخص‌های
صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان براساس

بسزا برخوردار است.
گزاره ۱۲: به منزلت علم نافع، هدایتگر
و توانمندساز و مقام و جایگاه عالم و معلم
باید بیش از پیش توجه شود.
راهکار ۲/۱۰: تقویت انگیزه ارتقای شغلی
در آنان، براساس نظام معیار اسلامی؛
راهکار ۳/۱۱: ادامه تحصیل با توجه به
رتبه‌بندی معلمان؛

در فصل اول سند تحول بنیادین با
عنوان «بیانیه ارزش‌ها» دو گزاره مهم به
شرح زیر آمده‌اند:
گزاره ۷: نقش معلم به‌عنوان
هدایت‌کننده و اسوه‌ای امین و بصیر
در فرایند تعلیم و تربیت و مؤثرترین
عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام
تعلیم و تربیت رسمی کشور، از اهمیتی



سند تحول بنیادین به شرح زیر است:
اخلاق حرفه‌ای و ارزش‌ها: ایمان به خدای یکتا، اعتقاد به دین مبین اسلام، صلاحیت‌های دینی و اخلاقی انقلابی، صلاحیت‌های شخصیتی، تعامل با نهادهای علمی و پژوهشی، و هدایت‌کنندگی.

دانش (علم نافع): ارتقای علمی و تربیتی معلمان و تقویت انگیزه‌های شغلی، رویکرد آموزش تخصصی و حرفه‌ای، یادگیری مداوم.

مهارت‌ها: هدایتگری، ارتقای توانمندی‌های معلمان، پژوهشگری.

توسعه حرفه‌ای: پژوهش، توانمندسازی، افزایش توانمندی‌های حرفه‌ای، شرکت در دوره‌های ضمن خدمت.

علاوه بر نبود جامعیت در شاخص‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای، کیفی بودن شاخص ارزش‌ها، غیرقابل‌سنجش و تفسیرپذیری این شاخص با توجه به مؤلفه‌های آن، به دشواری برای تعریف، ارزیابی و بهسازی در معلمان برای آن اتفاق نظر به وجود خواهد آمد و این تا حدودی بر نظرات اشخاص متکی و استاندارداذناپذیر است.



رویکردهای عمده‌ای که تاکنون مبنای ارائه‌الگوهای صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان قرار گرفته‌اند: رویکرد معلم‌محور که با تکیه بر مبانی معرفتی (روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، تربیتی و مدیریتی)، اصالت ارزش را در ذات و کنه معلم جست‌وجو می‌کند و تعالی فردی معلم را اصل و ناظر بر ارتقای کیفیت آموزش می‌انگارد. شاخص‌های عمده آن عبارت‌اند از: دانش، مهارت، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی و یادگیری.

رویکرد دانش‌آموز‌محور که اصالت ارزش را در بستر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و براساس برونداد آموزشی می‌جوید. عمده‌ترین شاخص‌های آن عبارت‌اند از: ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، نظرسنجی والدین، توسعه حرفه‌ای برای مقایسه عملکرد معلمان.

رویکرد موضوع‌محور که مبتنی است بر مبانی معرفتی علوم تربیتی و دانش ارزیابی روز که اصالت ارزش را در پرداخت به مقوله تعلیم و بازسازی آموزشی می‌جوید. مهم‌ترین شاخص‌های این رویکرد برای صلاحیت‌های حرفه‌ای عبارت‌اند از: ارزیابی وظیفه‌محور و ارزیابی صلاحیت حرفه‌ای (مکانیکی). به عبارت دیگر، در این رویکرد معلم در نقش انتقال‌دهنده دانش تعیین شده طبق استانداردهاست.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، با وجود توجه به ویژگی‌های دانش‌آموزان، نقش معلم را مهم‌ترین و معلم‌محوری را پررنگ‌تر از سایر رویکردها در نظر گرفته است. این در حالی است که اغلب رویکردهای طراحی آموزشی در دنیا مبتنی بر نیاز دانش‌آموزان و جامعه و چالش‌های جهانی مانند محیط‌زیست و حقوق بشر ارائه می‌شوند.

واقعیت این است که امروزه اغلب دانش‌آموزان برای یادگیری و توسعه همه‌جانبه شخصیت خود به منابع زیادی دسترسی دارند و به نظر می‌رسد اغلب آن‌ها با وجود حساسیت و اهمیت شغل معلمی در جامعه، معلمان را الگو و اسوه خود برای سبک زندگی مورد نظر قرار نمی‌دهند. معلمی یک حرفه است و

صلاحیت‌های هر حرفه به‌عنوان یک شغل و حرفه مشخص است. در عین حال، یادگیری و تجربه‌های نامنظم افراد و تأثیر عوامل بیرونی در شخصیت و سبک زندگی دانش‌آموزان در کنترل مدرسه نیست. نگاه سنتی به نقش معلم به‌عنوان یگانه دانای یاددهنده، با توسعه دانش بشری و ابزارهای اشاعه آن در سرتاسر جهان، با تنوع و جلوه‌های هنری در سایه نرم‌افزارهای فناوری در سرتاسر زمان برای استفاده گسترده است. به همین ترتیب، تنوع سبک زندگی و دسترسی مشاهده و مطالعه آسان آن‌ها، درست یا نادرست، انتخاب‌های متنوع و متعددی به‌جز معلم را در اختیار دانش‌آموزان قرار داده است. تأکید بیش از سهم معلم در تحقق حیات طیبه، اندکی غیرواقع‌بینانه جلوه می‌کند. آموزش و پرورش و معلمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی اولین اولویت متناسب‌سازی با اهداف انقلاب و بازسازی و بهسازی بودند و گزینش، تهیه دانش محتوایی، تأمین مدرسان دوره‌های آموزش معلمان و مدیریت آموزشی با حساسیت زیاد و مبتنی بر اهداف انقلاب اسلامی دنبال می‌شد.

در نهایت، کار معلم طراحی و خلق شرایط یادگیری همراه با فضیلت‌های اخلاقی، انسانی و فرهنگی است. به این منظور، ضمن داشتن رویکردی مثبت و دغدغه و شوق تربیت برای توسعه همه‌جانبه آینده‌سازان، لازم است به اندازه کافی از صلاحیت‌های دانشی، نگرشی و مهارتی برخوردار باشند. این مهم را حل مسائل انگیزشی و بهداشتی معلمان تسهیل می‌کند. امید آنکه در افق ۱۴۰۴ شاهد زندگی به نسبت پاک در سایه تلاش همه ارکان نظام و نظام آموزشی، به‌ویژه آموزش و پرورش، باشیم.

منابع

۱. سایت خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا (یادداشت مهمان منوچهر کلهر دکتری علوم تربیتی و استاد بازنشسته دانشگاه فرهنگیان قزوین)
۲. نوید ادهم، مهدی، رستمی پور. علی، رحمتی. محمدحسین، خنیفر، حسین. (۱۳۹۱) مبانی تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش، نورالثقلین.



معلم مشاور



فاطمه عبداللهی نیا، دبیر

شاخص‌ترین نقش معلم، نقش آموزشی اوست. اما با عنایت به تأثیرهای آشکار و پنهان شخصیت معلم در کلاس، او در عمل نقش‌های دیگری نیز ایفا می‌کند. این موضوع یکی از مباحث مهم تربیتی است که در کتاب‌های آموزشی و روان‌شناسی تربیتی بدان توجه شده است. جالب است بدانید، در ایران، توجه به نقش‌های گوناگون معلم در تعلیم و تربیت سابقه‌ای دیرینه دارد و در مکتب‌خانه‌ها و حوزه‌های علمیه، برای معلم و استاد، علاوه بر نقش آموزشی، نقش‌های اخلاقی و هدایتی نیز قائل می‌شدند. اما امروزه، برخلاف گذشته، توجه به این نقش‌های معلم کاهش یافته است. در هر حال معلم می‌تواند نقش‌های متعددی ایفا کند؛ از جمله می‌تواند متخصص آموزشی، محرک، مدیر، رهبر، مشاور و مهندس محیط و سرمشق باشد.

به دانش‌آموز و والدین او گزارش پیشرفت بدهید. در جلسات اولیا شرکت کنید. با آنان به تبادل نظر بپردازید و سعی کنید مشکلات دانش‌آموزان را تشخیص دهید. همهٔ این فعالیت‌ها می‌توانند ماهیت مشاوره‌ای داشته باشند و کاری تخصصی به حساب آیند. مواردی از این فعالیت‌ها هم هستند که هنوز در مدرسه‌های ما چندان جا نیفتاده‌اند؛ مثل مصاحبه با دانش‌آموزان و والدین آن‌ها، دیدار آنان در خانه، اجرا و تفسیر آزمون‌های سادهٔ روان‌شناختی.

را با خطر جدی روبه‌رو کند. گفتیم که مشاوره موضوعی انسانی است و می‌تواند ارتباطات انسانی را تسهیل کند. فنون مشاوره، راهکارهای علمی این ارتباطات محسوب می‌شوند. مثلاً یک مشاور باید یاد بگیرد. مشاهده‌گر خوبی باشد، خوب گوش بدهد، به‌موقع سکوت کند، در زمان مناسب تشویق کند و ... این فنون نه‌تنها در ایفای نقش مشاوره‌ای، بلکه در سایر زمینه‌ها نیز به معلم کمک خواهند کرد. به‌عنوان معلم، باید در زمان‌های لازم

برای آنکه معلم بتواند نقش مشاوره‌ای داشته باشد، لازم است از این سه ویژگی برخوردار باشد: صلاحیت‌های مشاوره‌ای؛ کاربرد فنون مشاوره؛ مهارت‌های مشاوره. البته این موضوع تنها به معلم اختصاص ندارد. هر کس که به حوزهٔ مشاوره وارد می‌شود، باید از حداقل صلاحیت‌های مشاوره‌ای برخوردار باشد تا خود و دیگران را دچار مشکل نسازد. مشاوره موضوعی انسانی است و ماهیتی انسان‌دوستانه دارد. اما ناشی‌گری و ناکارآمدی افراد در مشاوره، می‌تواند ویژگی انسان‌دوستانهٔ آن

معلم در نقش مشاور باید:

- مشاهده‌گر و نسبت به رفتار دانش‌آموزان حساس باشد؛
- بداند چه وقت دانش‌آموزانش به متخصص بهداشت روانی نیاز دارند؛
- مسائل عاطفی دانش‌آموزانش را بشناسد؛
- بتواند از دانش‌آموزانش در زمینه‌های هوش، تحصیل و رغبت‌ها آزمون بگیرد و نتیجه را برای آنان توضیح دهد و تفسیر کند؛
- احساسات والدین دانش‌آموزان را درک کند؛
- معیارهای جامعه خود را بشناسد؛
- نیازهای سایر معلمان را دریابد.
در یک جمع‌بندی ساده، نقش مشاوره‌ای معلم را می‌توان چنین بیان کرد: معلم به‌صورت آگاهانه و با استفاده از اصول و فنون مشاوره‌ای می‌تواند دانش‌آموزان خود را به‌خوبی بشناسد، با آن‌ها ارتباط سازنده و مؤثر برقرار کند، شناختی مقدماتی از مشکلات آنان به‌دست آورد و در مراحل بعدی آن‌ها را به متخصصان مربوط ارجاع دهد. علاوه بر این‌ها، والدین را هدایت و راهنمایی کند و در نهایت برای ایجاد جو مطلوب در مدرسه بکوشد.

معلم کلید حل مشکلات و مهم‌ترین متخصص در محیط مدرسه است. پشتیبانی و مشارکت معلم در هر نوع برنامه‌ای که به دانش‌آموزان مربوط شود، حیاتی است. برنامه مشاوره مدرسه نیز از این قاعده مستثنا نیست. بنابراین، لازم است نقش و عمل معلم در برنامه مشاوره بررسی شود و با توجه به تفاوت‌های احتمالی این نقش در سطوح گوناگون آموزشی و محیط‌های متفاوت آموزشی، به رسمیت شناخته شود.

با وجود اهمیت نقش معلمان در برنامه مشاوره مدرسه‌ها، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد در بسیاری از مدرسه‌ها، درگیر شدن معلم در برنامه مشاوره، هنوز هم تصادفی است. بسیاری از معلمان از هدف‌های برنامه مشاوره مدرسه خودشان چندان مطمئن نیستند و تقریباً احساسات

معلم کلید حل مشکلات و مهم‌ترین متخصص در محیط مدرسه است. پشتیبانی و مشارکت معلم در هر نوع برنامه‌ای که به دانش‌آموزان مربوط شود، حیاتی است

به رقابت با هم و می‌داریم، تفاوت‌های فردی آن‌ها را نادیده گرفته‌ایم. نمونه دیگر، به نوع نگرش ما به رفتار انسان‌ها مربوط می‌شود. در موقعیت‌های متفاوت، رفتار افراد را نشانه شخصیت آن‌ها قلمداد می‌کنیم و حکم به بد و خوب بودن آن‌ها می‌دهیم.

ورود به حوزه روان‌شناسی کمال به نفع همه است و می‌تواند افق‌های جدید و وسیعی را به روی آدمی بگشاید. منابع زیادی در این‌باره وجود دارند. کافی است کمی حوصله به خرج دهید. بهترین، کامل‌ترین و عالی‌ترین کتاب روان‌شناسی سلامت و کمال در اختیار خود ماست؛ قرآن کریم.

بعضی از تیپ‌های شخصیتی برای مشاوره مستعدتر از بقیه هستند. از این جنبه می‌توان شخصیت افراد را به دو دسته کلی تقسیم کرد: «انسان‌های اضطراب‌آفرین؛ انسان‌های آرامش‌بخش.»

به‌طور حتم، قابلیت‌های این دو دسته برای مشاوره متفاوت هستند.

با عنایت به ویژگی‌های فرهنگی جامعه ما، لازم است هر گونه فعالیت مشاوره‌ای با هماهنگی مدیر و مجموعه عوامل مدرسه صورت گیرد. در موارد بسیاری، از حسن نیت معلمان در این زمینه سوءاستفاده شده و این موضوع انعکاس نامناسبی هم پیدا کرده است. مشاوره هم مانند هر فعالیت دیگری محدود و محدودیت‌هایی دارد. نه معلم و نه حتی مشاور رسمی، نمی‌توانند در هر موضوعی وارد شوند. توانایی علمی و تخصصی آن‌ها از یک طرف و حیطه وظایفشان از طرف دیگر، تعیین‌کننده محدودیت‌های آن‌هاست. معلم زن برای خود محدودیت‌هایی دارد. به همین ترتیب معلم مرد نیز باید محدودیت‌های خود را بداند.

منابع

۱. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۵). مبانی روان‌شناختی تربیت. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران.
۲. شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۶۹). فنون تربیت کودک. چهر. تهران.

می‌کنند از آن دور و بی‌خبرند.

علاوه بر آن، دخالت مستقیم معلم در مسائل مشاوره‌ای دانش‌آموزان هم در اکثر موارد پیش‌بینی نشده است، مگر اینکه برای دانش‌آموزی اتفاقی بیفتد تا متوجه شویم او با چه مشکلاتی مواجه است.

ضروری است که مدرسه (با رهبری مدیر) و معلم، در کنار سایر مسائل آموزشی، برنامه‌هایی هم برای مشاوره دانش‌آموزان طراحی و اجرا کند.

آشنایی با روان‌شناسی رشد

نه‌تنها آشنایی با روان‌شناسی رشد، بلکه تسلط بر آن، پیش‌نیاز هر فعالیت تربیتی است. مدیر، معلم، مشاور، پدر، مادر و هرکسی که به‌نوعی متولی تربیت انسان است، باید روان‌شناسی بدانند. رفتار ما با دانش‌آموزان بیشتر بر تجربه‌های شخصی و اصطلاحاً به‌دست آوردن قلق‌ها مبتنی است. این امر شاید لازم باشد، ولی به‌طور حتم کافی نیست. باید بسیار بیشتر از آنچه به شناخت کتاب، ابزارهای آموزشی و سایر مسائل مربوط به آن‌ها اهمیت می‌دهیم، به شناخت انسان بها بدهیم و این شناخت از طریق روان‌شناسی رشد میسر است.

تلقی اکثر افراد از تفاوت‌های فردی اشخاص بسیار سطحی و ساده‌نگارانه است. همه ادعا می‌کنند وجود تفاوت‌های فردی بین انسان‌ها را قبول دارند، ولی شواهد و دلایل زیادی برای رد این ادعا وجود دارد. نمونه بارز آن، ترغیب و واداشتن افراد به رقابت با یکدیگر است. مبنای رقابت را مقایسه تشکیل می‌دهد. در واقع، وقتی افراد را



اجازه بده شکست بخورم!



زهرا عرب سلمانی، آموزگار منطقه پیشوا، ورامین / تصویرساز: سید میثم موسوی

شده‌اند که دانش‌آموز به کمک روشی خاص به نتیجه‌ای مناسب و مطلوب خواهد رسید. معلم کلاس چنین کتاب‌هایی را تدریس کرده و کمتر حق شکست خوردن را برای دانش‌آموزان قائل است. غالباً کلاس درس هم به دو گروه تقسیم خواهد شد: گروه اول دانش‌آموزان بااستعدادی که این طراحی را از بر هستند و یاد گرفته‌اند این روش‌ها را تکرار کنند. این دانش‌آموزان حتی از امتحان کردن روش جدید، از کشف قانون خودشان، یا بهتر بگویم از شکست خوردن، می‌ترسند. گروه دوم دانش‌آموزانی که برجسب «می‌توانی» دور ذهنشان حصار کشیده‌است و از دوباره امتحان کردن، و از پیدا کردن استعداد و علاقه‌شان می‌ترسند. زیرا آن‌ها اجازه ندارند شکست بخورند!

آموزش شکست خوردن جزو آموزش‌های اساسی و کلیدی جوامع پیشرفته است. دانش‌آموزان کلاس ما (شهروندان جامعه ما) باید یاد بگیرند هدفشان را مشخص کنند و با تمام قدرت به سوی آن حرکت کنند. باید یاد بگیرند در مسیر ناهموار موفقیت، شکست طبیعی‌ترین اتفاقی است که ممکن است تجربه کنند. باید بدانند شکست‌ها مانع نیستند، سد نیستند، بلکه باید‌های مسیرند. آموزش ما باید به دانش‌آموز این نکته را بیاموزد که در دل هر شکست یک تجربه و یک یادگیری وجود دارد. یادگیری که اگر می‌ترسید و راه نمی‌افتاد، هرگز اتفاق نمی‌افتاد.

شرم و خجالت از این واژه زیبا و البته کمی دردناک آن‌قدر در آموزش ما سیطره انداخته که دانش‌آموز ترجیح می‌دهد از خوراکی پیش‌آماده سیستم آموزشی، که البته در خیلی موارد بوی نم تاریخ‌گذشتگی را می‌دهد، استفاده کند، اما دست روی زانوهای خودش نگذارد و اقدام به یادگیری نکند، چون می‌ترسد شکست بخورد!

اگر علت درجا زدنمان در اقتصاد، اشتغال‌زایی، کارآفرینی و تولید را بررسی کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که هر حرکت مثبتی به انرژی نیاز دارد. نیاز به انگیزه، نیاز به فردی که با انرژی و انگیزه، و بدون ترس از شکست، شروع به کاری کند. نیاز دارد آن‌قدر این کلمه طلایی را شنیده باشد که بداند (شکست) چهار حرف تلخ و ترسناک نیست، بلکه چهار حرف رمز است؛ پسورد موفقیت است.

بیا بید در شروع سال تحصیلی، اصلاً در ارتباطمان با دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی، بعد از ذکر فهرست طویل موفقیت‌هایمان، از نقطه‌های تاریکی بگوئیم که چشم‌هایمان را به‌سوی نور باز کرده‌اند. بیا بید کلمه «شکست» را قاب بگیریم و آن را در کلاس نصب کنیم تا هر روز ببینیم و به خودمان یادآوری کنیم هیچ‌چیز نمی‌تواند ما را متوقف کند. برای

در این متن کلمه «شکست» زیاد به چشمتان می‌خورد. این تکرار به عمد و به این دلیل خواهد بود که تمرین کنیم راحت‌تر و بیشتر از این کلمه استفاده کنیم.

یکی از بهترین کتاب‌هایی که در قرنطینه مطالعه کردم، کتاب «کاش وقتی بیست‌ساله بودم» اثر خانم تینا سیلیگ^۱ بود. هر بخش و هر خط از این کتاب پر بود از نکاتی که دلم می‌خواست چندین و چند بار آن‌ها را برای خودم تکرار کنم. در صفحه ۶۵ نویسنده به طرز معجزه‌آسا می‌گوید: «پایشگر جهانی کارآفرینی (جی‌ای‌ام) که گزارش سالانه مفصلی درباره فعالیت‌های استارت‌آپی در سراسر دنیا منتشر می‌کند، تفاوت‌های فرهنگی را در خصوص خطرپذیری و راحتی در برابر شکست، بررسی و مطالعه می‌کند. تیم جی‌ای‌ام دریافته‌اند که عوامل مهمی در پیشینه خطرپذیری جامعه نقش دارند. مثلاً در برخی کشورها مانند سوئد، قوانین ورشکستگی طوری طراحی شده‌اند که اگر یک بار شرکت شما تعطیل شود، دیگر هیچ‌وقت نمی‌توانید از زیر بار قرض دریابید. علم به اینکه این شکست عواقب شدید و طولانی مدتی برای شما و خانواده‌تان دارد، در وهله اول بازدارنده عظیمی برای راه‌اندازی یک شرکت است.

و در ادامه اضافه می‌کند: «در ابتدایی‌ترین سطح، تمام یادگیری‌ها از شکست به دست می‌آید.»

بیا بید این موضوع را در کشور خودمان بررسی کنیم. آستانه خطرپذیری جامعه ما چطور است؟ همواره به جنبه‌های مثبت شکست تأکید می‌کنیم یا جنبه‌های منفی آن را بزرگ می‌کنیم؟ آموزش‌وپرورش یا اصلاً ما معلمان چقدر در ایجاد این فرهنگ تلاش کرده‌ایم؟ محیط آموزشی ما چقدر توانسته است ترس از شکست را کاهش دهد؟

به نظر من، آموزش ما در این‌باره به بازنگری نیاز دارد تا بتواند فضایی را طراحی و ایجاد کند که در آن دانش‌آموز شکست خوردن را بیاموزد. به قول خانم تینا سیلیگ، «البته که هیچ‌کس نمی‌خواهد شکست بخورد» و یا شکست خوردن برای هیچ‌یک از ما خاطره شیرینی نیست که دوست داشته باشیم آن را چندین و چند بار تکرار کنیم، اما تا دست به کار نشویم، تا تجربه شکست را نداشته باشیم، پیروزی و موفقیت معنایی نخواهند داشت.

با بررسی ساده کتاب‌های آموزشی به این درک می‌رسیم که کتاب‌های ما فقط در جهت پیروزی و رسیدن به نتیجه عالی طراحی شده‌اند. اکثر آزمایش‌های کتاب علوم به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شده‌اند که دانش‌آموز با انجام سلسله فعالیت‌هایی، به نتیجه مطلوب می‌رسد. تمرین‌های ریاضی نیز به‌گونه‌ای طراحی



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی دبستانی

به صورت ماهنامه و ۹ شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

رشد کودک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی متوسطه

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره اول آموزش متوسطه

رشد پسران برای دانش‌آموزان دوره اول آموزش متوسطه

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره دوم آموزش متوسطه

رشد دختران برای دانش‌آموزان دوره دوم آموزش متوسطه

مجله‌های عمومی بزرگسال

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

- رشد آموزش ابتدایی • رشد فناوری آموزشی
- رشد مدرسه فردا • رشد معلم • رشد آموزش خانواده

مجله‌های تخصصی بزرگسال

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی • رشد آموزش پیش‌دبستانی • رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش تربیت بدنی • رشد آموزش جغرافیا • رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی • رشد آموزش زبان‌های خارجی
- رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد آموزش شیمی • رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش • رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد آموزش هنر • رشد برهان متوسطه دوم
- رشد مدیریت مدرسه

مجله‌های عمومی و تخصصی رشد برای معلمان، دانشجویان معلمان، و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

• تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

• وبگاه: www.roshdmag.ir

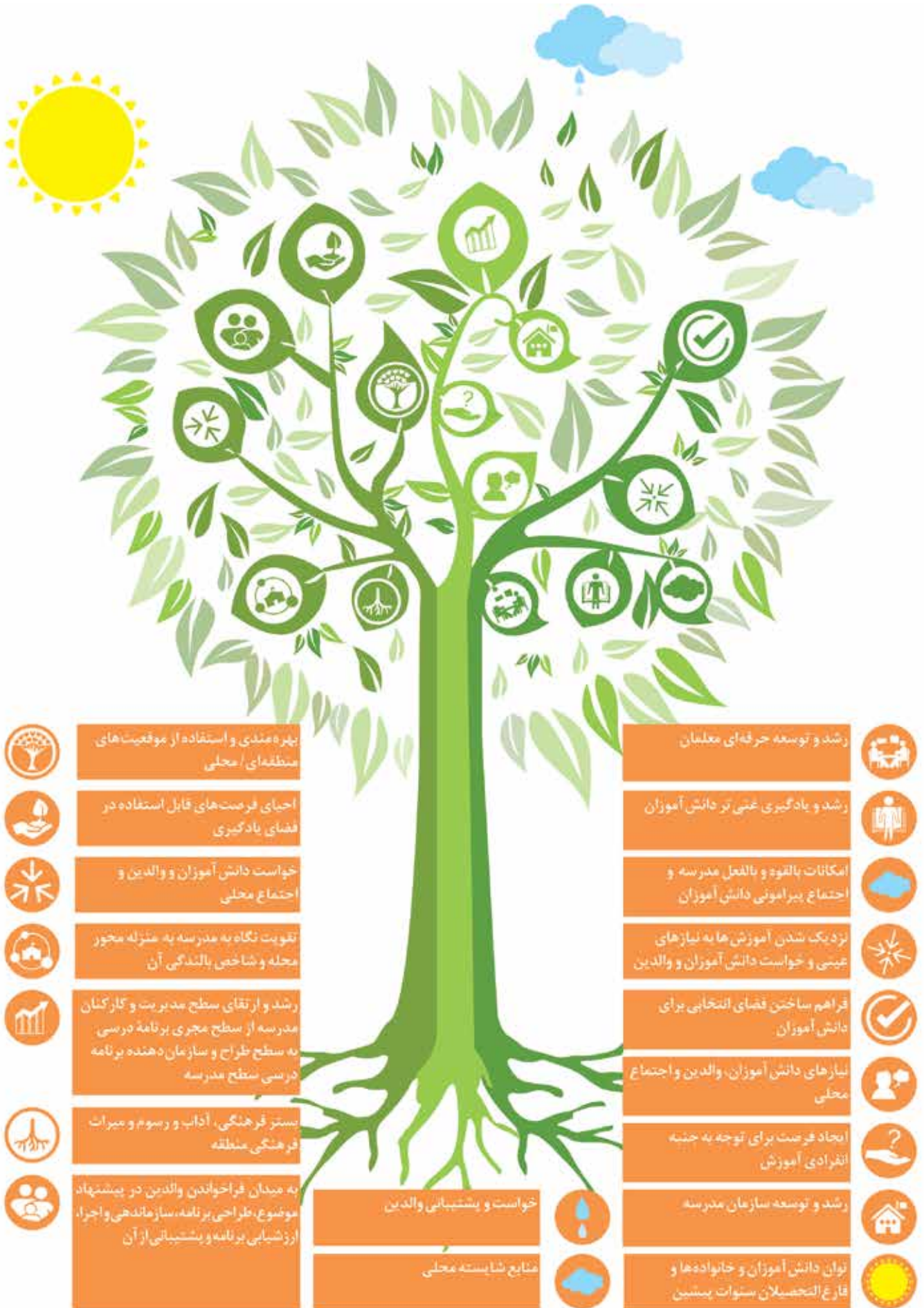
دانش‌آموزانمان بگوییم اولین تجربه راه رفتن روی پاهایمان، حتماً با زمین خوردن همراه بوده و اولین تجربه‌های نوشتن و مداد دست گرفتن برایمان خستگی به همراه داشته است. روزهای اول کلاس‌های ورزشی درد زیادی به سراغمان آمده است، اما همین زمین خوردن‌ها، همان دردها و خستگی‌ها را پشت سر گذاشته‌ایم که حالا می‌توانیم در مسابقه دو شرکت کنیم. می‌توانیم نامه‌ای به مادر بنویسیم و از او تشکر کنیم. می‌توانیم مبارزه کنیم و پیروز شویم.

شکست و روزهای بعد از شکست است که ما را از بقیه متمایز می‌کند؛ متفاوت به این خاطر که تجربه کرده‌ایم و خودمان یاد گرفته‌ایم، اما دیگران نشستند و دیگران به آن‌ها یاد دادند. متفاوت به این دلیل که درد شکست را چشیده‌ایم و این درد ما را مقاوم‌تر کرده، اما دیگران خوشحال‌اند که دردی نچشیده‌اند، زیرا اصلاً حرکتی نکرده‌اند. پس اجازه دهیم شکست بخوریم!

پی‌نوشت

۱. کاش وقتی بیست‌ساله بودم می‌دانستم. تینا سیلیگ. ترجمه مینا صفری. ویراست ۲۰۱۹. تهران. میلکان.





شاخص‌های برنامه ویژه مدرسه (بوم)

نخستین جشنواره فرهنگی هنری معلمان هنرمند

سراسر کشور
شیراز - سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰

هنرهای نمایشی و فیلم کوتاه
رسانه و فضای مجازی
هنرهای تجسمی
ادبی و پژوهشی
هنرهای آوایی

The First Cultural and Artistic
Festival of Artist Teachers

Iran-Fars 2020-21

Dramatic Arts and Short Films

Social Media and Cyberspace

Literary and Research

Visual Arts

Vocal Arts

www.artistteachers.ir

وزارت آموزش و پرورش
معاونت پرورشی و فرهنگی
اداره کل فرهنگی و هنری، اردبیل، ارومیه و قزوین، تبریز
با همکاری اداره کل آموزش و پرورش استان فارس

